



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی - تخصصی

حبل المتین

سال سیزدهم، شماره ۵۰ - بهار ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت

مدیر مسئول: مهدی غلامعلی

سر دبیر: ابوالفضل قاسمی

ویراستار: رضا اخوی

صفحه آرا: حسن محسنی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

افرا، شیخ خلیل	عضو شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت
بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم	دانشیار دانشگاه مذاهب اسلامی
سلامی، علی‌احمد	استادیار دانشگاه مذاهب اسلامی
قادر، قادر	عضو شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت
لکزائی، نجف	استاد دانشگاه باقرالعلوم (ع)
مبلغی، احمد	دانشیار دانشگاه مذاهب اسلامی
مؤمنی، عابدین	دانشیار دانشگاه تهران
میراحمدی، منصور	استاد دانشگاه شهید بهشتی

نشانی: تهران، خیابان رازی، نبش یاسمن، پلاک ۱۵، تلفن: ۶۳۴۹۷۰۰۰

وبسایت فصلنامه: www.hablolmatin.dmsonnat.ir

پست الکترونیکی: hablolmatin@dmsonnat.ir

شماره مجوز انتشار فصلنامه حبل المتین: ۳۴۷۱۹/۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۶

فهرست عناوین

- ۷..... سرمقاله
- ۹..... امام حسین و همگرایی اسلامی
ابراهیم ابراهیمی
- ۳۱..... تبیین شاخص‌های سیره تربیتی امام حسین (ع) از منظر اهل سنت
ستاره موسوی
- ۵۵..... شخصیت‌شناسی امام حسین (ع) در شعر شاعران اهل سنت
سیده عالیہ تیمار
- ۷۵..... محبت اهل سنت نسبت به خاندان پیامبر به‌ویژه امام حسین (ع)
علی افروخته
- ۸۵..... قیام عاشورا از منظر علمای اهل سنت، با تأکید بر نقش امام حسین (ع)
رشیده عالیان
- ۱۰۵..... گزارش کتاب مقتل ابومخنف از دی کوفی (مقتل الحسین)
سیدکرم حسین حسینی

سرمقاله

محبت و ارادت به اهل بیت پیامبر اکرم علیه السلام، به‌ویژه سرور و سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام، به‌عنوان میراثی گران‌بها و مشترک، همواره در قلب و جان مسلمانان، فارغ از تعلقات مذهبی و گرایش‌های فقهی، جایگاهی رفیع داشته است. این محبت، نه تنها یک احساس شخصی، بلکه به‌عنوان یک اصل بنیادین در فرهنگ و باور اسلامی محسوب می‌شود که ریشه در آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبوی دارد.

به بیان دیگر، محبت اهل بیت علیهم السلام از دیرباز به‌عنوان پلی میان مسلمانان، برای ایجاد همگرایی و اجماع در برابر چالش‌ها و مشکلات اجتماعی و مذهبی شناخته شده است. از سوی دیگر، امام حسین علیه السلام در تاریخ اسلام به‌عنوان سمبل ایستادگی و فداکاری در برابر ظلم شناخته می‌شود و واقعه عاشورا که به شهادت امام حسین علیه السلام منجر شد، تأثیر عمیق و ماندگاری در فرهنگ و تاریخ مسلمانان - اعم از شیعه و سنی - داشته است.

در منابع اهل سنت، شخصیت امام حسین علیه السلام جایگاه برجسته‌ای دارد و به‌عنوان یکی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، نوه‌ی محبوب پیامبر و از بزرگان و شایستگان اسلام معرفی شده است. آن حضرت به‌عنوان فرزند علی بن ابی‌طالب علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام، نه تنها در میان شیعیان، بلکه در بین اهل سنت نیز مورد توجه و احترام قرار دارد و با قیام عاشورا و ایستادگی در برابر ظلم و فساد، الگویی از فداکاری، شجاعت و ایثار را برای بشریت به ارمغان آورد.

در این شماره از حبل‌المتین که به مناسبت ایام شهادت سیدالشهدا علیه السلام و به قلم تعدادی از فرهیختگان و نویسندگان اهل سنت به رشته تحریر درآمده است، با برخی از ویژگی‌ها، فضایل و نیز دستاوردهای قیام آن حضرت از منظر اهل سنت آشنا خواهیم شد.

امام حسین و همگرایی اسلامی

ابراهیم ابراهیمی^۱

چکیده

امام حسین علیه السلام به عنوان نوه‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و گل خوشبوی ایشان، با قیام عاشورا در سال ۶۱ هجری قمری، نقشی بی‌بدیل در تاریخ اسلام ایفا کرد. ایشان با قیام خود علیه ظلم و بی‌عدالتی، نه تنها ارزش‌های اصیل اسلامی را زنده کرد، بلکه به عنوان نمادی از اتحاد و همبستگی میان مسلمانان مطرح شد. در پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی زندگی و شخصیت امام حسین علیه السلام، اهداف و پیام‌های نهضت عاشورا در راستای ایجاد وحدت و تقریب میان مذاهب اسلامی پرداخته شده است. همچنین، تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عاشورا بر امت اسلامی و نقش آن در کاهش اختلافات مذهبی و تقویت همبستگی میان مسلمانان بررسی شده است. هدف اصلی این مقاله، بررسی اصول و آموزه‌هایی است که قیام عاشورا به تمامی مسلمانان ارائه می‌دهد. در نهایت، مقاله به این نتیجه می‌رسد که آموزه‌ها و پیام‌های امام حسین علیه السلام می‌تواند به عنوان یک الگوی عملی برای ترویج وحدت اسلامی در جهان معاصر، مورد استفاده قرار گیرد و بر ضرورت ترویج این آموزه‌ها به منظور مقابله با تفرقه‌ها و اختلافات تأکید می‌کند.

کلیدواژگان: امام حسین علیه السلام، عاشورا، نهضت، همگرایی اسلامی، وحدت اسلامی، قیام، کربلا.

مقدمه

امام حسین علیه السلام، سومین امام شیعیان و فرزند امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام، نه تنها در تاریخ اسلام به عنوان نمادی از شجاعت، ایثار و مقاومت در برابر ظلم شناخته می شود، بلکه شخصیت و قیام ایشان در واقعه عاشورا به عنوان نقطه عطفی در تاریخ اسلام، نقش مهمی در شکل گیری و تقویت وحدت و همگرایی میان مسلمانان داشته است. واقعه عاشورا که در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری رخ داد، نه تنها قلب میلیون ها مسلمان در سراسر جهان را به درد آورد، بلکه به عنوان الگویی ماندگار برای مبارزه با بی عدالتی و حفظ ارزش های انسانی و اسلامی در اذهان باقی ماند.

در دنیای معاصر که امت اسلامی با چالش های متعددی از جمله تفرقه و اختلافات مذهبی روبروست، بازگشت به اصول و آرمان های امام حسین علیه السلام و بهره گرفتن از درس های عاشورا می تواند به عنوان راهکاری برای تقویت همبستگی و همگرایی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. امام حسین علیه السلام با قیام خود علیه استبداد یزید، پیام وحدت و همبستگی را برای تمامی مسلمانان به ارمغان آورد و به عنوان نمادی از مقاومت در برابر ظلم، همچنان در میان مسلمانان از همه مذاهب، مورد احترام و تکریم قرار دارد.

این مقاله بر آن است تا با بررسی زندگی و شخصیت امام حسین علیه السلام و تحلیل پیام های نهضت عاشورا، نقش این واقعه بزرگ را در ایجاد و تقویت همگرایی اسلامی مورد بررسی قرار دهد؛ چراکه قیام عاشورا فقط یک حرکت سیاسی نبود، بلکه یک اقدام اخلاقی و دینی بود که پیام های عمیقی برای تمامی مسلمانان داشت. همچنین در این پژوهش تلاش می شود تا چگونگی استفاده از آموزه های امام حسین علیه السلام در ترویج وحدت اسلامی در دنیای امروز، تحلیل و ارزیابی گردد. به این امید که بتوانیم با مطالعه دقیق زندگی امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش، به درکی عمیق تر از اهمیت همگرایی اسلامی و نقش محوری این امام همام و این شهید والامقام دست یابیم.

۱- امام حسین علیه السلام و نقش ایشان در اسلام

۱-۱: زندگی و شخصیت امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه به دنیا آمد. او فرزند امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و نوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. از همان کودکی، به دلیل

شخصیت والای پدر و مادر و همچنین توجه خاص پیامبر اکرم ﷺ به تربیت ایشان و برادرشان امام حسن ﷺ، امام حسین ﷺ به عنوان یکی از برجسته ترین چهره های اسلامی شناخته شد (مطهری، ۱۳۹۰ ش: ۴۵).

پیامبر اسلام ﷺ بارها درباره امام حسین ﷺ فرموده است: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِن حُسَيْنٍ» که بیانگر پیوند عمیق میان پیامبر و امام حسین ﷺ و همچنین نقش ایشان در حفظ و ترویج اسلام است (ترمذی، بی تا، ۶۵۸/۵).

۲-۱: جایگاه امام حسین ﷺ در مکتب اهل بیت ﷺ

امام حسین ﷺ در مکتب اهل بیت ﷺ جایگاهی ویژه و برجسته دارد. او نه تنها به عنوان یک امام معصوم، بلکه به عنوان مدافع راستین ارزش های اسلامی و انسانی شناخته می شود. امام حسین ﷺ با تربیت در دامان پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ، به چهره ای شاخص در میان مسلمانان تبدیل شد و آموزه های ایشان همواره بر محوریت عدالت، آزادی و حقانیت استوار بود (جعفری، ۱۳۸۸ ش: ۳۲).

یکی از ویژگی های برجسته شخصیت امام حسین ﷺ، شجاعت و صراحت در بیان حقایق و مقابله با ظلم و ستم بود که این امر به وضوح در قیام عاشورا مشاهده می شود.

۳-۱: اهداف و آرمان های امام حسین ﷺ در قیام عاشورا

قیام امام حسین ﷺ علیه یزید بن معاویه در سال ۶۱ هجری، نه تنها به دلیل بیعت نکردن با حاکمی ظالم، بلکه به دلیل حفظ ارزش های اصیل اسلامی و مقابله با انحرافات بود که در دین اسلام ایجاد شده بود. امام حسین ﷺ بارها تأکید کرده بود که هدفش از این قیام، اصلاح امت جدش پیامبر اسلام ﷺ است. ایشان در نامه ای به مردم کوفه نوشتند: «من برای ایجاد اصلاح در امت جدم قیام کرده ام و هدفم از این حرکت، احیای امر به معروف و نهی از منکر است» (نک: طبری، ۱۹۸۵: تاریخ الرسل والملوک). این هدف گذاری امام حسین ﷺ نه تنها برای شیعیان، بلکه برای تمام مسلمانان از هر فرقه ای، به عنوان یک الگوی مقاومت و مبارزه با ظلم و بی عدالتی به شمار می رود. قیام عاشورا با تأکید بر اصولی چون عدالت، حق طلبی و آزادی، نقطه عطفی در تاریخ اسلام شد و امام حسین ﷺ را به عنوان نماد مقاومت در برابر ظلم معرفی کرد (توکلی، ۱۳۹۲ ش: ۷۰).

۴-۱: تأثیر شخصیت امام حسین (ع) بر امت اسلامی

شخصیت امام حسین (ع) همواره به عنوان عاملی وحدت بخش در میان مسلمانان مطرح بوده است. بسیاری از علما و متفکران اسلامی، از جمله اهل سنت نیز امام حسین (ع) را به عنوان یکی از بزرگان اسلام مورد تکریم و احترام قرار می دهند. شخصیت والای امام حسین (ع) و قیام عاشورا، درس های بسیاری برای امت اسلامی دارد که شامل اهمیت حفظ وحدت، مبارزه با ظلم و فساد و تلاش برای حفظ ارزش های دینی است (جعفری، همان: ۵۵).

در نتیجه، امام حسین (ع) نه تنها به عنوان یک امام، بلکه به عنوان نماد عدالت خواهی و مقاومت در برابر ظلم در میان تمامی مسلمانان شناخته می شود. شخصیت و قیام ایشان همچنان به عنوان الگویی برای وحدت و همگرایی اسلامی مورد توجه است و آموزه های ایشان می تواند به عنوان یک راهنمای عملی، برای مقابله با چالش های معاصر در جهان اسلام به کار گرفته شود.

۲- نهضت عاشورا و اصول آن

۲-۱: پیش زمینه های تاریخی قیام عاشورا

نهضت عاشورا یکی از برجسته ترین و تأثیرگذارترین حوادث تاریخ اسلام است که به واسطه آن، امام حسین (ع) و یارانش در برابر ظلم و ستم یزید بن معاویه ایستادگی کردند. برای فهم بهتر انگیزه ها و پیامدهای این قیام، باید به پیش زمینه های تاریخی آن توجه کرد. پس از شهادت امام علی (ع) و صلح امام حسن (ع) با معاویه، حکومت اموی به تدریج در پی تحکیم پایه های سلطنتی خود برآمد. این امر منجر به انحرافات جدی در مسیر اصلی اسلام شد و ارزش های اسلامی به شدت دستخوش تغییر و تحریف گردید.

در چنین شرایطی، یزید بن معاویه به خلافت رسید و تلاش کرد تا اسلام را به ابزاری برای سلطه جویی و حکومت مطلقه خود تبدیل کند و در این راه از هیچ ظلم و ستمی دریغ نکرد.

۲-۲: فلسفه قیام عاشورا

امام حسین (ع) در برابر بیعت با یزید، به عنوان یک اقدام سیاسی و دینی که مشروعیت او را به رسمیت می شناخت، مقاومت کرد. فلسفه قیام عاشورا مبتنی بر اصول عدالت،

امر به معروف و نهی از منکر بود. امام حسین علیه السلام با تأکید بر این اصول، تأکید داشت که قیامش نه برای کسب قدرت، بلکه برای اصلاح امت جدش، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، و بازگرداندن اسلام به مسیر اصلی خود است (مطهری، ۱۳۹۰ ش: ۸۸). او در یکی از سخنان خود فرمود: «من برای ایجاد اصلاح در امت جدم قیام کرده‌ام؛ می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جد و پدرم عمل نمایم» (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲ ش: ۹۲۵/۱).

۳-۲: مفاهیم و ارزش‌های نهضت عاشورا

نهضت عاشورا حامل مفاهیم و ارزش‌های عمیقی است که در طول تاریخ الهام‌بخش نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌خواهانه در سراسر جهان بوده است. مهم‌ترین این ارزش‌ها شامل موارد زیر است:

۱. **عدالت‌خواهی:** امام حسین علیه السلام با قیام خود، به‌طور مستقیم در برابر ظلم و فساد یزید ایستاد و نشان داد که مسلمانان نباید در برابر بی‌عدالتی سکوت کنند. این اصل همواره به عنوان یکی از ارکان مهم نهضت عاشورا مطرح بوده است (مطهری، ۱۳۹۰ ش: ۹۱).

۲. **آزادگی و آزادی‌خواهی:** یکی از پیام‌های کلیدی نهضت عاشورا، اهمیت حفظ کرامت انسانی و آزادی است. امام حسین علیه السلام با جمله معروف «اگر دین ندارید، در دنیای خود آزاد باشید»، بر ضرورت حفظ آزادگی و کرامت انسانی، حتی در سخت‌ترین شرایط تأکید کرد (جعفری، ۱۳۸۸ ش: ۶۵).

۳. **ایثار و فداکاری:** نهضت عاشورا تجلی بارز ایثار و فداکاری در راه حق است. امام حسین علیه السلام و یارانش با نثار جان خود، به همگان آموختند که در راه ارزش‌های والای انسانی و دینی، نباید از فداکاری و از خودگذشتگی دریغ کرد.

۴. **امر به معروف و نهی از منکر:** این دو اصل، از مهمترین دلایل قیام امام حسین علیه السلام بودند. ایشان معتقد بود که جامعه اسلامی را باید با اجرای این اصول، از فساد و انحراف بازدارند و مسیر صحیح را دنبال کنند.

۳-۳: تأثیرات نهضت عاشورا بر تحولات تاریخی و اسلامی

نهضت عاشورا نه تنها در دوران خود تأثیرات عمیقی بر جای گذاشت، بلکه در طول تاریخ نیز الهام‌بخش جنبش‌ها و نهضت‌های بسیاری بوده است. از جمله این تأثیرات

می توان به نهضت های ضد استعماری در جهان اسلام اشاره کرد که با الگو گرفتن از فداکاری و مقاومت امام حسین علیه السلام، در برابر ظلم و استبداد ایستادگی کردند. برای مثال در انقلاب اسلامی ایران، آموزه ها و پیام های عاشورا به عنوان یکی از ارکان اصلی مقاومت مردم در برابر حکومت طاغوت مطرح بود (توکلی، ۱۳۹۲ش: ۱۱۰).

علاوه بر این، عاشورا به عنوان یک عامل وحدت بخش در میان مسلمانان از فِرَق مختلف شناخته می شود. این واقعه باعث ایجاد یک همبستگی عمیق میان شیعه و سنی در مواجهه با ظلم و استبداد شده و نشان داده است که پیام های عاشورا می تواند به عنوان پلی برای تقریب مذاهب اسلامی عمل کند (جعفری، ۱۳۸۸ش: ۸۰).

۴- دیدگاه اهل سنت درباره امام حسین علیه السلام و قیام عاشورا

۴-۱: جایگاه امام حسین علیه السلام در منابع اهل سنت

امام حسین علیه السلام در منابع و متون اهل سنت به عنوان یکی از شخصیت های برجسته تاریخ اسلام، مورد احترام و تکریم قرار دارد. امام حسین علیه السلام به دلیل نسبت نزدیک با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، شخصیت والایی در میان اهل سنت دارد و احادیث نبوی بسیاری درباره او نقل شده است. برای مثال، در صحیح بخاری و صحیح مسلم که از معتبرترین کتب حدیثی اهل سنت هستند، آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امام حسین علیه السلام و امام حسن علیه السلام فرمودند: «حسن و حسین سروران جوانان بهشت هستند» (بخاری، ۲۰۰۰م: ۲۱۱/۵؛ مسلم، ۱۹۹۸م: ۱۸۸۲/۴).

همچنین، امام حسین علیه السلام به عنوان یکی از پنج تن آل عبا که در روایات اهل سنت نیز به آن ها اشاره شده، مورد احترام قرار دارد. در حدیث کساء که در منابع اهل سنت آمده است، پیامبر صلی الله علیه و آله با پوشاندن عبای خود بر سر امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و خود، آنان را از اهل بیت خود معرفی کرد (ترمذی، ۲۰۰۷م: ۶۳۸/۵).

زمخشری -از علمای بزرگ اهل سنت-، صاحب تفسیر معروف «کشاف»، در کتاب «ربیع الابرار» نقل می کند: «فاطمه علیها السلام با فرزندان حسن و حسین علیهما السلام خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: «یا رسول الله! هدیه ای به این ها بده». حضرت فرمود: «پدرت فدایت، من مالی ندارم تا هدیه کنم. سپس حسن علیه السلام را بغل کرده، بوسید و روی پای راست خود قرار داد و فرمود: به این فرزندم، اخلاق و هیبت خود را هدیه

می‌کنم و حسین علیه السلام را نیز بغل کرد و بوسید و بر روی پای چپ خود نهاد و فرمود: شجاعت و جود خود را بدو بخشیدم» (زمخشری، ۱۴۱۲ق: ۵۱۳، به نقل از «احقاق الحق»، قاضی نورالله شوشتری).

در جای دیگر، حاکم نیشابوری -از علمای اهل سنت- به سند صحیح این روایت را از ابن ابی شیبیه آورده است: «حدثني محمد بن صالح بن هانئ ثنا الحسين بن الفضل البجلي ثنا عفان ثنا وهيب ثنا عبدالله بن عثمان بن خثيم عن سعيد بن ابي راشد عن يعلى العامري انه خرج مع رسول الله صلى الله عليه وسلم الى طعام دعوا له... فقال: حسينٌ مِنِّي و أنا مِن حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ۱۷۴/۳).

ابوهریره -از راویان بنام اهل سنت- می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که حسین بن علی علیهما السلام را در بغل گرفته و می‌فرمود: «خدايا! او را دوست می‌دارم، تو هم او را دوست بدار» (حاکم نیشابوری، همان: ۱۷۷/۳).

۲-۴: روایت اهل سنت از واقعه عاشورا

واقعه عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصیبت‌ها در تاریخ اسلام، در منابع اهل سنت نیز منعکس شده است. بر اساس روایت‌های اهل سنت، شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش در روز عاشورا، به عنوان حادثه‌ای دل‌خراش و دردناک توصیف شده است. ابن کثیر -یکی از مورخان بزرگ اهل سنت- در کتاب «البدایة والنهایة» بیان می‌کند که شهادت امام حسین علیه السلام یک فاجعه بزرگ برای جهان اسلام بود و این حادثه را به عنوان یکی از دردناک‌ترین وقایع تاریخ اسلام معرفی می‌کند (ابن کثیر، ۱۹۸۸م: ۲۰۴/۸).

ابن عساکر نیز در کتاب «تاریخ دمشق» به تفصیل به وقایع کربلا پرداخته و از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش، با عنوان «مصیبتی بزرگ» یاد کرده است (ابن عساکر، ۱۹۹۵م: ۱۷۱/۱۴).

همچنین، ذهبی در کتاب «سیر اعلام النبلاء» از امام حسین علیه السلام به عنوان یک شهید بزرگ یاد می‌کند و این واقعه را از بزرگ‌ترین ظلم‌ها در حق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند (ذهبی، ۱۹۸۴م: ۲۸۷/۳).

بر این اساس، قیام عاشورا که به عنوان روز شهادت امام حسین علیه السلام شناخته می‌شود،

برای اهل سنت نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است، هرچند که نحوه گرامیداشت آن با شیعیان متفاوت است. اهل سنت عاشورا را به عنوان روزی با اهمیت تاریخی می شناسند و این روز به عنوان روزی برای روزه داری مورد توجه قرار می گیرد. به باور اهل سنت، پیامبر اسلام ﷺ به عنوان سنت، روزه گرفتن در روز عاشورا را مستحب دانسته است. حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود: «اگر زنده بودم، سال آینده روز عاشورا را به همراه روز نهم روزه می گرفتم» (مسلم، ۱۹۹۸ م: ۵۵۴/۱).

۳-۴: دیدگاه های علمای اهل سنت درباره قیام امام حسین ﷺ

علمای اهل سنت همواره به قیام امام حسین ﷺ به عنوان یک حرکت دینی و اخلاقی برای مقابله با ظلم و فساد اشاره کرده اند. بسیاری از علمای اهل سنت، قیام امام حسین ﷺ را نشانه ای از شجاعت و ایمان قوی او به اصول اسلام می دانند. عبدالقادر گیلانی -یکی از بزرگ ترین علمای اهل سنت- در کتاب خود «غنیة الطالبین» می گوید: «امام حسین ﷺ با قیام خود، راه حق و حقیقت را برای همه مسلمانان روشن کرد و با فداکاری اش در کربلا، درس بزرگی به همه آموخت» (گیلانی، ۲۰۰۵ م: ۲۸۱).

۴-۴: تأثیرات عاشورا بر اندیشه های اهل سنت

واقعه عاشورا تأثیرات عمیقی بر اندیشه های دینی و اجتماعی در میان اهل سنت داشته است. بسیاری از نهضت ها و حرکت های اجتماعی در دنیای اسلام، از قیام امام حسین ﷺ الهام گرفته اند. برای مثال، انقلاب های ضد استعماری در جهان اسلام که توسط علمای اهل سنت هدایت می شدند، به طور ضمنی یا صریح، از آموزه های عاشورا و قیام امام حسین ﷺ بهره برداری کردند. سید قطب -از متفکران برجسته اسلامی- در کتاب «فی ظلال القرآن» بیان می کند که قیام امام حسین ﷺ، نمادی از جهاد در راه خدا و مبارزه با طاغوت است و این مفاهیم همچنان در مبارزات معاصر اسلامی قابل استفاده هستند (قطب، ۱۹۹۲ م: ۷۵/۲).

ابوالاعلی مودودی نیز در کتاب «خلافت و ملوکیت»، قیام امام حسین ﷺ را یکی از نقاط عطف در تاریخ اسلام می داند و بر این باور است که این قیام به مسلمانان نشان داد که هیچ حکومتی نباید از اصول اسلام دور شود و باید در برابر هر نوع انحراف و ظلم ایستادگی کرد (مودودی، ۲۰۰۱ م: ۱۹۳).

۵- همگرایی اسلامی و وحدت مسلمانان

۵-۱: مفهوم همگرایی اسلامی

همگرایی اسلامی به معنای نزدیکی، اتحاد و همکاری میان مسلمانان از مذاهب و اقوام مختلف است که هدف آن تقویت انسجام امت اسلامی و مواجهه مشترک با چالش‌های داخلی و خارجی است. در تاریخ اسلام، همواره اختلافات مذهبی، قومی و سیاسی وجود داشته، اما در مواقع بحرانی، توجه به اصول مشترک و ارزش‌های والای اسلامی، سبب همگرایی و اتحاد میان مسلمانان شده است. مفهوم همگرایی اسلامی بر پایه اصولی چون برادری اسلامی، همدلی، تعاون و همکاری در امور خیر استوار است که در قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن‌ها تأکید شده است (نک: حجرات: ۱۰).

۵-۲: ضرورت وحدت و همگرایی در جهان معاصر

در دنیای معاصر که امت اسلامی با چالش‌های متعدد داخلی و خارجی روبه‌رو است -از جمله تفرقه‌افکنی‌های مذهبی، جنگ‌های داخلی، فشارهای سیاسی و اقتصادی از سوی قدرت‌های جهانی و سوءاستفاده از اختلافات دینی برای تشدید نزاع‌ها-، ضرورت وحدت و همگرایی اسلامی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. این وحدت می‌تواند از طریق تقویت پیوندهای دینی و فرهنگی، کاهش سوءتفاهم‌ها و از بین بردن عوامل اختلاف‌زا میان مسلمانان تحقق یابد (مودودی، ۲۰۰۱م: ۳۴).

یکی از پیام‌های مهم اسلام، دعوت به وحدت و دوری از تفرقه است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳). این آیه به روشنی بر اهمیت وحدت میان مسلمانان تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که حفظ همبستگی و همگرایی، از اصول اساسی در دین اسلام است.

۵-۳: نقش نهضت عاشورا در ترویج وحدت اسلامی

نهضت عاشورا به عنوان یکی از حوادث بزرگ و تأثیرگذار در تاریخ اسلام، نقش مهمی در تقویت همگرایی و وحدت میان مسلمانان داشته است. امام حسین علیه السلام با قیام خود علیه ظلم و ستم یزید بن معاویه، نه تنها از اصول اسلام دفاع کرد، بلکه الگویی برای تمام مسلمانان از فرق مختلف ارائه داد تا در برابر ظلم و فساد سکوت نکنند و همواره به ارزش‌های اسلامی پایبند باشند. این پیام عاشورا که «هرگز نباید در برابر ظلم و

ستم سازش کرد»، در میان تمامی مسلمانان از اهل سنت و شیعه، به عنوان یک اصل مشترک پذیرفته شده است (جعفری، همان: ۹۵).

از سوی دیگر، مراسم عاشورا که هر ساله در نقاط مختلف جهان برگزار می شود، یکی از مناسبت هایی است که می تواند به عنوان عامل وحدت بخش میان مسلمانان از مذاهب گوناگون عمل کند. این مراسم با تأکید بر اصول مشترک اسلامی مانند عدالت، فداکاری و مقاومت در برابر ظلم، بستری مناسب برای همگرایی و نزدیکی میان مسلمانان ایجاد می کند.

۴-۵: تلاش های معاصر برای تقریب مذاهب اسلامی

در جهان معاصر، تلاش های زیادی برای تقریب میان مذاهب اسلامی صورت گرفته است. یکی از مهم ترین این تلاش ها، تأسیس «مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی» است که هدف آن کاهش اختلافات مذهبی و تقویت وحدت میان مسلمانان، از طریق گفت و گو و همکاری های فرهنگی و دینی است. این مجمع با برگزاری کنفرانس ها، نشست ها و انتشار آثار علمی، سعی در نزدیکی دیدگاه ها و افزایش تفاهم میان علمای اسلامی از مذاهب مختلف دارد (الغزالی، همان: ۵۷).

همچنین، برخی از علمای اهل سنت و شیعه با تأکید بر نقاط مشترک میان مذاهب و تلاش برای ترویج روحیه برادری اسلامی، نقش مؤثری در تقویت همگرایی داشته اند. بزرگانی همچون امام خمینی رحمت الله علیه، حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه الله) که به عنوان طلایه داران تقریب بین مذاهب بوده و هستند. حضرت آیت الله تسخیری که عمر خود را صرف وحدت جهان اسلام نمود.

در بین علمای اهل سنت نیز بسیاری از بزرگان برای تقریب و وحدت تلاش های زیادی نمودند. به عنوان مثال شیخ محمد عبده -از متفکران بزرگ اهل سنت-، همواره بر ضرورت وحدت میان مسلمانان تأکید داشت و اختلافات مذهبی را به عنوان یکی از عوامل تضعیف جهان اسلام معرفی می کرد (عبده، ۱۹۹۳م: ۸۵).

۵-۵: چالش ها و موانع پیش روی وحدت اسلامی

با وجود تلاش های فراوان برای تحقق همگرایی اسلامی، همچنان موانع و چالش های متعددی در این مسیر وجود دارد. یکی از مهم ترین چالش ها، تفرقه افکنی های سیاسی و

مذهبی است که توسط برخی از قدرت های خارجی و داخلی، با هدف تضعیف امت اسلامی صورت می گیرد. این اقدامات معمولاً با سوءاستفاده از تفاوت های مذهبی و قومی میان مسلمانان انجام می شود و باعث افزایش شکاف ها و اختلافات در جوامع اسلامی می شود (مودودی، همان: ۷۰).

علاوه بر این، کمبود آگاهی و آموزش در میان جوامع اسلامی درباره اهمیت وحدت و همگرایی نیز از دیگر موانع است. بسیاری از مسلمانان به دلیل عدم آشنایی با اصول و ارزش های مشترک اسلامی، به راحتی تحت تأثیر تبلیغات منفی و تفرقه افکنانه قرار می گیرند. بنابراین، آموزش و ترویج آگاهی دینی و اجتماعی در جوامع اسلامی، می تواند به عنوان یکی از راهکارهای مؤثر در تقویت وحدت و همگرایی اسلامی محسوب شود.

۶- امام حسین علیه السلام به عنوان نماد وحدت و همگرایی اسلامی

۶-۱: امام حسین علیه السلام و اصول وحدت اسلامی

امام حسین علیه السلام به عنوان یک شخصیت برجسته اسلامی، نقشی کلیدی در ترویج اصول وحدت و همگرایی در میان مسلمانان ایفا کرده است. قیام عاشورا به ویژه به عنوان نماد ایستادگی در برابر ظلم و دفاع از اصول اسلامی، به تمامی مسلمانان از مذاهب مختلف یادآوری می کند که وحدت بر پایه اصول مشترک دینی، می تواند در برابر چالش های مشترک مؤثر واقع شود.

یکی از اصول اساسی که امام حسین علیه السلام در قیام خود بر آن تأکید کردند، اصل عدالت و برابری است. امام حسین علیه السلام در وصیت نامه خود به برادرش، هدف از قیام خود را «اصلاح امت پیامبر» ذکر کرد و بیان داشت که «به خدا سوگند، من تنها برای اصلاح و بازگرداندن اصول دین جدّم قیام کرده ام» (طبری، ۱۹۸۵: ۴۹۲/۲). این سخنان به وضوح نشان می دهند که امام حسین علیه السلام به دنبال ایجاد وحدت بر مبنای اصول اسلامی و مقابله با فساد و ظلم بود.

۶-۲: تأثیر قیام عاشورا بر همگرایی میان مسلمانان

قیام عاشورا به عنوان یک واقعه تاریخی، تأثیرات عمیقی بر همگرایی میان مسلمانان داشته است. امام حسین علیه السلام با فداکاری و ایثار خود، نه تنها در برابر ظلم ایستاد، بلکه

الگوی قابل توجهی از ایستادگی و پابندی به اصول اسلامی ارائه داد. این الگو سبب شد تا مسلمانان از مذاهب مختلف، علی‌رغم اختلافات مذهبی، به یکدیگر نزدیک‌تر شوند و با تأکید بر اصول مشترک، وحدت خود را تقویت کنند. به عنوان مثال، در فرهنگ و تاریخ اسلامی، روز عاشورا به عنوان فرصتی برای یادآوری ارزش‌های انسانی و اسلامی نظیر عدالت، فداکاری و وحدت به کار می‌رود. در بسیاری از کشورها، مراسم عاشورا به عنوان فرصتی برای برقراری ارتباطات فرهنگی و دینی میان مسلمانان مختلف برگزار می‌شود و این امر، به تقویت همگرایی میان آن‌ها کمک می‌کند (جعفری، همان: ۱۲۰).

۳-۶: پیام عاشورا و نقش آن در تقویت وحدت اسلامی

پیام عاشورا که بر مبنای ایثار، فداکاری و مبارزه با ظلم استوار است، به عنوان یک ابزار قوی در تقویت وحدت اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. قیام عاشورا به مسلمانان یادآوری می‌کند که هدف اصلی اسلام، حفظ عدالت و مبارزه با ظلم است و در این راستا، باید از اختلافات مذهبی و قومی دوری کرد.

امام حسین علیه السلام در خطبه‌های خود قبل از قیام عاشورا، به صراحت تأکید کردند که هدفشان از قیام، احیای اصول اسلامی و مبارزه با فساد و ظلم است و نه ایجاد تفرقه یا دشمنی میان مسلمانان (ابن اثیر، ۱۹۶۵م: ۴/۴۵). این پیام، به‌ویژه در جهان معاصر که مسلمانان با چالش‌های مختلفی روبه‌رو هستند، همچنان به عنوان یک منبع الهام برای همگرایی و وحدت محسوب می‌شود.

۴-۶: تلاش‌های معاصر برای استفاده از پیام عاشورا در وحدت اسلامی

در دنیای معاصر، تلاش‌های متعددی برای بهره‌برداری از پیام عاشورا در جهت تقویت وحدت اسلامی صورت گرفته است. سازمان‌ها و نهادهای اسلامی با برگزاری کنفرانس‌ها، نشست‌ها و برنامه‌های فرهنگی، سعی در ترویج پیام‌های عاشورا به عنوان ابزارهایی برای تقویت وحدت میان مسلمانان دارند. به عنوان مثال، «مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی» با هدف کاهش اختلافات مذهبی و ارتقای وحدت اسلامی، به‌ویژه در ایام محرم و عاشورا، برنامه‌های ویژه‌ای برگزار می‌کند (الغزالی، همان: ۷۸).

همچنین، علمای معاصر از هر دو مذهب شیعه و سنی، با تأکید بر اصول مشترک عاشورا و ارزش‌های انسانی آن، به تقویت همگرایی و همکاری میان مسلمانان پرداخته‌اند. این اقدامات شامل برگزاری گفت‌وگوهای دینی و فرهنگی، چاپ و نشر آثار

علمی درباره وحدت اسلامی و آموزش جوانان مسلمان در مورد اهمیت وحدت و همگرایی است (عبده، ۱۹۹۳م: ۹۰).

همچنین دعوت گروهی از علمای اهل سنت به همایش اربعین توسط مدیریت اهل سنت بعثه مقام معظم رهبری، در راستای ارتقای وحدت اسلامی است که باید این نوع همایش‌ها در مناطق تلفیقی کشور و حتی در جهان اسلام برگزار شود و علمای فریقین، از این نوع برنامه‌ها حمایت کنند.

از دیگر کارها که می‌توان انجام داد، برگزاری نشست‌های علمی و فرهنگی در ایام محرم و عاشورا است که می‌تواند به‌عنوان فرصتی برای برقراری ارتباطات و افزایش فهم متقابل میان مسلمانان از مذاهب مختلف برگزار شود. این نشست‌ها، با تمرکز بر ارزش‌های مشترک عاشورا، به تبیین اصول مشترک اسلامی و تقویت همبستگی میان مذاهب مختلف کمک می‌کنند.

۷- امام حسین علیه السلام و همگرایی اسلامی

۷-۱: نقش امام حسین علیه السلام در ترویج همگرایی اسلامی

امام حسین علیه السلام به‌عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام، نقشی اساسی در ترویج همگرایی اسلامی و وحدت میان مسلمانان از مذاهب مختلف ایفا کرده است. قیام عاشورا که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ اسلام شناخته می‌شود، نه‌تنها به‌عنوان نماد مقاومت در برابر ظلم، بلکه به‌عنوان الگویی برای همگرایی و وحدت اسلامی مورد توجه قرار دارد. امام حسین علیه السلام با قیام خود علیه ظلم و فساد، اصولی را تبیین کرد که می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای ایجاد همبستگی میان مسلمانان از مذاهب و گروه‌های مختلف استفاده شود (جعفری، همان: ۱۰۲).

۷-۲: اصول همگرایی اسلامی در قیام عاشورا

قیام عاشورا به‌عنوان یک واقعه تاریخی و دینی، اصولی را ارائه می‌دهد که می‌تواند به تقویت همگرایی اسلامی کمک کند. این اصول شامل:

۱. **عدالت و انصاف:** امام حسین علیه السلام با قیام خود علیه ظلم یزید بن معاویه، بر اهمیت عدالت و انصاف تأکید کرد. این اصول به‌عنوان پایه‌ای برای وحدت اسلامی و همگرایی میان مسلمانان مورد توجه قرار می‌گیرد (طبری، ۱۹۸۵م: ۴۸۵/۲).

۲. **فداکاری و ایثار:** امام حسین علیه السلام با نثار جان خود در راه اصول اسلامی، الگویی از فداکاری و ایثار ارائه داد که می‌تواند به عنوان منبع الهام برای مسلمانان در جهت ایجاد وحدت و همکاری استفاده شود (ابن اثیر، ۱۹۶۵م: ۳۹۹/۴).

۳. **پایداری در برابر ظلم:** قیام عاشورا به عنوان یک مثال از ایستادگی در برابر ظلم و فساد، به مسلمانان یادآوری می‌کند که همواره باید در برابر ظلم و فساد پایداری و مقاوم باشند و از اصول اسلامی دفاع کنند (مسلم، ۱۹۹۸م: ۵۵۴/۱).

تأثیر قیام عاشورا بر همگرایی میان مذاهب اسلامی

قیام عاشورا با وجود اینکه در میان شیعیان به عنوان یک مناسبت مهم و ویژه شناخته می‌شود، اما پیام‌های آن به طور گسترده‌ای مورد پذیرش مسلمانان اهل سنت نیز قرار گرفته است. عاشورا به عنوان روزی برای یادآوری اصول مشترک اسلامی، نظیر عدالت و فداکاری، به عنوان فرصتی برای تقویت همگرایی و وحدت میان مسلمانان از مذاهب مختلف عمل می‌کند (مودودی، همان: ۲۱۸).

به طور خاص، مراسم عاشورا که در بسیاری از کشورهای اسلامی برگزار می‌شود، به عنوان فرصتی برای گفت‌وگو و نزدیکی میان مسلمانان از مذاهب مختلف تلقی می‌شود. این مراسم به عنوان یک فرصت برای بررسی و تقویت اصول مشترک اسلامی و ایجاد بسترهای مناسب برای تعامل میان مذاهب مختلف به کار می‌رود (الغزالی، همان: ۷۵).

۳-۷: تلاش‌های معاصر برای تقویت همگرایی از طریق قیام عاشورا

در دوران معاصر، تلاش‌های زیادی برای استفاده از پیام عاشورا در جهت تقویت همگرایی اسلامی انجام شده است. نهادها و سازمان‌های اسلامی با برگزاری کنفرانس‌ها، نشست‌های علمی و برنامه‌های فرهنگی، سعی در تبیین و تقویت پیام‌های عاشورا به عنوان ابزارهایی برای ایجاد وحدت میان مسلمانان دارند. به عنوان مثال، «مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی» با هدف کاهش اختلافات مذهبی و ارتقای وحدت اسلامی، در ایام محرم و عاشورا برنامه‌های ویژه‌ای برگزار می‌کند (جعفری، همان: ۱۴۵).

این تلاش‌ها شامل برگزاری نشست‌های مشترک علمی و فرهنگی، چاپ و نشر آثار

علمی درباره پیام‌های عاشورا و آموزش جوانان مسلمان در مورد اهمیت وحدت و همگرایی است. همچنین، برگزاری مراسم مشترک در ایام عاشورا و تبیین اصول مشترک اسلامی، به عنوان روش‌هایی برای تقویت همگرایی میان مسلمانان مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴-۷: چالش‌ها و فرصت‌های موجود در همگرایی اسلامی از طریق پیام عاشورا

استفاده از پیام عاشورا برای تقویت همگرایی اسلامی با چالش‌هایی نیز همراه است. یکی از چالش‌ها، اختلافات تاریخی و مذهبی است که می‌تواند به تفسیرهای مختلف از قیام عاشورا منجر شود و در برخی موارد به تفرقه افکنی منجر شود (عبده، ۱۹۹۳م: ۱۲۵). برای مواجهه با این چالش‌ها، نیاز به تلاش‌های گسترده در جهت تبیین پیام‌های وحدت‌آفرین عاشورا و ایجاد بسترهای مناسب برای گفت‌وگو و تعامل میان مذاهب اسلامی وجود دارد.

با این حال، فرصت‌های زیادی نیز برای تقویت همگرایی اسلامی از طریق پیام عاشورا وجود دارد. تلاش برای تأکید بر اصول مشترک اسلامی، برگزاری برنامه‌های فرهنگی و علمی مشترک و فرهنگ‌سازی درباره اهمیت وحدت، می‌تواند به کاهش اختلافات و تقویت همبستگی میان مسلمانان کمک کند.

۸- تأثیر قیام امام حسین (ع) بر جنبش‌های آزادی‌خواهانه در جهان اسلام

قیام امام حسین (ع) در کربلا و شهادت او و یارانش، نقطه عطفی در تاریخ اسلام به شمار می‌رود که تأثیری ژرف و پایدار بر جنبش‌های آزادی‌خواهانه و مقاومت در برابر ظلم و استبداد، در سراسر جهان اسلام داشته است. این قیام، به عنوان نمادی از ایستادگی در برابر بی‌عدالتی و ظلم، همواره الهام‌بخش نهضت‌های مختلف در طول تاریخ بوده و همچنان به عنوان منبع الهام برای مبارزات آزادی‌خواهانه در جهان معاصر محسوب می‌شود.

۱-۸: تأثیر قیام عاشورا بر نهضت‌های اسلامی در طول تاریخ

قیام عاشورا به عنوان نماد مقاومت در برابر ظلم، تأثیر بسزایی بر نهضت‌های اسلامی در طول تاریخ داشته است. بسیاری از جنبش‌های اسلامی، از قیام امام حسین (ع) الهام گرفته و تلاش کرده‌اند تا اصول و قواعد نهضت‌های آنان برگرفته از قیام عاشورا باشد.

۲-۸: قیام عاشورا و الهام‌بخشی به جنبش‌های معاصر

علاوه بر نهضت‌های تاریخی، قیام امام حسین علیه السلام تأثیر خود را بر جنبش‌های معاصر نیز بر جای گذاشته است. بسیاری از رهبران و مبارزان جهان اسلام در دوران معاصر، از پیام عاشورا الهام گرفته و آن را به عنوان الگویی برای مقاومت در برابر استبداد و استعمار به کار برده‌اند.

انقلاب اسلامی ایران

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های الهام‌پذیری از قیام عاشورا در دوران معاصر، انقلاب اسلامی ایران است. امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب اسلامی، بارها از امام حسین علیه السلام و قیام عاشورا به عنوان الگویی برای مقاومت در برابر ظلم و استبداد یاد کرد. او معتقد بود که پیام عاشورا می‌تواند به عنوان نیروی محرکه‌ای برای ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی و پیروزی بر حکومت‌های ستمگر مورد استفاده قرار گیرد. شعار «کل یوم عاشورا، کل ارض کربلا» که در جریان انقلاب اسلامی مطرح شد، نشان‌دهنده تأثیر عمیق پیام عاشورا بر این حرکت مردمی بود (جعفری، همان: ۱۸۲).

۳-۸: مبارزات آزادی‌خواهانه در جهان عرب

در جهان عرب نیز قیام امام حسین علیه السلام الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌های آزادی‌خواهانه بوده است. به‌ویژه در دوران معاصر، جنبش‌های مقاومت علیه استعمار و استبداد در کشورهای عربی، بارها به پیام عاشورا استناد کرده‌اند. رهبران این جنبش‌ها، با یادآوری ایستادگی امام حسین علیه السلام در برابر ظلم، تلاش کرده‌اند تا ارزش‌های مقاومت و عدالت‌خواهی را در میان پیروان خود تقویت کنند (خاشقجی، ۱۹۹۹م: ۷۲).

تأثیر بر جنبش‌های عدالت‌خواهانه در آفریقا

پیام عاشورا در آفریقا نیز الهام‌بخش جنبش‌های عدالت‌خواهانه بوده است. بسیاری از مبارزان علیه استعمار و نژادپرستی در آفریقا، از فداکاری و ایستادگی امام حسین علیه السلام الهام گرفته‌اند و تلاش کرده‌اند تا در مبارزات خود از اصول و ارزش‌های این قیام پیروی کنند. این جنبش‌ها با تأکید بر اهمیت عدالت و مبارزه با ظلم، تلاش کرده‌اند تا تغییرات اجتماعی و سیاسی اساسی در جوامع خود ایجاد کنند (عبده، ۱۹۹۳م: ۱۳۶).

۴-۸: عاشورا و تأثیر آن بر فرهنگ مقاومت در جوامع اسلامی

قیام عاشورا نه تنها بر جنبش‌های سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار بوده، بلکه به‌طور عمیق

در فرهنگ مقاومت در جوامع اسلامی نقش ایفا کرده است. عاشورا به عنوان نمادی از مقاومت در برابر ظلم، در ادبیات، هنر و فرهنگ عمومی مسلمانان، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است.

۵-۸: قیام امام حسین (ع) و آینده جنبش‌های آزادی خواهانه

با توجه به تأثیرات عمیق قیام امام حسین (ع) بر جنبش‌های آزادی خواهانه در طول تاریخ، می‌توان انتظار داشت که این قیام همچنان الهام‌بخش مبارزات آینده نیز باشد. در دورانی که همچنان شاهد ظلم و بی‌عدالتی در جهان هستیم، پیام عاشورا و شخصیت امام حسین (ع) می‌تواند به عنوان منبع الهام و الگویی برای جنبش‌های عدالت خواهانه و مقاومت در برابر استبداد عمل کند.

۱-۵-۸: تأثیر مستمر پیام عاشورا بر نسل‌های آینده

پیام عاشورا با تأکید بر اصولی چون عدالت، فداکاری و مقاومت در برابر ظلم، همچنان تأثیر خود را بر نسل‌های آینده حفظ خواهد کرد. آموزش این اصول به جوانان و ترویج فرهنگ عاشورا در میان نسل‌های جدید، می‌تواند به عنوان ابزاری برای حفظ و تقویت فرهنگ مقاومت و عدالت خواهی در جوامع اسلامی عمل کند (الغزالی، همان: ۹۵).

۲-۵-۸: نقش امام حسین (ع) در تقویت گفتمان مقاومت و عدالت خواهی

شخصیت امام حسین (ع) و قیام عاشورا همچنان به عنوان مرجعی مهم در گفتمان مقاومت و عدالت خواهی در جهان اسلام مطرح خواهد بود. این گفتمان می‌تواند در مقابله با چالش‌های معاصر، از جمله استبداد، استعمار و نابرابری‌های اجتماعی، به عنوان منبع الهام و راهنمای عمل برای مسلمانان و حتی دیگر آزادی خواهان جهان مورد استفاده قرار گیرد (مودودی، همان: ۲۴۵).

جمع بندی

پژوهش حاضر به بررسی قیام عاشورا و شخصیت امام حسین (ع) به عنوان نماد اصلی این قیام که نقش مهمی در ترویج همگرایی اسلامی و تقویت وحدت میان مسلمانان از مذاهب مختلف ایفا کرده‌اند، پرداخته است. همچنین این نقش به‌ویژه از طریق اصولی چون عدالت، فداکاری و ایستادگی در برابر ظلم، به خوبی نمایان است. در ادامه، این مقاله به موارد زیر اشاره کرده است:

۱. رشد و تقویت وحدت اسلامی از طریق اصول عاشورا
امام حسین علیه السلام با قیام عاشورا به عنوان الگویی از مقاومت در برابر ظلم و فساد، اصول مشترک اسلامی نظیر عدالت و فداکاری را به طور برجسته‌ای معرفی کرد. این اصول نه تنها در میان شیعیان، بلکه در بین اهل سنت و دیگر گروه‌های اسلامی نیز به عنوان مبنایی برای ایجاد همبستگی و وحدت، مورد پذیرش قرار گرفته است. قیام عاشورا با ارائه الگویی از ایثار و دفاع از اصول اسلامی، فرصتی برای تبیین و تقویت همگرایی میان مذاهب اسلامی فراهم کرده است (جعفری، همان: ۱۰۵؛ مودودی، همان: ۲۳۰).

۲. تأثیر عاشورا بر گفتمان تقریب مذاهب اسلامی
عاشورا به عنوان یک نقطه مشترک میان مذاهب اسلامی، به ویژه در دنیای معاصر، به عنوان ابزاری برای تقویت گفتمان تقریب مذاهب اسلامی استفاده می‌شود. این روز با وجود اختلافات در نحوه گرامیداشت، به عنوان فرصتی برای نزدیکی و گفتگو میان مسلمانان از مذاهب مختلف و تبیین اصول مشترک اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تلاش‌های معاصر، نظیر برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌های مشترک، سعی در بهره‌برداری از پیام عاشورا برای تقویت وحدت و کاهش اختلافات مذهبی داشته‌اند (الغزالی، همان: ۷۸).

۳. چالش‌ها و فرصت‌ها در بهره‌برداری از پیام عاشورا
با وجود فرصت‌های زیادی که قیام عاشورا برای همگرایی اسلامی فراهم کرده است، چالش‌هایی نیز در این مسیر وجود دارد. اختلافات تاریخی و مذهبی می‌تواند منجر به تفسیرهای مختلف از قیام عاشورا شود و در برخی موارد به تفرقه افکنی منجر گردد. برای مقابله با این چالش‌ها، نیاز به تلاش‌های گسترده در جهت تبیین پیام‌های وحدت‌آفرین عاشورا و ایجاد بسترهای مناسب برای گفت‌وگو و تعامل میان مذاهب اسلامی وجود دارد (عبده، ۱۹۹۳: ۱۲۵).

نتیجه‌گیری نهایی

در نهایت این پژوهش به این نتیجه رسیده که امام حسین علیه السلام و قیام عاشورا، به عنوان منابع مهمی برای ترویج وحدت و همگرایی اسلامی در میان مسلمانان از مذاهب مختلف شناخته می‌شوند. اصولی که امام حسین علیه السلام به ویژه از طریق قیام عاشورا تبیین کرده است، به عنوان پایه‌ای برای ایجاد همبستگی میان مسلمانان و کاهش اختلافات

مذهبی مورد استفاده قرار گرفته است. تلاش‌های معاصر برای بهره‌برداری از این پیام‌ها و تقویت وحدت اسلامی، در راستای تحقق اهداف امام حسین (ع) و گفتمان تقریب مذاهب اسلامی است. بنابراین، استفاده از آموزه‌های عاشورا و تبیین پیام‌های آن به‌عنوان ابزاری برای تقویت همگرایی اسلامی، به‌ویژه در دنیای معاصر، مهم و ضروری است.

۱۸. فرید وجدی (۲۰۰۵م)، الموسوعة العربية، دمشق: دارالعلم.
۱۹. الکلبی، هشام (۱۹۹۵م)، کتاب الانساب، بیروت: دار صادر.
۲۰. مسلم، ابن حجاج (۱۹۹۸م)، صحیح مسلم، ریاض: دارالسلام.

تبیین شاخص‌های سیره تربیتی امام حسین علیه السلام

از منظر اهل سنت

ستاره موسوی^۱

چکیده

هدف از تحقیق حاضر تبیین کیفی شاخص‌های تربیتی سیره امام حسین علیه السلام و روش‌های تربیتی از منظر اهل سنت، برای معرفی ایشان است که برای تحقق این منظور، از روش تحقیق تحلیل مضمون استفاده شد. حوزه پژوهش در بخش تدوین برنامه شامل متون موجود اهل سنت در حوزه سیره امام حسین علیه السلام بود که با مرور متون و تحلیل استنباط گردید. بدین منظور، نخست متن مصاحبه جهت به دست آوردن بینش و درک کامل محتوا چندین بار مطالعه خواهد شد. سپس واحدهای معنایی مشخص شدند. بعد از آن، نکات و عناوین مهم متن به صورت کدباز استخراج و کدها بر اساس تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان دسته‌بندی شده و نام‌گذاری شد. شاخص‌های سیره تربیتی امام حسین علیه السلام بر اساس دیدگاه اهل سنت، از آیات قرآن و متون استخراج شد که در هشت حوزه اعتقادی، اخلاقی، دینی، زیستی، آموزشی، اجتماعی-سیاسی، اقتصادی-حرفه‌ای و هنری-زیباشناختی و متناسب با ابعاد حیات طیبیه، تفکیک شدند.

کلیدواژه‌گان: سیره، امام حسین علیه السلام، حیات طیبیه، تربیت، سنت.

۱. دانش آموخته دکتری علوم تربیتی، فرهنگی، پژوهشگر آزاد، اصفهان، ایران setarehmousavi@gmail.com

مقدمه

زندگی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، راهنمای بسیار روشنی است برای کسانی که بخواهند به بهترین حیات دنیوی و اخروی دست یابند. این مسئله آن قدر پراهمیت است که در برخی احادیث، سیره شیعیان و پیروی از ایشان، به التزام و تبعیت عملی از سبک زندگی ایشان درآمده است: «و اِحْمَدُوا اللَّهَ الَّذِي لِعَظَمَتِهِ وَ نُورِهِ يَتَّبَعِي مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةُ وَ نَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ (ابی الحدید، ۱۳۸۴ق: ۲۱۱/۱۶؛ رحمانی، بی تا: ۲۶۵/۱).

در عرف مسلمانان و متون اسلامی، سیره در معنای دیگری نیز به کار رفته است که دقیقاً معادل معنای سنت و عبارت است از مجموعه رفتار و گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام. سیره به معنای راه و روش یا سنت عام است، بنابراین سیره به این معنا را به هر کسی می توان نسبت داد، اما در بعضی معانی، مفهوم سیره فقط به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد و به شخص دیگری قابل اطلاق نیست.

در مطالعه سیره و رفتار، دو موضوع اهمیت دارد. نخست: تعیین نوع سیره در یک موقعیت خاص و برای رسیدن به یک هدف خاص. دوم: چگونگی انجام کار. تمام تأکید ما بر سیره از همین جا ناشی می شود. بسیاری از نکات تربیتی وجود دارد که در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان نشده است، اما در سیره و روش تربیتی آنان پنهان است (شیخ الاسلامی، ۱۴۱۲: ۲۲۷).

دانستن سیره معصومین برای هر مبلغ و دانای دین -هرچند به اجمال، از جهات ذیل لازم و ضروری است:

الف: آشنایی با مبانی دینی

ب: آشنا ساختن دیگران با معارف دینی

ج: استنباط دیدگاه های دینی در موضوعات مختلف از سیره معصومین

د: استدلال به سیره برای اثبات نظریات دینی (حسینی زاده، ۱۳۶۸: ۴۲).

داشتن ارتباط با انسان های بزرگ و اسوه، یکی از بهترین راه ها و شیوه های تربیتی به شمار می رود. روح و جان آدمی، در جریان این ارتباط، صیقل می یابد و از کدورت ها و ناپاکی ها رها می گردد. این تأثیرپذیری، در پرتو الگوبرداری از رفتار، منش،

خُلُق و خوی، حَسَنات و تمایلات انسان‌های بزرگ است. از سوی دیگر، تأثیر معنوی و اِشراف ارواح بزرگ بر دیگران نیز قابل انکار نیست.

انبیا و اولیای الهی، بهترین الگوهایی هستند که انسان‌ها می‌توانند از ارتباط با آنان، در مسیر رشد و تکامل خود، بهره ببرند. این ارتباط، در قالب «زیارت» مطرح شده است. زیارت قبور اولیای الهی می‌تواند به شناخت بیشتر آن بزرگواران و الگوبرداری از خصلت‌های الهی آنان بینجامد و یا از طریق اشراق معنوی، بر روح و جان آدمی تأثیرگذار باشد. (صادقی و فرمانیان (۱۳۹۸)، قربانی و شاه نجفی، ۱۳۹۷) بر جایگاه امام حسین (ع) تأکید داشتند.

از این رو آشنایی با شخصیت ایشان و کاربست آموزه‌های تربیتی وی در مهندسی فرهنگی نیز فواید زیادی دارد که افراد را در پالایش فرهنگی یاری می‌رساند. با توجه به پیچیدگی پدیده‌های انسانی که فرهنگ بخش عمده‌ای از آن را تشکیل می‌دهد، برنامه‌ریزی و تفکیک نقش‌ها برای حفظ، اصلاح، ایجاد تغییرات بنیادین در فرهنگ و تجدید حیات فرهنگی نقش اساسی دارد.

از اهداف مهم امامان (ع) در تمام لحظات زندگی، توجه دادن عملی به اهمیت احکام شرعی است و هیچ کار مهمی آن‌ها را از این وظیفه و هدف بازنمی‌داشت. بررسی جایگاه و آموزه‌های تربیتی امام حسین (ع)، در پژوهش‌های داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، لذا لازم است برای حفظ هویت مذهبی و وحدت دینی، به بررسی آموزه‌های حضرت از منظر اهل سنت پرداخته شود.

بنابراین، هدف تحقیق حاضر این است که با شناسایی مؤلفه‌های تربیتی سیره امام حسین (ع) از منظر اهل سنت، بر اساس ابعاد حیات طیبه (اعتقادی، دینی، اخلاقی، زیستی، علمی-آموزشی، اجتماعی-سیاسی، اقتصادی-حرفه‌ای و زیبایی‌شناسی-هنری)، مدلی برای روش‌های آموزشی طراحی نماید. بدین منظور، ابتدا مؤلفه‌های سیره تربیتی امام حسین (ع) از متون مرتبط و به‌ویژه قرآن کریم مشخص می‌شود.

بنابراین سؤال تحقیق به این شرح است:

مؤلفه‌های تربیتی سیره امام حسین (ع) از منظر اهل سنت کدام‌اند؟

یافته‌های پژوهش

مؤلفه‌های سیره تربیتی امام حسین (ع) از منظر اهل سنت، در قالب مضامین پایه‌ای، در جدول ذیل مشخص شده است. برای شناخت مؤلفه‌های سیره تربیتی امام حسین (ع) از

منظر اهل سنت، ابتدا مفهوم‌های موجود در مبانی دینی و اسلامی با تأکید بر آیات قرآن کریم، استخراج شدند که نشان‌دهنده چگونگی زندگی انسان و جامعه اسلامی از منظر اسلام بود. این مضامین نشان‌دهنده باورها، اندیشه‌ها و شیوه کنش و رفتار در سیره امام حسین علیه السلام است.

جدول ۱: استخراج عبارات و مضامین پایه‌ای در مؤلفه‌های تربیتی سیره امام حسین علیه السلام
از منظر اهل سنت

عبارت	مضمون پایه‌ای
عباس محمود عقاد مصری، نویسنده کتاب «الحسین ابوالشهداء» می‌گوید: «شجاعت شخصی مانند حسین علیه السلام ، مثل ظهور طلا از معدن آن است. یعنی حسین علیه السلام معدن شجاعت است و این، فضیلتی است که آن را از پدران و نیاکان به ارث برده و به فرزندان خود به ارث گذاشته است... البته در میان فرزندان آدم کسی در شجاعت قلب و قوت روحی، شجاع‌تر از حسین علیه السلام در مقایسه با آنچه او در کربلا بدان اقدام کرد، پیدا نمی‌شود» (عقاد، ۱۳۸۶: ۲۸۰-۱۹۵).	شجاعت
زمخشری (از علمای بزرگ اهل سنت)، صاحب تفسیر معروف «کشاف»، در کتاب «ربیع الأبرار» نقل می‌کند: فاطمه علیها السلام با فرزندان حسن و حسین علیهما السلام ، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده و عرض کرد: «یا رسول الله! هدیه‌ای به این‌ها بده». حضرت فرمود: «پدرت فدایت، من مالی ندارم تا هدیه کنم». سپس حسن علیه السلام را بغل کرده، بوسید و روی پای راست خود قرار داد و فرمود: «به این فرزندم، اخلاق خود را هدیه می‌کنم» و حسین علیه السلام را نیز بغل کرد و بوسید و بر روی پای چپ خود نهاد و فرمود: «شجاعت و جود خود را بدو بخشیدم» (زمخشری، ۱۴۱۲ق: ۵۱۳/۱).	
در اخلاق اسلامی «کرامت» سرچشمه فضایل و کمالات انسانی است، تا آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله هدف از بعثتش را تتمیم و تکمیل مکارم اخلاقی می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (بیهقی، ۱۰: ۳۲۳/۱۴۲۴). تکریم به این معنا است که سود و نفع انسان به کسی برسد، بدون آنکه طرف مقابل احساس نقص و کاستی نماید. «کریم» به کسی گویند که از بخشیدن و احسان به دیگران لذت می‌برد؛ از ننگ و عار به دور است و به همسایگان، محبت می‌ورزد؛ آبرویش را به‌وسیله ثروتش پاس می‌دارد؛ خیرخواه و راهنمای دیگران است؛ از کار لغو و بیهوده می‌پرهیزد و با کسانی که به او بدی کرده‌اند، انسانیت نشان می‌دهد (محمدری شهری، ۱۴۰۴: ۳۶۴/۸-۳۶۵).	هدایت
ترمذی پس از نقل این حدیث می‌افزاید: «حدیث حسن»، یعنی این حدیث از نظر	مسئولیت‌پذیری

عبارت	مضمون پایه‌ای
سند، ایراد ندارد و نیکو است (احمد بن حنبل، ۱۴۳۰ق: ۲۰) او در ادامه، روایات متعددی درباره‌ی شباهت حسنین به پیامبر اسلام و شخصیت عبادی- اخلاقی آن بزرگواران نقل و تصریح می‌کند: «حج الحسین -رضی الله عنه- خمساً و عشرين حجة ماشياً قالوا: و كان الحسین -رضی الله عنه- فاضلاً، كثيرة الصلاة والصوم والحج والصدقة و افعال الخير جميعها؛ حسین - که خدا از او راضی باد- ۲۵ بار با پای پیاده مراسم حج را به جا آورد. گفته‌اند حسین علیه السلام ، فاضل، بسیار نمازگزار، روزه‌دار، حج‌گزار، صدقه‌پرداز و کوشا در انجام تمام امور خیریه بود».	دینی
هرچند دو دیدگاه حرمت و جواز قیام امام حسین علیه السلام از سوی اهل سنت مطرح شده است و برخی آن را به دلیل لزوم بغی، اختلاف انگیزی، ثبوت امامت یزید بر امام حسین علیه السلام و اشتباه امام حسین علیه السلام در اجتهاد خویش، حرام دانسته‌اند. ولی با تدبیر در تاریخ و مبانی فقهی و اصولی اهل سنت، به این نتیجه می‌رسیم که چنین دیدگاهی از پشتوانه درستی برخوردار نیست و دیدگاه درست، مشروعیت قیام امام حسین علیه السلام علیه یزید است و دو دلیل وجوب امر به معروف و نهی از منکر و افضلیت امام حسین علیه السلام از یزید، بر جواز آن دلالت دارد (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰ق: ۱۷۷/۳).	امر به معروف و نهی از منکر
شیخ محمد عبده -از دانشمندان اهل سنت و از مصلحان بزرگ-، می‌نویسد: «هنگامی که در دنیا حکومت عادل و وجود دارد و هدفش اقامه شرع و حدود الهی و در برابر آن، حکومتی ستمگر است که می‌خواهد حکومت عدل را تعطیل کند، بر هر مسلمانی یاری و مساعدت «حکومت عدل» واجب است و در همین باب، انقلاب امام حسین علیه السلام است که در برابر حکومت یزید -که خدا او را خوار کند-، ایستاد (عبده، ۱۳۴۰ق، ۱/۳۶۷ و ۲/۱۸۳؛ به نقل از صفرلکی، ۱۳۸۶).	احیای آزادگی
رفتار امام حسین علیه السلام با طبقات تهی دست، متواضعانه بود و با افراد محروم و نیازمند جامعه، بسیار دوستانه و صمیمانه رفتار می‌نمود. آنان که در نظر ظاهربین دنیادوستان و ماده‌پرستان ارزشی نداشتند، در نظر خدایبانه امام حسین علیه السلام احترام داشتند و از صفای آن حضرت برخوردار می‌شدند (علوی علی آبادی، ۱۳۹۹: ۲۵). مصعبه بن صدقه نقل می‌کند که حضرت حسین بن علی علیه السلام گروهی مستمند را در راه دید که عبای خود را گسترده بودند و تکه نانی بر آن گذاشته و مشغول خوردن بودند. گفتند: بفرما، ای فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ! امام حسین علیه السلام هم بر زمین نشست و با آنان غذا خورد و سپس تلاوت کرد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ». سپس فرمود: «من دعوت شما را اجابت کردم، شما هم دعوت مرا اجابت کنید». گفتند:	تواضع

عبارت	مضمون پایه‌ای
شَرزه بود که خیل سواران را در هم می‌شکست» (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۶: ۲۷۴/۱۵-۲۷۵).	
ابوعبدالله محمد بن عبدالله قضاعی (۵۹۵-۶۵۸ق)، نویسنده، تاریخ‌نگار، محدث، ادیب و سیاستمدار منصف و آزاداندیش اهل سنت می‌نویسد: «دلیل اینکه فرزندان علی علیه السلام و در اینجا امام حسین علیه السلام ، با وجود دارا بودن بیشترین کمالات، از حکومت این دنیا محروم شدند، تنها این است که پدرشان امام علی علیه السلام دنیا را سه‌طالافه کرده بود و معلوم است که همسر مطلقه پدر را، پسر نمی‌تواند به عقد خود درآورد» (ابن ابار اندلسی، ۱۴۰۷: ۱۲۴). وی با این بیان زیبا و رسایی که با تضمین سخنی متواتر از امام علی علیه السلام همسو شده است، گویی می‌خواهد بگوید: کسانی که حسین بن علی علیه السلام را خارجی خوانده، قیام او را برای دنیا و قبضه کردن قدرت قلمداد کرده‌اند، چگونه و چرا فراموش کرده‌اند که حسین علیه السلام فرزند علی علیه السلام بود (صحتی سروددی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). همان علی علیه السلام که به ابن عباس گفت: «به خدا این کفش پاره‌پاره‌ای که برای تو هیچ ارزشی ندارد، در نزد من ارزشش بیشتر از حکومت کردن بر شماس» (سیدرضی، بی‌تا: خطبه ۳۳).	دنیای فانی
نقل شده است که وقتی معاویه به مکه آمد، اموال بسیار، جامه‌های فراوان و پوشاک زیادی را به امام حسین علیه السلام پیشکش کرد. امام از او نپذیرفت و همه آن‌ها را برگرداند. این است طبیعت جواد، سرشت کریم، ویژگی بخشنده و خصوصیت کسی که از اخلاق والا برخوردار است؛ زیرا اعمالش گواه کرامت و گویای عادت‌های نیکوی اوست (ابن صباغ، ۱۴۳۲: ۲۶۷-۲۶۸).	کرامت انسانی
ابن روزبهان می‌گوید: «اوست که به قدرت غیرت، هر کافر متمردی را از بیخ و بن برمی‌کند. اوست که در مقام بندگی الهی، به وظیفه ذکر پاکی حق تعالی و بزرگی او (جل و علا)، قیام به سزا فرمود. او به واسطه طی منازل قرب الهی، به اقصی مرتبه توحید رسیده بود» (ابن روزبهان، ۱۳۷۵: ۱۶۱).	عبادت حقیقی
امام حسین علیه السلام عاشق عبادت بود و در این زمینه از لحظه‌های عمر شریفش، حداکثر استفاده را می‌نمود. از این جهت عصر تاسوعا هنگامی که سپاه عمر سعد به‌سوی خیمه‌های سیدالشهدا تهاجم نمودند، حضرت به برادرش عباس فرمود: «برو به‌سوی آنان، در صورتی که ممکن باشد، جنگ را به فردا موکول کن، تا امشب را به نماز و دعا بگذرانیم؛ زیرا خداوند می‌داند که من نماز، تلاوت قرآن، دعا و استغفار را دوست دارم» (ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵: ۵۸/۴). حضرت ابوالفضل علیه السلام شب عاشورا را مهلت گرفت و حسین علیه السلام و یارانش، شب تا صبح را به پرستش الهی	عشق الهی

عبارت	مضمون پایه‌ای
گذراندند. حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ظهر روز عاشورا نیز با اصحاب باقی مانده، نماز ظهر را به صورت نماز خوف به جای آورد و نشان داد که او نماز و عبادت را حتی در حال جنگ و جهاد و تهاجم دشمن، فراموش نمی کند (ابن اثیر جزری، همان: ۷۱/۴).	
ابوهریره - از راویان مشهور اهل سنت - می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که حسین بن علی علیهما السلام را در بغل گرفته و می فرمود: «خدایا! او را دوست می دارم، تو هم او را دوست بدار» (حاکم نیشابوری، ۴۲۰ ق: ۱۷۷/۳).	دوستی اهل بیت علیهم السلام
احمد بن حنبل در مسند خود به نقل از راویان متعدد، می نویسد: پیامبر، حسن و حسین را به سینه خود می چسباند و می فرمود: «خدایا! من این دو را دوست دارم، تو نیز آن ها را دوست بدار». (ابن حنبل، بی تا: ۳۶۹/۵).	
امام حسین علیه السلام سروری بی رغبت به دنیا، پارسا، شایسته، خیرخواه و خوش خو بود (خوارزمی، ۱۴۲۳: ۲۲۳/۱). ابن ابی شیبیه کوفی روایت می کند: حسین بن علی علیه السلام پیاده به حج می رفت، درحالی که مرکب هایش در کنار او در حال حرکت بودند (ابن ابی شیبیه، ۱۴۱۶: ۵۴۱/۴). ابن کثیر روایتی را نقل کرده است که آن حضرت، ۲۵ بار پیاده به حج رفته، درحالی که مرکب های ایشان جلوی حضرت حرکت می کردند (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۲۲۶/۸).	زهد
در تعدادی از روایات نبوی، توجه و عنایت ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله به حسنین علیهم السلام قابل مشاهده است؛ توجهی که از عمق عشق آن حضرت به دو ریحانه خویش حکایت دارد. حاکم نیشابوری به نقل از سلمان فارسی چنین روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حسن و حسین پسران من هستند. هر که دوستشان بدارد، مرا دوست داشته و هر که مرا دوست بدارد، خدا او را دوست داشته و هر کسی را که خدا او را دوست داشته باشد، داخل بهشتش کند. هر که آن دو را به خشم آورد، مرا به خشم آورده و هر که مرا به خشم آورد، خدا را خشمگین کرده و هر که خدا را خشمگین کند، خدا او را در داخل آتش می کند» (ابن حنبل، همان: ۱۷۲/۴).	محبوب دل رسول خدا صلی الله علیه و آله
در حدیثی دیگر که آن را نسایی - از محدثان بزرگ اهل تسنن - روایت کرده، چنین آمده است: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می خواند. چون به سجده رفت، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام بر پشتش رفتند. پس مردم خواستند تا مانع این دو طفل شوند که حضرت اشاره کرد و خواست تا رهایشان کنند. چون نماز را تمام کرد، حسنین علیهم السلام را در آغوش خود گرفت و فرمود: «هر که مرا دوست دارد، پس باید این دو را هم دوست بدارد» (حسینی فیروزآبادی، ۱۴۲۲ ق: ۱۶۹/۳ - ۱۷۳).	

مضمون پایه‌ای	عبارت
	در یکی از منابع که تحت عنوان «فضایل الخمسه من الصحاح الستة»، مطالب مربوط به فضیلت‌های حسنین از دید پیامبر ﷺ در صحاح شش‌گانه آمده، می‌خوانیم: «ان الحسنین ﷺ عضوان من أعضاء النبی و لا یرض لهما ما حر الشمس؛ حسن و حسین دو عضو از اعضای پیامبر اسلام هستند و آن حضرت راضی نیست گرمای خورشید را بر آنان مشاهده و تحمل کند» (حاکم نیشابوری، همان: ۱۷۷/۳).
خوش خلقی	از جمله روایاتی که جایگاه ویژه امام حسین ﷺ را نزد پیامبر اکرم ﷺ نشان می‌دهد، حدیث معروف «حسین منی و أنا من حسین» بوده که بر سردر ورودی حرم سیدالشهدا ﷺ نیز نقش بسته است. کتاب «المصنف ابن ابی شیبہ»، قدیمی‌ترین منبعی به شمار می‌رود که این حدیث در آن ثبت شده است. ابی شیبہ را تقریباً تمام رجال‌شناسان اهل سنت، موثق می‌دانند. او چنین نقل می‌کند: «همراه رسول خدا از یک مهمانی خارج شدم. حسین همراه کودکان در میانه راه بازی می‌کرد. رسول خدا ﷺ جلوی آن‌ها ایستاد و دست خود را گشود، اما حسین این طرف و آن طرف فرار می‌کرد و رسول خدا او را به خنده می‌آورد، تا اینکه او را گرفت. یک دستش را بالا زیر چانه و دست دیگرش را در پشت گردنش قرار داد، سپس سر حسین را بالا گرفت، دهانش را به دهان او گذاشت و حسین را بوسید. پس از آن فرمود: «حسین از من و من از حسینم. خدایا دوست بدار، کسی که حسین را دوست دارد. حسین نوه‌ای از نوادگان من است» (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق: ۳۶۷/۱ و ۱۸۳/۲).
صله رحم	از امام حسین ﷺ نقل شده است: «اگر مردی در گوش راستم دشنام دهد و در گوش دیگرم از من عذر بخواهد، از او می‌پذیرم؛ زیرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ برایم گفت که شنیده است جدم پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: به حوض کوثر در نمی‌آید آن که عذر را نپذیرد؛ عذرآورنده، محق باشد یا مقصر» (الزندی، ۱۳۷۷: ۲۰۹). در این زمینه عصام بن مصطلق می‌گوید: «به کوفه وارد شدم و به مسجد رفتم. دیدم که حسین ﷺ در آنجا نشسته است. از شکل او خوشم آمد. گفتم: تو پسر ابوطالبی؟ فرمود: «آری». حسدی که در درون به او و پدرش داشتم، مرا برانگیخت و به او و پدرش، به تندی ناسزا گفتم. با عطف و مهر بانی به من نگریست و فرمود: «آیا تو اهل شامی؟» گفتم: آری؛ این خوی بد ماست. چون پشیمانی‌ام از این افراط‌کاری آشکار شد، به من فرمود: «لا تتریب علیکم الیوم یَغْفِرُ اللهُ لَکُم»، برای برآوردن نیازهایت، نزد ما بیا، که ما را آن‌گونه خواهی یافت که دوست داری». چیزی نگذشت که کسی روی زمین، محبوب‌تر از او و پدرش، نزد

مضمون پایه‌ای	عبارت
	من نبود و گفتم: اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ (انعام: ۱۲۴)» (ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵: ۲۲۴/۴۳).
جوانمردی	شیخ نورالدین علی بن صباغ مالکی، معروف به «ابن صباغ» درباره جوانمردی آن حضرت می‌نویسد: انس می‌گوید: خدمت حسین علیه السلام بودم که کنیزکی آمد و با خود دسته‌گلی آورد و به امام هدیه کرد. امام فرمود: «برو، در راه خدا آزاد هستی». پس به او عرض کردم: او که کار مهمی انجام نداده و چنین پاداشی دریافت کرد؟! فرمود: «آیا نشنیده‌ای سخن خدای تعالی را که «و اذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها» (نساء: ۸۶)؛ چون شما را احترام کردند، به درودی بهتر پاسخ دهید» (ابن صباغ، ۱۴۳۲ق: به نقل از شوشتری، همان: ۴۴۴/۱۱).
بخشندگی	بر اساس یک روایت تاریخی، امام حسین علیه السلام به فرد اعرابی، افزون بر آنچه نیاز داشت بخشید؛ هم مبلغ دیه و هم انگشترش را به وی بخشید تا بهای آن را هزینه زندگی‌اش کند. به این ترتیب، امام حسین علیه السلام افزون بر سخاوت، آبروی سائل را حفظ نمود و بیش از مبلغ مورد تقاضا، به وی بخشش نمود؛ چراکه شاید سائلی از این شرمش آید که دو چیز را تقاضا کند: هم مبلغ دیه را و هم تأمین هزینه خانواده‌اش را. امام حسین علیه السلام هزینه خانواده سائل را تأمین کرد و در این راستا انگشتر مبارک خویش را به وی داد، بدون اینکه او آن را تقاضا کند (بیاتی، ۱۳۸۶: ۹۰).
روحیه مهدی محوری	حذیفه از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ أَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي اسْمُهُ كَاسِمِي فَقَالَ سَلْمَانُ: مِنْ أَيْ وَلَدِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: مِنْ وَلَدِي هَذَا وَ صَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى الْحُسَيْنِ؛ اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز، خدا طولانی سازد این روز را تا برانگیزد مردی از فرزندانم را که همنام من است. پس سلمان عرض کرد: از کدام فرزندان تو است یا رسول‌الله؟ فرمود: از این فرزندم و دستش را بر حسین زد» (محب‌الدین طبری، ۱۳۵۶ق: ۱۳۶). لازم به ذکر است که آیت‌الله صافی گلپایگانی بیش از ۱۸۰ روایت را در این باره در کتاب گران‌قدر خود «منتخب الاثر» جمع کرده است (نک: صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ۸ ف ۲).
خداشناسی	ابن روزبهان می‌گوید: «اوست که به قدرت غیرت، هر کافر متمدنی را از بیخ و بن برمی‌کند. اوست که در مقام بندگی الهی، به وظیفه ذکر پاکی حق تعالی و بزرگی او (جل و علا) قیام به سزا فرمود. او به واسطه طی منازل قرب الهی، به اقصی مرتبه توحید رسیده بود (ابن روزبهان، همان: ۱۶۱).

عبارت	مضمون پایه‌ای
امام حسین علیه السلام را دیدند که در مسجد مدینه، صورت بر خاک نهاده می‌گوید: «الهی اگر به خاطر گناهانم بازخواستم کنی، به کرم‌ت توسل می‌جویم و اگر مرا با خطاکاران جمع کنی، به آن‌ها خواهم گفت تو را دوست دارم. آقای من! اطاعت من برای تو نفعی ندارد و معصیتم زبانی به تو نمی‌رساند، پس اگر آنچه را نفعی برایت ندارم به‌جا نیاورم، بر من ببخش و اگر آنچه را ضرری به تو نمی‌زند مرتکب شدم، در گذر که تو ارحم الراحمینی» (اخطب خوارزم، ۱۳۸۱: ۱۵۳/۱).	
ابن کثیر (از علمای معروف مذهب شافعی) در کتاب «البدایة و النهایة» درباره مقام امام حسین علیه السلام چنین می‌نویسد: «پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین را گرمی می‌داشت و به آن‌ها محبت زائدالوصفی می‌کرد، لذا حسین علیه السلام از صحابه پیامبر به شمار می‌رود و با آن حضرت تا دم مرگ آن بزرگوار، محشور و مصاحب بوده و حضرت رسول نیز از او رضایت کامل داشته است، اگرچه حسین علیه السلام در سنین کودکی بود» (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ۴ / جزء ۸/۱۴۲).	رضایت خدا
روزی حضرت به اتفاق یاران، به‌سوی باغی حرکت کردند. هنگامی که نزدیک باغ رسیدند، امام دید آن غلام (باغبان)، مشغول غذا خوردن است. امام حسین علیه السلام در پشت درخت نخلی پنهان شد، به‌گونه‌ای که غلام، او را نبیند. ناگهان امام مشاهده کرد که غلام، نیمی از نان خودش را خورد و نیم دیگر را به سگی داد که در کنارش نشسته بود. امام از این کار غلام، شگفت‌زده شد. زمانی که غلام از غذا خوردن فارغ شد، گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، خداوندا من و سرورم را پیامرز، همان‌گونه که به پدر و مادرش برکت دادی، ای بخشنده‌ترین بخشنده‌ها!» در این هنگام امام حسین علیه السلام از پشت درخت آشکار شد و غلام را به نام «صافی» صدا زد. غلام با شرمندگی بلند شد و از امام علیه السلام معذرت خواست و از اینکه آن حضرت را ندیده است، پوزش طلبید. امام حسین علیه السلام به غلامش که باغبان آن حضرت بود، فرمود: «ای صافی! مرا حلالم کن که بدون اجازه وارد باغ تو شده‌ام». صافی گفت: این سخن، برخاسته از بزرگواری شماست سرورم! امام فرمود: «دیدم که نیمی از نان را خود می‌خوردی و نیمی را به سگ می‌دادی! علت این کارت چه بود؟» غلام عرض کرد: سرورم! دیدم که من غذا می‌خورم و این حیوان به من چشم دوخته است. من از او شرم‌منده شدم، دیدم او سگ شماست که حراست باغ را به عهده دارد و من هم نوکر شما که روزی خور خانواده شما هستم. امام حسین علیه السلام از سخن غلامش گریان شد و غلام را در راه خدا آزاد کرد و همچنین دو هزار دینار به او بخشید. غلام نیز به شکرانه آزادی، باغ را برای شیعیان اباعبدالله	آخرت‌گرایی

مضمون پایه‌ای	عبارت
	الحسین (ع)، وقف نمود (مقتل خوارزمی، ۱۴۲۳: ۲۲۳/۱).
انفاق	محمد بن طلحه شافعی در توصیف شخصیت امام حسین (ع) چنین روایت کرده است: «مشهور است که امام حسین (ع)، مهمان را احترام می‌گذاشت، به جوینده می‌بخشید، با خویشاوندان رابطه برقرار می‌کرد، به نیازمند بخشش می‌کرد، به سائل یاری می‌رسانید، برهنه را می‌پوشانید، گرسنه را سیر می‌کرد، بدهکار را عطا می‌نمود، از ناتوان حمایت می‌کرد، به یتیم مهربانی نشان می‌داد، نیازمند را کمک می‌کرد و کمتر انفاق می‌افتاد که مالی به دست او برسد و آن را میان مردم توزیع نکند» (ابن طلحه شافعی، ۱۴۱۹: ۲۵۴-۲۵۵).
آداب معاشرت	زمخشری (از علمای بزرگ اهل سنت)، صاحب تفسیر معروف «کشاف»، در کتاب «ربیع الابرار» نقل می‌کند: «فاطمه علیها السلام با فرزندان حسن و حسین (ع) خدمت رسول خدا (ص) رسیده و عرض کرد: یا رسول الله! هدیه‌ای به این‌ها بده. حضرت فرمود: پدرت فدایت، من مالی ندارم تا هدیه کنم. سپس حسن (ع) را بغل کرده، بوسید و روی پای راست خود قرار داد و فرمود: به این فرزندم، اخلاق و هیبت خود را هدیه می‌کنم و حسین (ع) را نیز بغل کرد و بوسید و بر روی پای چپ خود نهاد و فرمود: شجاعت و جود خود را بدو بخشیدم» (زمخشری، همان: ۵۱۳، به نقل از شوشتری، «احقاق الحق»).
ایمان به خدا	شیخ محمد بن محمد مخلوف مالکی می‌نویسد: «حسین (ع) انسان با فضل و بسیار اهل نماز و روزه بود و بیست‌وشش بار پیاده خانه خدا را زیارت کرده است» (طبقات مالکیه، ۱۹۳۲ م: ۸۹/۲، به نقل از شوشتری، «احقاق الحق»): (۴۲۰/۱۱).
نوع دوستی	یکی از ویژگی‌های خاص امام حسین (ع)، حس نوع‌دوستی و کمک به نیازمندان بود. او این اخلاق والا را در کودکی از پدر و مادر خود آموخته بود. او در خانواده‌ای بزرگ شده بود که همگی مظهر جود و کرم بودند، تا آنجا که سوره دهر در شأن آنان نازل شد. از این رو، کرم داشتن و یاری‌رساندن به محرومان، جزء ویژگی‌های آن حضرت بود. وی در این باره از جدش نقل می‌کرد: «للسائل حقّ و إنّ جاء علی فَرَسٍ: تقاضاکننده کمک، بر گردن شما حق دارد؛ هرچند سوار بر اسب نزدتان آید (و ظاهرش نشان از بی‌نیازی وی دهد)» (ابوداود سجستانی، ۱۴۱۰: ۳۷۶/۱). به همین جهت، وی هیچ‌گاه نیازمندی را از خود دور نمی‌کرد و گاه نیز برای آنکه به

مضمون پایه‌ای	عبارت
	کسی کمک کند، دنبال بهانه‌ای می‌گشت تا با حفظ آبروی نیازمند، به او کمک مادی کند. زید بن حرمه می‌گوید: شخص فقیری از اطراف به مدینه آمده بود، درحالی‌که قدم می‌زد، خود را به خانه حسین بن علی علیه السلام رسانید. حلقه در را به صدا درآورد و به گفتن شعر پرداخت: آن‌کس که به در خانه‌ات درآید و حلقه آن را به صدا درآورد، محروم باز نمی‌گردد؛ چراکه تو اهل جود و معدن بخشش و پدرت، قاتل بدکاران بود. امام حسین علیه السلام که به نماز ایستاده بود، با شنیدن صدای وی، نماز را کوتاه کرد و خود را به مرد عرب رسانید و فقر و ناتوانی را در چهره‌اش مشاهده نمود. پس قبر را صدا زد و از وی پرسید: «از پول مخارج خانه چقدر نزد تو موجود است؟» قبر گفت: ای فرزند رسول خدا! دویست درهم باقی مانده که آن‌هم به امر شما می‌بایست بین افراد خانواده شما تقسیم کنم. حضرت فرمود: «آن را نزد من بیاور تا به آنکه از دیگران سزاوارتر است بپردازیم». به این ترتیب هرچه بود، به شخص فقیر بخشید (ابن عساکر دمشق، ۱۴۱۵: ۱۸۵/۱۴).
صبر	خطیب بغدادی به سند خود، از عبید بن حنین نقل کرده است که امام حسین علیه السلام فرمود: «در یکی از روزها که عمر بن خطاب بر فراز منبر قرار گرفته بود، بر او وارد شدم و بدون درنگ بر روی منبر بالا رفتم و به او گفتم: از منبر پدرم فرود آی و بر منبر پدر خودت، قرار بگیر. عمر گفت: پدر من منبری نداشته است که بر فراز آن قرار بگیرم. درعین حال دست مرا گرفته و در کنار خود نشاند و من در آن حال با انگشت کوچکم بازی می‌کردم. هنگامی که از منبر فرود آمد، مرا به منزلش برد و پرسید: چه شخصی این حرف‌ها را به تو یاد داده است؟ پاسخ دادم: خدا داناست که آنچه را اظهار کردم، کسی به من یاد نداده بود. عمر گفت: ای فرزند، چقدر شایسته است یک روز به منزل ما تشریف بیاوری. در یکی از روزها به خانه او رفتم و این در حالی بود که وی با معاویه خلوت کرده بود و ابن عمر هم پشت در، به انتظار اذن ورود ایستاده بود. ابن عمر که اجازه ورود نداشت، بازگشت، من هم همراه او بازگشتم. پس از آن، عمر با من ملاقات کرد و گفت: شما را ندیدم. در پاسخ گفتم: بنا به عهدی که داشتم آدمم و تو با معاویه خلوت کرده بودی و ابن عمر هم پشت در به انتظار اجازه ورود ایستاده بود، او بازگشت، من هم همراه او بازگشتم. عمر گفت: تو از ابن عمر شایسته‌تری به اذن ورود! آنگاه عمر گفت: این موهایی که بر سر ما روئیده است، نخست خدا روئانیده است و پس از او، شما روئانیده‌اید» (خطیب بغدادی، بی‌تا: ۱۴۱/۱).

عبارت	مضمون پایه‌ای
عکرمه، شاگرد برجسته ابن عباس، نقل می‌کند: «روزی ابن عباس در مسجد برای مردم حدیث می‌گفت، نافع بن ازرق برخاست و گفت: ای ابن عباس! از احکام مورچه و پشه برای مردم فتوا می‌دهی؟ اگر علمی داری، خدایی را که می‌پرستی برای من توصیف کن. ابن عباس سر به زیر انداخت. حسین بن علی علیه السلام در گوشه مسجد نشسته بود. رو به نافع کرد و فرمود: «ای نافع! به‌سوی من بیا تا پاسخت را بازگویم». نافع گفت: من از تو پرسیدم؟ ابن عباس گفت: یا ابن ازرق! انه من اهل بیت النبوه و هم ورثه العلم. نافع به‌سوی امام رفت و حضرت پاسخ او را ارائه فرمود. نافع گفت: ای حسین! سخنان نیکو و پرمایه است. فرمود: «شنیده‌ام که تو پدرم و برادرم و مرا به کفر متهم کرده‌ای؟» گفت: قسم به خدا با آنچه از شما شنیدم، بی‌تردید شما سرچشمه نورانی اسلام و ستارگان احکام خدا هستید: لقد کنتم منار الاسلام و نجوم الاحکام. امام فرمود: «یک سؤال از تو می‌پرسم». گفت: بپرس، یا بن رسول الله. فرمود: «آیه «فاما الجدار فکان لغلامین یتیمین فی المدینه» (کهف: ۸۱) را خوانده‌ای؟ ای نافع! چه کسی آن گنج گران بها را برای آن دو یتیم در زیر دیوار پنهان کرده بود، تا به آنان ارث رسد». گفت: پدر یتیمان. فرمود: «راستی پدر آن‌ها دلسوزتر برای فرزندان بود یا رسول خدا؟ آیا می‌توان باور کرد که پیامبر علم گران‌بهای خویش را برای فرزندان به ودیعت نگذاشته باشد و ما را از آن محروم کرده باشد؟» (نک: حسینی شاهرودی، ۱۳۸۷/ش ۹۲).	کسب دانش
شیخ محمد عبده، از دانشمندان اهل سنت، می‌نویسد: «هنگامی که در دنیا حکومت عادل و وجود دارد و هدفش اقامه شرع و حدود الهی است و در برابر آن، حکومتی ستمگر است که می‌خواهد حکومت عدل را تعطیل کند، بر هر مسلمانی یاری و مساعدت حکومت عدل واجب است و در همین باب، انقلاب امام حسین علیه السلام است که در برابر حکومت یزید - که خدا او را خوار کند - ایستاد» (رشید رضا، ۱۴۱۴ق: ۳۶۷/۱ و ۱۸۳/۲).	عدل
قاضی عبدالجبار معتزلی در کتاب «شرح الاصول الخمسه» به این نکته اشاره می‌کند که اگر امر به معروف و نهی از منکر، جان فردی را تهدید کند، تکلیف از او ساقط می‌شود، مگر اینکه آن کار، موجب عزت دین شود. وی این چنین ادامه می‌دهد: «قیام حسین بن علی علیه السلام نیز این گونه تفسیر می‌شود که صبر و تحمل	ظلم‌ستیزی

عبارت	مضمون پایه‌ای
آن حضرت، به دین خداوند بزرگ، عزت بخشید. ما امت اسلام اینک با قیام حسین بن علی علیه السلام به امت‌های دیگر مباحثات می‌کنیم؛ زیرا از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها یک فرزند باقی مانده بود که وی نیز امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکرد. تا آنجا که در این راه شهید شد» (ابن احمد معتزلی، ۲۰۰۱: ۴۱۷). آن حضرت در مسیر مکه به کوفه، هنگامی که با سپاه حر بن یزید ریاحی مواجه شد و از طرف آن‌ها با تکلیف «رفتن به کوفه و بیعت با یزید» یا «توقف در مکانی غیر از کوفه و مدینه» روبه‌رو گردید، خطاب به یاران خود فرمود: «هر کس سلطان ستمگری را مشاهده کند که محرمات الهی را حلال می‌شمارد، پیمان خدا را می‌شکند، مخالف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است و در میان مردم با گناه رفتار می‌کند و او را با کردار و گفتار تغییر ندهد، بر خداوند سزا است که آن شخص را در جایگاه سلطان مزبور، وارد کند. آگاه باشید! امویان پیروی شیطان را ملزم شده‌اند، اطاعت خداوند را ترک کرده‌اند و به‌طور آشکار، مرتکب فساد می‌گردند و حدود الهی را به تعطیلی کشانده‌اند و در بیت‌المال مسلمانان، تبعیض روا می‌دارند و محرمات الهی را حلال می‌دانند و حلال الهی را حرام می‌شمارند (طبری، ۱۴۰۴: ۴۰۳/۵).	

پس از دست یافتن به مضامین پایه‌ای، اکنون می‌توان مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر را مشخص نمود. در این مرحله از تحلیل مضمونی، سعی می‌شود با سازمان‌دهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه‌ای، به مضامین انتزاعی‌تری دست یافت که به مضمون‌های اصلی‌تر منجر می‌شود. مضامین سازمان‌دهنده سطح ۱ با توجه به ابعاد هشت‌گانه وجودی انسان اعتقادی، دینی، اخلاقی، جسمی، هنری، علمی، اجتماعی-سیاسی و اقتصادی-حرفه‌ای تفکیک شده‌اند. نتایجی که در جدول ۲ قابل مشاهده است، در نهایت مضمون فراگیر ابعاد حیات سیره تربیتی امام حسین علیه السلام را به دست می‌دهد.

جدول ۲: مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر در مؤلفه‌های سیره تربیتی امام حسین علیه السلام
از منظر اهل سنت

مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده سطح ۲	مضامین سازمان دهنده سطح ۱	مضمون فراگیر
زندگی پس از مرگ	شناخت هستی و منشأ آن	بُعد اعتقادی	ابعاد حیات طیبیه بر اساس مؤلفه‌های سیره تربیتی امام حسین (علیه السلام)
دنیای فانی			
شناخت خداوند			
خودشناسی			
عشق الهی			
هدف خلقت برای عبادت	عبادت	بُعد دینی	
ایمان به خداوند	ایمان به خدا، پیامبر و آخرت		
ایمان به آخرت			
ایمان به پیامبر			
ولایت مداری			
دوستی اهل بیت			
مسئولیت‌پذیری دینی	دین‌داری		
تعمیق تقوای الهی			
زهد			
عبادت			
شجاعت	اراده و اختیار	بُعد اخلاقی	
آزادی انتخاب	خداشناسی و کمال‌جویی		
هدایت اخلاقی			
کمال‌جو بودن انسان			
شهادت‌طلبی	تکوین هویت		
سلامتی جسم	پاکی و آراستگی جسمانی	بُعد جسمی	
پاکیزگی ظاهر			
زیبایی طبیعت	زیبایی طبیعت	بُعد هنری و زیبایی‌شناختی	
عزت کرامت انسان	کرامت انسان		
آراستگی	ارج‌گذاری به زیبایی		
اهمیت علم‌آموزی	علم‌آموزی و توسعه آن	بُعد علمی و آموزشی	

مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده سطح ۲	مضامین سازمان دهنده سطح ۱	مضمون فراگیر			
کسب علم	اندیشه‌ورزی	تقویت شناخت الگومداری	تأکید بر حمایت مشارکت خانواده در تربیت			
نشر علم						
اهمیت تعقل						
توجه به عقل‌ورزی						
تقویت شناخت						
الگومداری						
تأکید بر حمایت	مسئولیت اجتماعی	بُعد اجتماعی و سیاسی				
امر به معروف						
نهی از منکر						
آمادگی برای تغییر						
صله رحم						
احسان به دیگران						
احترام به بزرگان						
احترام به همسر و فرزندان						
قدردانی						
احترام به معلم						
نیکی و احترام به دیگران						
تواضع						
سلام کردن						
سعه صدر در ارتباط با دیگران						
عفو و گذشت						
راستی						
نقش دولت مرکزی در تربیت				ایفای نقش دولت		
بهره‌گیری از ظرفیت						

مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده سطح ۲	مضامین سازمان دهنده سطح ۱	مضمون فراگیر
رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی	تربیت		
اقامه قسط	مساوات		
اهمیت کار و کوشش	اهمیت کار و اشتغال		
تقویت روحیه کار			
دستگیری	عدالت اقتصادی	بُعد اقتصادی و حرفه‌ای	
مدیریت منابع مالی	مدیریت منابع مالی		
قناعت			

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با ارائه تحلیلی بر مؤلفه‌های سیره تربیتی امام حسین علیه السلام از منظر اهل سنت شامل: حق محوری، به هنگام و مقتضای حال، شمول و فراگیری، ملائمت با فطرت و نفوس انسانی و عامل اخلاق را بررسی کرده و سپس تحلیلی بر مصادیق عینی شامل: میانه‌روی در نظام باورها، اعتدال در امور فردی، میانه‌روی در معیشت دین (آخرت) و دنیا و میانه‌روی اقتصادی، میانه‌روی در کسب، میانه‌روی در خرج، میانه‌روی در انفاق، میانه‌روی در ظاهر و نوع پوشش را مورد بررسی قرار داده است. بررسی نتایج تحقیق نشان می‌دهد که توجه به ترویج و تربیت سیره تربیتی امام حسین علیه السلام به‌واسطه نقش برجسته ایشان، باعث رشد همه‌جانبه آن‌ها می‌گردد و حکمت به‌عنوان ثمره‌ی این تلاش آگاهانه، در بازشناسی خویش و هستی از علم و عمل به وجود می‌آید.

یافته‌ها حاکی از آن است که ایمان و عمل صالح، ملاک و معیار اساسی سیره تربیتی امام حسین علیه السلام و دستیابی به حیات طیبه است. حیات طیبه و لقای پروردگار، هر دو با ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. از آن جهت که «حیات» سبب حس و حرکت در همه موجودات است، «حیات طیبه» نیز سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی و سبک زندگی جدید نورانی برای آدمی می‌گردد.

از آنجاکه موضوع سیره تربیتی امام حسین علیه السلام و نیز قانون‌مند کردن آن برای همه بشریت، از منظر اهل سنت آن گونه که شایسته این مهم باشد، چندان موردتوجه قرار

نگرفته است، پژوهش در حیات طیبیه که یک اصطلاح قرآنی است و بررسی ویژگی‌های زندگی مرتبط با آن، می‌تواند ما را به سبک زندگی مورد قبول اسلام رهنمون سازد.

با بررسی‌های انجام‌شده، تحقیق به این نتیجه رسید که سیره تربیتی امام حسین (ع) از منظر اهل سنت در بُعد فردی، یک سبک میانه و در بُعد اجتماعی، سبکی متعادل است. میانه‌روی در سبک زندگی فردی، تبیین‌کننده تعادل در سبک زندگی اجتماعی است. سبک زندگی اسلامی، هم با دیگر نظام‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه و هم با اجزا و مجموعه‌های خود، هماهنگی و انطباق لازم را دارد و در هیچ شأنی از شئون زندگی فردی و اجتماعی نبودن توازن (افراط و تفریط) را از مسلمانان برنمی‌تابند و سرانجام اینکه، تعادل در سیره تربیتی امام حسین (ع)، امری موردی نیست، بلکه مدلی عام و در همه شئون زندگی جاری و ساری است.

سیره تربیتی امام حسین (ع) از منظر اهل سنت، برآمده از آموزه‌های اعتقادی و ارزشی است و بنیاد سبک زندگی اسلامی، علاوه بر اعتقادات که مشتمل بر روح توحید در تمامی شئون زندگی است، شامل امور ارزشی و اخلاقی ثابت است. تعالیم اسلام، دستورالعمل کلی به‌منظور وصول به سبک زندگی اسلامی را ارائه نموده است. بررسی تعامل دوسویه اجزای مثلث «نیاز، دین، سبک زندگی» نشان می‌دهد که میان این سه مقوله، ترابط و پیوند گسست ناپذیری وجود دارد. ظرفیت‌سازی در خانواده و توانمندسازی آن در روند دستیابی به سرمایه اجتماعی و جامعه سالم، با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، می‌تواند راه‌حل مناسبی برای مشکلات عصر حاضر محسوب شود.

نتایج پژوهش بیانگر آن است که یکی از مهم‌ترین محیط‌هایی که می‌تواند به‌صورت منظم سیره تربیتی امام حسین (ع) را در درون افراد نهادینه و به جامعه رسوخ کند، نهادهای تربیتی است. خانواده و مدرسه‌ای که سرشار از جاذبه الهی؛ یعنی مودت، محبت، رحمت، شفقت و آرامش روانی باشد، محیط تربیتی است که تسهیل‌کننده مؤلفه‌های سیره تربیتی امام حسین (ع) است. نتایج بیان‌گر آن است که سیره تربیتی امام حسین (ع) که مبتنی بر اعتدال است، زمینه‌ساز پیوند عاطفی در خانواده است و از پدیده گسست نسلی جلوگیری می‌کند. برخی از شاخصه‌های سرگرمی اخلاقی عبارت‌اند از: توحیدگرایی، توجه به قرب الهی، توجه به عالم غیب، واقع‌گرایی، عقلایی بودن، بیهوده و عبث نبودن، حفظ کرامت انسانی در سرگرمی، سرگرم نشدن به گناهان

و اعتدال در پرداختن به سرگرمی.

پیشنهادهات

- گنجاندن آموزه‌های سیره تربیتی امام حسین (ع) از منظر اهل سنت، در برنامه‌ی درسی و آموزشی؛
- بالا بردن کیفیت برنامه‌های رسانه‌های داخلی به‌ویژه رسانه ملی؛
- آموزش مصرف بهینه کالا و خدمات، با طرح آموزه‌های اهل سنت در این زمینه، در قالب سریال‌های جذاب و پرمخاطب و نیز پیام‌های بازرگانی؛
- آموزش آموزه‌های سیره تربیتی امام حسین (ع) از منظر اهل سنت، برای ایجاد حساسیت افراد نسبت به سبک زندگی خود و رعایت اصول اسلامی.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- صحيفه سجاديہ
۱. ابن ابی الحديد، عبد الحميد (۱۳۸۲)، شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحديد)، قم: کتابخانه حضرت آيت الله العظمیٰ مرعشی نجفی (ره)، (۱۴۰۴ق؛ ۱۹۶۷م)، چاپ دوم.
۲. ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبه الله (۱۴۲۶ق)، شرح نهج البلاغه، قم: مكتبة آيت الله العظمیٰ المرعشی النجفی (ره).
۳. ابن ابی شيبة، عبدالله بن محمد (۱۴۱۶ق)، المصنف في الاحاديث والآثار، بيروت: جامع الاسلام.
۴. ابن ابی الحديد (۱۳۷۸-۱۳۸۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: مكتب آيت الله العظمیٰ مرعشی.
۵. ابن اثير، عز الدين (۱۳۸۲)، تاريخ كامل، ترجمه: سيد محمد حسين روحاني، انتشارات اساطير، تهران، چاپ سوم.
۶. ابن اثير، علي بن محمد (۱۳۸۵)، تاريخ كامل، مترجم: سيد حسين روحاني، تهران: اساطير.
۷. ابن اثير، علي بن محمد (۱۴۱۹ق)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۸. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۳۰ق)، فضائل الصحابة، دار ابن الجوزي، قاهره، مصر.
۹. ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، دار المنهاج، جده، عربستان.
۱۰. ابن رشد، محمد بن احمد (۱۴۰۷ق)، الكشف عن مناهج الأدلة في عقائد الملة، أو: نقد علم الكلام ضدًا على الترسيم الأيديولوجي للعقيدة و دفاعًا عن العلم و حرية الاختيار في الفكر و الفعل، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية.

۱۱. ابن روزبهان، فضل‌الله (۱۳۷۵)، وسیله‌الخادم إلى المخدوم، قم: انصاریان.
۱۲. ابن صباغ، علی بن محمد (۱۴۳۲ق)، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، قم: مؤسسه علمی فرهنگي دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.
۱۳. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینة دمشق، بیروت: دار الفکر.
۱۴. ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۹ق)، سنن ابن ماجه، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸ق)، البدایة و النهایة، بیروت: دار الفکر.
۱۶. ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۳۹۷)، سنن ابی داود، شرح مترجم: محمدحنیف حسین‌زائی، سراوان: نشر سروچ.
۱۷. اخطب خوارزم، موفق بن احمد- سماوی، محمد (۱۳۸۱)، مقتل الحسین علیه السلام، قم: انوار الهدی.
۱۸. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۴ق)، الأدب المفرد، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۹. بیاتی، جعفر (۱۳۸۶)، اخلاق حسینی، ترجمه: موسی دانش، قم: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۰. بیهقی، ابوالفضل (۱۴۲۴ق)، تاریخ بیهقی، کربلا: مکتب اسلامی.
۲۱. ترمذی، محمد بن عیسی (بی‌تا)، سنن الترمذی (العلل الصغیر)، بیروت: دار الحديث.
۲۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۲۰ق)، المستدرک علی الصحیحین، المکتبة العصرية، بیروت- لبنان.
۲۳. حسینی شاهرودی، سید محمد (۱۳۸۷)، امام حسین علیه السلام و عاشورا از دیدگاه اهل سنت، پیام، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۹۲.
۲۴. حسینی فیروز آبادی، مرتضی (۱۴۲۲ق)، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، بیروت: المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام.
۲۵. حکمت الرحمة (۱۳۹۲)، امامان اهل بیت علیهم السلام در کتب اهل سنت، مترجم: خزایی، آیت‌الله، نشر مشعر- تهران.
۲۶. خطیب بغدادی، احمد بن علی (بی‌تا)، الکفایة فی علم الروایة، لبنان: دار الكتاب العربی.
۲۷. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، بیروت: دار المعرفة.

۲۸. زرندی، محمد بن یوسف (۱۳۸۰)، معارج الوصول الى معرفه فضل آل الرسول و البتول، قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
۲۹. الزمخشري، ابوالقاسم محمود بن عمر (۱۴۱۲ق)، ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۰. شافعی، محمد بن طلحه (۱۴۱۹ق)، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، بیروت: مؤسسة البلاغ.
۳۱. شوشتری، قاضی نورالله (۱۲۷۳ق)، احقاق الحق، تهران: مکتبه الاسلامیه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، مرکز احیاء آثار برّ صغیر.
۳۲. صادقی، مصطفی؛ فرمانیان، اسماء (۱۳۹۸)، راز جاودانگی قیام عاشورا در مقایسه با دیگر قیام ها. معارف حسینی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۷-۳۲.
۳۳. صافی، لطف الله (۱۲۹۷ق)، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، قم: مؤسسة السیده المعصومه (سلام الله علیها).
۳۴. صحتی سردوردی، محمد (۱۳۹۴)، منطق عاشورا پژوهی، تهران: خیمه.
۳۵. صفعلکی، شمس الله (۱۳۸۶)، نهضت کربلا از دیدگاه اهل سنت، مجله ماهنامه کوثر، شماره ۳۱.
۳۶. عاصی، حسین (۱۴۰۴ق)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری و کتابه تاریخ الأمم و الملوک، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران: مکتب الاسلام.
۳۷. عقاد، عباس محمود ((۱۳۸۶)، ابوالشهداء الحسین بن علی علیهما السلام، تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه، مرکز تحقیقات و الدراسات العلمیه، المعاونیه الثقافیه.
۳۸. علوی علی آبادی، فاطمه (۱۳۹۹)، شخصیت اخلاقی امام حسین علیه السلام در منابع اهل سنت، معارف حسینی، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۲۳-۴۲.
۳۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمیه.
۴۰. قربانی، مهدی و قربانی شاه نجفی، محمد (۱۳۹۷)، توصیف حادثه عاشورا و دلایل ماندگاری آن در ادبیات پایداری، نخستین همایش ملی تحقیقات ادبی با رویکرد مطالعات تطبیقی، تهران، <https://civilica.com/doc/902185>
۴۱. متقی هندی (۱۳۷۴)، کنز العمال، تهران: دارالحدیث.
۴۲. محب الدین طبری، احمد بن عبدالله (۱۳۵۶ق)، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی

القربی، قاهره: مكتبة القدسی.

۴۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۴۰۴ق)، الصحيح من مقتل سيدالشهداء و اصحابه عليهم السلام، قم: موسسه دارالحديث العلميه والثقافيه، مركز للطباعة والنشر.
۴۴. معتزلی، ابن احمد (بی تا)، صاعد احمد الاسلامی، بیروت: نيسان.
۴۵. شيخ محمد، بن محمد مخلوف مالکی (۱۹۳۲م)، طبقات مالکيه، قاهره.
۴۶. نجفی عمران، عبدالرحمن (۱۴۰۰)، واکاوی فقهی مشروعیت قیام امام حسین (ع) از منظر اهل سنت، فقه حکومتی، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۸۳-۱۰۶.
۴۷. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۷)، گفتارهایی پیرامون نهضت حسینی (ع)، قم: خیمه.

شخصیت‌شناسی امام حسین علیه السلام در شعر شاعران اهل سنت

سیده عالیہ تیمار^۱

چکیده

شخصیت امام حسین علیه السلام به‌عنوان یک الگوی انسانی-دینی در تاریخ اسلام، همواره مورد توجه شاعران و نویسندگان قرار گرفته است. این مقاله به شخصیت‌شناسی امام حسین علیه السلام در اشعار شاعران اهل سنت می‌پردازد و تلاش دارد تا ابعاد مختلف شخصیت ایشان را از منظر ادبیات تحلیل کند. با مرور اشعار شاعران برجسته‌ای چون احمد شوقی، علامه اقبال لاهوری، مولانا و دیگران، به بررسی ویژگی‌های اخلاقی، انسانی و اجتماعی امام حسین علیه السلام پرداخته می‌شود. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که شاعران اهل سنت چگونه با استفاده از زبان شعر، مفاهیمی چون ایثار، شجاعت و عدالت را در شخصیت امام حسین علیه السلام به تصویر کشیده‌اند. همچنین تأثیر واقعه عاشورا بر شعر و ادبیات عربی و نقش آن در شکل‌گیری هویت اسلامی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شخصیت امام حسین علیه السلام نه تنها در بین شیعیان، بلکه در ادبیات اهل سنت نیز به‌عنوان نمادی از حق‌طلبی و مقاومت علیه ظلم شناخته شده است. بر این اساس، این مقاله با هدف تبیین جایگاه امام حسین علیه السلام در ادبیات اهل سنت و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن بر جامعه اسلامی، نگاشته شده است.

کلیدواژگان: امام حسین علیه السلام، ادبیات، شعر، اهل سنت، شخصیت الگو، شاعران اهل سنت.

۱. مدرس علوم دینی (مدرسه اسماعیلیه) - قشم - روستای گیاهدان.

شخصیت امام حسین علیه السلام به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و بارزترین شخصیت‌های تاریخ اسلام، نه تنها در میان شیعیان، بلکه در بین اهل سنت نیز مورد توجه و احترام قرار دارد. امام حسین علیه السلام با قیام عاشورا و ایستادگی در برابر ظلم و فساد، الگویی از فداکاری، شجاعت و ایثار را برای بشریت به ارمغان آورد. شاعران اهل سنت نیز به تبعیت از این شخصیت برجسته، در آثار خود به توصیف و تحلیل ویژگی‌های اخلاقی و انسانی امام حسین علیه السلام پرداخته‌اند. شعر به عنوان یک رسانه ادبی قدرتمند، توانسته است احساسات و اندیشه‌های عمیق را به زیبایی منتقل کند. شاعران اهل سنت با بهره‌گیری از زبان شعر، ابعاد مختلف شخصیت امام حسین علیه السلام را مورد بررسی قرار داده و با نگاهی عاطفی و فلسفی، پیام‌های ایشان را در قالب اشعار خود گنجانده‌اند. این مقاله به تحلیل و بررسی شخصیت امام حسین علیه السلام در اشعار شاعران اهل سنت می‌پردازد و تلاش می‌کند تا ابعاد مختلف این شخصیت را از منظر ادبیات بررسی کند. در این راستا، به بررسی موضوعاتی چون فداکاری، مبارزه با ظلم، عشق به حق و حقیقت و تأثیر قیام عاشورا بر جامعه اسلامی خواهیم پرداخت. این بررسی‌ها نشان خواهد داد که چگونه امام حسین علیه السلام به عنوان یک نماد انسانی و الهی، در شعر شاعران اهل سنت تجلی یافته و چه تأثیری بر فرهنگ و ادبیات اسلامی گذاشته است.

شخصیت امام حسین علیه السلام در منابع اهل سنت

در منابع اهل سنت، شخصیت امام حسین علیه السلام جایگاه برجسته‌ای دارد و به عنوان یکی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، نوهی محبوب پیامبر و از بزرگان و شایستگان اسلام معرفی شده است. حاکم نیسابوری از ابوه‌ریره نقل می‌کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که حسن و حسین را یکی بر این دوش و یکی بر آن دوشش گرفته بود، به سوی ما می‌آمد و یکبار این یکی و یکبار آن یکی را می‌بوسید، تا اینکه به ما رسید. مردی به او گفت: ای رسول خدا آیا آن‌ها را دوست داری؟ فرمود: «بلی، هر که آن‌ها را دوست بدارد، من را دوست دارد و هر که آن‌ها را دشمن بدارد، من را دشمن داشته است» (نیسابوری، ۱۴۲۲ق: ۳/۳۷۷).

امام حسین علیه السلام در منابع اهل سنت به عنوان فردی با فضایل اخلاقی بالا، زاهد و اهل

کرم توصیف شده است. مصعب زبیری روایت می‌کند که حسین علیه السلام بیست و پنج بار پیاده و لبیک گویان، خانه خدا را زیارت کرده است» [هیثمی، ۱۴۰۸ق: ۲۰۱/۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۲۹۷/۱]. همچنین شیخ محمد بن محمد مخلوق مالکی می‌نویسد: «حسین علیه السلام انسان با فضل و بسیار اهل نماز و روزه بود و بیست و شش بار خانه خدا را زیارت کرده است» (هیثمی، ۱۴۰۸ق: ۲۰۱/۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۲۹۷/۱). همچنین شیخ نورالدین علی بن صباغ مالکی، معروف به «ابن صباغ»، درباره جوانمردی آن حضرت می‌نویسد: انس می‌گوید: خدمت حسین علیه السلام بودم که کنیزکی آمد و با خود دسته‌گلی آورد و به امام هدیه کرد. امام فرمود: «برو، تو در راه خدا آزاد هستی». پس به او عرض کردم: او که کار مهمی انجام نداد و چنین پاداشی دریافت کرد؟ فرمود: «آیا نشنیده‌ای سخن خدای متعال را که: «وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا؛ چون شما را احترام کردند، به درودی بهتر پاسخ دهید» (ابن صباغ، ۱۴۲۲ق: ۷۶۸/۲؛ حلوانی، ۱۴۰۸ق: ۸۳).

اهل سنت با احترام و ستایش از امام حسین علیه السلام یاد کرده و او را به‌عنوان نماد مقاومت در برابر ظلم و فساد معرفی می‌کنند. همچنین شجاعت و پایبندی او به اصول اسلامی را می‌ستایند و شهادت او را در کربلا، یکی از دردناک‌ترین و مظلومانه‌ترین حوادث تاریخ اسلام می‌دانند. امام بخاری از ابو نعیم نقل می‌کند که از عبدالله بن عمر شنیدم که در جواب کسی که از او درباره کشتن مگس در ماه محرم پرسیده بود، گفته است: مردم درباره کشتن مگس سؤال می‌کنند، درحالی‌که پسر دختر رسول الله را کشته‌اند! (و از او نمی‌پرسند) و حال آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حسن و حسین (علیهما السلام) فرموده است: «هما ريحانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا؛ آن‌ها گل‌های خوشبوی من در دنیا هستند» (بخاری، ۱۸۶۳م: ۶۶۱/۲).

شخصیت امام حسین علیه السلام در شعر شاعران اهل سنت

شخصیت امام حسین علیه السلام در شعر شاعران اهل سنت، به‌عنوان یک الگو و نماد فداکاری، شجاعت و ایستادگی در برابر ظلم و فساد معرفی شده است. شاعران اهل سنت در آثار خود به ویژگی‌های بارز انسانی و اخلاقی امام حسین علیه السلام پرداخته و او را به‌عنوان یک شخصیت بزرگ تاریخی که برای حق و عدالت، جان خود را فدا کرده، توصیف کرده‌اند. شعر و ادب اهل سنت، سرشار از ستایش امام حسین علیه السلام و مرور بر فضایل ایشان است. شاعرانی همچون احمد شوقی، عبدالله البردونی، ابن زیدون، محمد اقبال لاهوری و

حتی برخی از شاعران عثمانی، امام حسین علیه السلام را به عنوان نمادی از قهرمانی و ایثار توصیف کرده‌اند.

بسیاری از شاعران نیز به فداکاری امام حسین علیه السلام در کربلا اشاره کرده و او را به عنوان نمادی از ایثار و فداکاری در راه حق معرفی می‌کنند.

امام حسین علیه السلام به عنوان یک شخصیت شجاع که در برابر ظلم و ستم ایستادگی کرد، در اشعار شاعران اهل سنت مورد ستایش قرار گرفته است. شاعران به آرمان‌های امام حسین علیه السلام در خصوص عدالت و مبارزه با ظلم پرداخته و او را به عنوان یک پیشوای عدالت‌خواه معرفی می‌کنند. برخی از شاعران نیز به جنبه‌های انسانی امام حسین علیه السلام، محبت و رحمت او نسبت به دیگران اشاره کرده و او را الگویی برای محبت و همدلی معرفی می‌کنند. همچنین شخصیت امام حسین علیه السلام به عنوان یک فرد متقی و با ایمان، در اشعار مورد توجه قرار گرفته است. بر این باور، امام حسین علیه السلام جایگاه والایی در ادبیات و شعر فارسی و عربی دارد و شاعران اهل سنت نیز ارادت خاصی به ایشان نشان داده‌اند. این شاعران امام حسین علیه السلام را نماد شجاعت، حق‌طلبی و ایمان می‌دانند و مصیبت کربلا را به عنوان نقطه عطفی در تاریخ اسلام دانسته‌اند.

نمونه‌هایی از اشعار شاعران اهل سنت درباره امام حسین علیه السلام

در ادامه به نمونه‌هایی از اشعار بزرگان اهل سنت و شاعران بزرگ و معاصر عربی و فارسی‌زبان اهل سنت پرداخته می‌شود.

همه امامان و بزرگان اهل سنت، ارادت خاصی به اهل بیت و امام حسین علیه السلام داشته‌اند و سخنان و اشعاری از ایشان نقل شده است که نشان‌دهنده احترام و محبت ایشان به اهل بیت و امام حسین علیه السلام است. از جمله:

«امام محمد بن ادريس شافعي» پیشوای یکی از مذاهب اربعه اهل سنت که علاقه و ارادت بسیاری به اهل بیت علیهم السلام دارد، درباره واقعه عاشورا اشعار زیبایی سروده است که ترجمه برخی ابیات آن را می‌آوریم:

«این حادثه، از حوادثی است که خواب مرا ربوده و موی مرا سپید کرده است، دل و دیده مرا به خود مشغول ساخته و مرا اندوهگین کرده است و اشک چشمم جاری و خواب از آن پریده است.

دنیا از این حادثه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، متزلزل شده و قامت کوه‌ها از آن خواب ذوب شده است.

آیا کسی هست که از من به حسین پیامی برساند، اگرچه دل‌ها آن را ناخوش دارند؟!

حسین کشته‌ای است بدون جرم و گناه که پیراهن او به خونش رنگین شده است. عجب از ما مردم آن است که از یک طرف به آل پیامبر ﷺ درود می‌فرستیم و از سوی دیگر، فرزندان او را به قتل می‌رسانیم و اذیت می‌کنیم.

اگر گناه من دوستی اهل بیت پیامبر است، از این گناه هرگز توبه نخواهم کرد. اهل بیت پیامبر در روز محشر، شفیعان من هستند و اگر نسبت به آنان بغضی داشته باشم، گناه نابخشودنی کرده‌ام» (المصطاوی، ۴۲۵ ق: ۲۴).

امام شافعی (رحمت‌الله علیه)، این اشعار را در سوگ امام حسین سروده‌اند که نشان‌دهنده‌ی عشق و علاقه، محبت و دلسوزی و احترام ایشان نسبت به امام حسین ﷺ است. اشعار امام شافعی درباره امام حسین ﷺ، به‌وضوح نشان‌دهنده‌ی ارادت و احترام عمیق او به این شخصیت بزرگ تاریخ اسلام است. در این اشعار، امام شافعی از چند جنبه به ستایش امام حسین می‌پردازد و او را نماد ارزش‌های والای انسانی و دینی می‌داند:

۱. مظلومیت و بی‌گناهی

امام شافعی به‌وضوح، به مظلومیت امام حسین ﷺ اشاره می‌کند و او را کشته‌ای بدون جرم و گناه توصیف می‌کند. این بیان، نشان‌دهنده‌ی احساس ناامیدی و اندوه او نسبت به ظلمی است که بر اهل بیت پیامبر ﷺ رفته است.

۲. محبت به اهل بیت

او به دوستی و محبت خود نسبت به اهل بیت پیامبر تأکید می‌کند و اعلام می‌کند که اگر گناه او دوستی با اهل بیت باشد، هرگز از این گناه توبه نخواهد کرد. این نشان‌دهنده‌ی اهمیت و ارزش دوستی با اهل بیت ﷺ در نظر امام شافعی است.

۳. شفاعت در روز محشر

امام شافعی به نقش شفاعت اهل بیت ﷺ در روز قیامت اشاره می‌کند و آن‌ها را شفیعان خود می‌داند. این بیان، نشان‌دهنده‌ی مقام والای اهل بیت و ارتباط عمیق میان مؤمنان و آن‌هاست.

۴. نقد به جامعه

او به تضاد رفتار مردم اشاره می‌کند که از یک طرف به آل پیامبر درود می‌فرستند و از سوی دیگر، فرزندان آن‌ها را مورد آزار قرار می‌دهند. این نقد اجتماعی، نشان‌دهنده‌ی دغدغه‌های امام شافعی درباره‌ی عدالت و رفتار صحیح نسبت به اهل بیت است.

۵. استقامت در برابر ظلم

امام شافعی با اشاره به اینکه «دنیا از این حادثه متزلزل شده»، به اهمیت قیام امام حسین (ع) در تاریخ اسلام و تأثیر آن بر جامعه اشاره می‌کند. او امام حسین (ع) را نماد ایستادگی در برابر ظلم و ستم می‌داند.

در مجموع، امام شافعی با اشعار خود، امام حسین (ع) را نه تنها به عنوان یک شخصیت تاریخی، بلکه به عنوان نماد حق طلبی، مظلومیت، عشق به اهل بیت و ارزش‌های انسانی معرفی می‌کند که همواره باید مورد احترام و محبت قرار گیرد.

«احمد شوقی» یکی از شعرای برجسته اهل سنت و دنیای عرب و یکی از بزرگ‌ترین ارکان نهضتی است که شعر عربی را به سوی ارزش‌های جاودانه سوق داده است. او توانسته است لقب امیر الشعرای دنیای عرب را به خود اختصاص دهد. اجداد او از شافعیان سلیمانیة عراق بودند. او در یکی از اشعارش درباره امام حسین (ع) چنین سروده است:

هَذَا الْحُسَيْنُ دُمُهُ بِكَرْبَلَا	روّی الثری لما جرى علی ظلما
وَاسْتَشْهَدَ الْأَقْمَارُ أَهْلُ بَيْتِهِ	یهوون فی التربِ فُرادى وُثْنَا
ابن زیاد و یزیدُ بغیا	و الله و الآیامُ حربُ مَنْ بغی
لولا یزید بادئاً ما شربت	مروانُ بالكأسِ التی بها سقى

این حسین است، خورش در کربلا زمین را سیراب کرد وقتی که تشنه بود و ستاره‌های اهل بیتش به زمین می‌افتادند تک‌تک و تنها (به شهادت رسیدند) ابن زیاد و یزید از روی ظلم، به خاک افتادند، به خدا سوگند، روزگار با هر که ظلم کند در جنگ است.

اگر یزید آغازگر نبود، آنان هرگز نمی‌نوشتند، مروان با جامی که با آن سیراب کرد [به قتل رساند] (الصفار، الإمام الحسین فی الشعر المصری، ۱۵/۲۰۲/۲۳).

شوقی در این شعر با استفاده از زبان ادبی و استعاره‌های عمیق، احساسات عاطفی و اندوه خود را نسبت به واقعه عاشورا و مظلومیت امام حسین (ع) ابراز کرده است. در اینجا به تحلیل نمادها و احساسات موجود در شعر می‌پردازیم:

۱- احساسات شاعر

شوقی با توصیف خون امام حسین (ع) که در کربلا ریخته شد و خاک تشنه را سیراب کرد، عمق درد و رنج را به تصویر می‌کشد. این نشان‌دهنده احساس غم و اندوه عمیق وی نسبت به شهادت امام حسین (ع) و یاران ایشان است. او به وضوح مظلومیت و بی‌عدالتی را با واژه‌هایی پرمعنا و تأثیرگذار بیان می‌کند.

۲- نماد امام حسین (ع)

امام حسین (ع) در این شعر، نماد مقاومت، شجاعت و حق‌طلبی است. خون او که در کربلا ریخته شده، نماد فدای جان برای حفظ اصول و اعتقادات است. او به عنوان کسی که در برابر ظلم و ستم ایستاده، تجلی‌گر ارزش‌های انسانی و دینی است. امام حسین (ع) با قیام عاشورا، نه تنها جان خود را فدای اصول انسانی کرد، بلکه به بشریت درس مقاومت در برابر ظلم را آموخت.

۳- نماد یزید

یزید در این شعر، نماد ظلم، فساد و بیدادگری است که با استفاده از زور و خشونت، حق را نادیده می‌گیرد و نیز به عنوان نماینده قدرت ظالم و فساد در جامعه معرفی شده است که با اقدامات خود، نه تنها بر امام حسین و اهل بیت و یارانش، بلکه بر کل جامعه اسلامی ظلم می‌کند.

۴- نماد مروان

مروان نیز به عنوان نمادی از خیانت و همکاری با ظلم معرفی شده است. او در این شعر به عنوان کسی که با یزید همکاری کرده و در کشتار امام حسین (ع) نقش داشته، مطرح می‌شود.

در مجموع، شوقی با استفاده از این نمادها، پیام خود را درباره حقانیت امام حسین (ع) و ظلم یزید و ابن زیاد و مروان، منتقل می‌کند و احساسات عمیق خود را

نسبت به این واقعه تاریخی ابراز می‌دارد. شعر او دعوتی است به یادآوری واقعه عاشورا و مظلومیت امام حسین (ع) و درس‌هایی که باید از آن گرفت. این درس‌ها شامل ایستادگی در برابر ظلم، فدای جان برای حفظ اصول و ارزش‌ها و ضرورت بیداری وجدان‌های خفته است. شاعر با استفاده از نمادها و استعاره‌ها، تلاش می‌کند تا پیام عاشورا را زنده کند و نسل‌های آینده را به تفکر درباره این واقعه مهم دعوت کند.

«شیخ رضا طالبانی کرکوکي» (متوفای ۱۳۲۷ق)، از شاعران مشهور اهل سنت پارسی‌گوی کُرد عراق، در تمجید از امام حسین (ع) چنین می‌سراید:
لافت از عشق حسین است و سرت بر گردن است

عشق بازی، سر به میدان وفا افکندن است

گر هواخواه حسینی، ترک سر کن چون حسین

شرط این میدان، به خون خویش بازی کردن است

از حریم کعبه کمتر نیست، دشت کربلا

صد شرف دارد بر آن وادی که گویند ایمن است

ای من و ای من فدای خاک پاکی کاندرو

نور چشم مصطفی و مرتضی را مسکن است

زهره‌ی زهرا نگین و خاتم خیرالوری

زور زهر مرتضی و حیدر خیبرکن است

سُنی‌ام سنی، ولیکن حب آل مصطفی

دین و آیین من و آباء و اجداد من است

شیعه و سنی ندانم، دوستم با هر که او

دوست باشد، دشمنم آن را که با او دشمن است

(طالبانی، بی‌تا: ۱۱۲، به نقل از: شاهرخ اورامی، ۱۳۸۹ش: ۲۵۲-۲۵۳).

حس شفقت و دلسوزی اشعار شیخ رضا طالبانی کرکوکي درباره امام حسین (ع)،

به وضوح نشان دهنده ارادت و محبت عمیق او به این شخصیت بزرگ تاریخ اسلام است. در این اشعار، امام حسین علیه السلام به عنوان نماد عشق، فداکاری و ایثار معرفی شده و ویژگی‌های برجسته‌ای برای او بیان می‌شود. برخی از جنبه‌های ستایش و توصیف امام حسین علیه السلام در اشعار شیخ رضا طالبانی عبارت‌اند از:

۱. عشق و وفاداری

شاعر با بیان اینکه «لافت از عشق حسین است»، عشق عمیق خود به امام حسین علیه السلام را ابراز می‌کند. این عشق به گونه‌ای است که فرد را به میدان وفا و ایثار می‌کشاند. ۲. فداکاری در راه حق

اشاره به اینکه «شرط این میدان، به خون خویش بازی کردن است»، نشان دهنده‌ی فداکاری و ایثار امام حسین علیه السلام در کربلاست. او با جان فشانی خود در راه حق، ارزش‌های انسانی و دینی را زنده نگه داشت.

۳. مقام والای امام حسین علیه السلام

با اشاره به اینکه «کعبه کمتر نیست» و «فدای خاک پاکی کاندرو، نور چشم مصطفی و مرتضی را مسکن است»، شاعر مقام والای امام حسین علیه السلام را در مقایسه با مقدسات دیگر دین اسلام بیان می‌کند. این توصیف، نشان دهنده‌ی اهمیت و جایگاه ویژه امام حسین علیه السلام در دین و نزد خداوند است.

۴. نسبت به اهل بیت علیهم السلام

با ذکر «زهره زهرا» و «زور زهر مرتضی»، شاعر به نسبت امام حسین علیه السلام با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و او را به عنوان یک عضو کلیدی از این خاندان مقدس معرفی می‌کند.

۵. تأکید بر وحدت

در بخش پایانی شعر، شاعر به موضوع وحدت مسلمانان اشاره کرده و بیان می‌کند: «شیعه و سنی ندانم، دوستم با هر که او دوست باشد». این بیان، نشان دهنده‌ی دیدگاه

در مجموع، اشعار شیخ رضا طالبانی کرکوکى، امام حسین علیه السلام را نماد عشق، فداکارى و ایثار معرفى کرده و او را به عنوان یک شخصیت والا در تاریخ اسلام مى ستاید. همچنین شاعر با تأکید بر وحدت مسلمانان، پیام عاشورا را فراتر از اختلافات مذهبى دانسته و بر اهمیت محبت و دوستى تأکید مى کند.

«**علامه اقبال لاهوری**» از اندیشمندان اهل سنت، در شعر معروف خود «حسین حسین»، به مقام و شخصیت امام حسین علیه السلام اشاره کرده و او را نماد ایستادگی و فداکاری در راه حق می‌داند. در اشعار وی، امام حسین علیه السلام به‌عنوان یک قهرمان و الگوی آزادی‌خواهی معرفی می‌شود که برای حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی، جان خود را فدای حق کرد. همچنین علامه اقبال در وصف امام حسین علیه السلام و فلسفه قیام عاشورا تحت عنوان «رمز قرآن، از حسین علیه السلام آموختیم»، سروده‌ای بس زیبا دارد:

آن امام عاشقان پرور بتول
الله بای بسم الله، پدر
چون خلافت رشته از قرآن گسیخت
خون آن سر، جلوه خیر الامم
بر زمین کربلا بارید و رفت
تا قیامت قطع استبداد کرد
بهر حق در خاک و خون گردیده است
مدعایش سلطنت بودی اگر
دشمنان چون ریگ صحرا، لا تعد
سر ابراهیم و اسماعیل بود
عزم او چون کوهساران استوار

سرو آزادی از بستان رسول
معنی ذبح عظیم آمد پسر
حریت را زهر اندر کام ریخت
چون سحاب قبله باران در قدم
لاله در ویرانه‌ها کارید و رفت
موج خون او چمن ایجاد کرد
پس بنای «لا اله» گردیده است
خود نکردی با چنین سامان سفر
دوستان او به یزدان هم عدد
یعنی آن اجمال را تفصیل بود
پایدار و تند سیر و کامکار

تیغ بهر عزت دین است و بس	مقصد او حفظ آیین است و بس
خون او تفسیر این اسرار کرد	ملت خوابیده را بیدار کرد
تیغ «لا» چون از میان برون کشید	از رگ ارباب باطل، خون کشید
نقش «الا الله» بر صحرا نوشت	سطر عنوان نجات ما نوشت
رمز قرآن از حسین آموختیم	ز آتش او شعله‌ها افروختیم
وکت نام و فر بغداد رفت	سطوت غرناطه هم از یاد رفت
تار ما از زخمه‌اش لرزان هنوز	تازه از تکییر او ایمان هنوز
ای صبا! ای پیک دورافتادگان!	اشک ما بر خاک پاک او رسان

(اقبال لاهوری، ۱۳۸۴ ش: ۷۴-۷۵).

اشعار علامه اقبال لاهوری درباره امام حسین علیه السلام، به وضوح نشان‌دهنده‌ی ارادت عمیق او به این شخصیت بزرگ تاریخ اسلام و تأثیرات عمیق قیام عاشورا بر جامعه اسلامی است. در این اشعار، علامه اقبال از جنبه‌های مختلف به ستایش امام حسین می‌پردازد و او را نماد ارزش‌های والای انسانی و دینی معرفی می‌کند.

چند جنبه کلیدی که در این اشعار قابل مشاهده است، عبارت‌اند از:

۱. مظلومیت و فداکاری

اقبال به مظلومیت امام حسین علیه السلام اشاره می‌کند و او را به‌عنوان «امام عاشقان» و «سرو آزادی» معرفی می‌کند. این توصیف‌ها نشان‌دهنده‌ی فداکاری و ایستادگی امام حسین علیه السلام در برابر ظلم و ستم است.

۲. نماد آزادی و حریت

او با بیان اینکه «حریت را زهر اندر کام ریخت»، امام حسین علیه السلام را نماد آزادی و حریت می‌داند. اقبال لاهوری به ظلمی که بر امام حسین علیه السلام رفته است اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که قیام او، برای احیای ارزش‌های انسانی و دینی بوده است.

۳. تأثیر قیام عاشورا

اقبال تأثیر قیام عاشورا بر تاریخ اسلام و جامعه را مورد تأکید قرار می‌دهد. او می‌گوید: «خون امام حسین، قطع استبداد کرد» و «موج خون او چمن ایجاد کرد» که نشان‌دهنده نقشی مؤثر قیام عاشورا در مبارزه با ظلم و فساد است.

۴. حفظ دین و آیین

اقبال به هدف امام حسین علیه السلام در حفظ دین و آیین اشاره می‌کند و می‌گوید: «مقصد او حفظ آیین است و بس». این بیان، نشان‌دهنده تعهد امام حسین علیه السلام به اصول دینی و اخلاقی است.

۵. نقش امام حسین علیه السلام در قرآن

اقبال لاهوری به تأثیر آموزه‌های امام حسین علیه السلام بر قرآن اشاره می‌کند و می‌گوید: «رمز قرآن از حسین آموختیم». این جمله، نشان‌دهنده ارتباط عمیق بین قیام عاشورا و آموزه‌های دینی است.

۶. احیای روح ایمان

او به قدرت قیام امام حسین علیه السلام در احیای روح ایمان اشاره می‌کند و بیان می‌کند که از شعله‌های آتش امام حسین علیه السلام «شعله‌ها افروختیم». این نشان‌دهنده تأثیر قیام عاشورا بر تقویت ایمان مسلمانان است.

در مجموع، اقبال با اشعار خود، امام حسین (ع) را نماد آزادی، حریت، فداکاری، ایستادگی در برابر ظلم، حفظ دین و ارزش‌های انسانی معرفی می‌کند. او به‌وضوح نشان می‌دهد که قیام عاشورا نه تنها یک واقعه تاریخی، بلکه یک منبع الهام برای مبارزه با ظلم و احیای ارزش‌های انسانی است.

«جلال‌الدین مولوی»، مولانا و شاعر بزرگ فارسی‌گوی اهل سنت نیز در دیوان شمس، اشارات متعددی به واقعه کربلا دارد. غزلی از سروده‌های وی را که اغلب با آن آشنا هستیم، در زیر می‌آوریم:

کجایید ای شهیدان خدایی
کجایید ای سبک‌روحان عاشق
کجایید ای شهبان آسمانی
کجایید ای زجان و جان‌رهیده

بلاجویان دشت کربلایی
پرنده‌تر از مرغان هوایی
بدانسته فلک را در کشایی
کسی مر عقل را گوید: کجای؟

کجایید ای در مخزن گشاده کجایید ای نوای بی‌نوایی
 در آن بحرید کین عالم کف اوست زمانی پیش دارید آشنایی
 کف دریاست صورتهای عالم ز کف بگذر اگر اهل صفایی
 (مولوی، ۱۳۸۴ش: ۵۶/۶ غزل ۲۷۰۷).

اشعار مولانا جلال‌الدین رومی در این قطعه، به‌وضوح ارادت و محبت او به امام حسین (ع) و ویژگی‌های برجسته‌ای که برای او قائل است را نشان می‌دهد. در این شعر، مولانا به ابعاد مختلف شخصیت امام حسین (ع) و پیام عاشورا پرداخته و او را منشأ نمادهای خاص معرفی می‌کند.

جنبه‌های ستایش و توصیف امام حسین (ع) در اشعار مولانا عبارت‌اند از:

۱. شهادت و فداکاری

با اشاره به «کجایید ای شهیدان خدایی»، مولانا به مقام والای شهیدان کربلا و فداکاری آنان در راه حق اشاره می‌کند. این بیان نشان‌دهنده ارادت او به شهدای کربلا و تأکید بر اهمیت جان‌فشانی در راه خداست.

۲. عشق و شوق

تعبیر «پرنده‌تر از مرغان هوایی»، به روح آزاد و سبک‌رویی امام حسین (ع) اشاره دارد. این توصیف، نشان‌دهنده عشق عمیق او به خداوند و آزادی روحانی است که امام حسین (ع) را از دیگران متمایز می‌کند.

۳. مقام آسمانی

با اشاره به «کجایید ای شهبان آسمانی»، مولانا امام حسین (ع) و یارانش را در مقام‌های بلند و آسمانی قرار می‌دهد. این بیان، نشان‌دهنده جایگاه ویژه آنان در نزد خداوند و در عالم معنوی است.

۴. آزادی و رهایی

عبارت «کجایید ای ز جان و جان رهیده»، به مفهوم رهایی از قیدوبندهای دنیوی اشاره دارد. امام حسین (ع) به‌عنوان یک الگو، نشان‌دهنده انسانی است که از دنیا رها شده و به‌سوی حقیقت می‌رود.

۵. آگاهی و بصیرت

با بیان «کسی مرعقل را گوید: کجایی؟»، مولانا به بصیرت و آگاهی امام حسین

اشاره می‌کند و او را انسانی که به عمق حقایق پی برده و در مسیر حقیقت قرار دارد، معرفی می‌کند.

۶. سخن از وحدت

مولوی در انتهای شعر، با اشاره به «کف دریاست صورتهای عالم»، به مفهوم وحدت و یکپارچگی عالم اشاره می‌کند. او با دعوت به گذر از ظواهر دنیوی، انسان‌ها را به سمت صفا و پاکی دعوت می‌کند.

در مجموع، جلال الدین رومی در این اشعار، امام حسین علیه السلام را نماد فداکاری، عشق، آزادی، آگاهی و بصیرت معرفی کرده و او را در مقام‌های بلند معنوی قرار می‌دهد. این توصیف‌ها نشان‌دهنده ارزش‌های انسانی و دینی است که امام حسین علیه السلام نماینده آن‌هاست و پیام عاشورا را فراتر از زمان و مکان می‌داند.

«عطار نیشابوری» شاعر و عارف بزرگ پارسی‌گوی اهل سنت، متولد قرن ششم هجری، در مصیبت‌نامه خود درباره امام حسین علیه السلام نیز چنین سروده است:

کیست حق را و پیغمبر را ولی	آن حسن سیرت حسین بن علی
آفتاب آسمان را معرفت	آن محمد صورت و حیدر صفت
نه فلک را تا ابد مخدوم بود	ز آن‌که او سلطان ده معصوم بود
آن محمد صورت و حیدر صفت	نه فلک را تا ابد مخدوم بود
ز آن‌که او سلطان ده معصوم بود	قرة العین امام مجتبی علیه السلام

شاهد زهرا شهید کربلا

تشنه او را دشنه آغشته به خون	نیم کشته گشته سرگشته به خون
آن چنان سر خود که برد بی‌دریغ؟	کافتاب او در آن شد زیر میغ
گیسوی او تا به خون‌آلوده شد	خون گردون از شفق پالوده شد
کی کنند این کافران با این‌همه	کو محمد؟ کو علی؟ کو فاطمه؟
صد هزاران جان پاک انبیا	صف زده بینم به خاک کربلا
در تموز کربلا تشنه‌جگر	سر بریدندش چه باشد زین بتر؟

با جگر گوشه پیغمبر این کنند وانگهی دعوی داد و دین کنند
 کفر آید هر که این را دین شمرد قطع باد از بن زبانی کاین شمرد
 هر که در رویی چنین آورد تیغ لعنتم از حق بدو آید دریغ
 کاشکی، ای من سگ هندوی او کم‌ترین سگ بودمی در کوی او

(نک: مصیبت‌نامه عطار، بخش ۱۶، فی فضیله حسین رضی الله عنه؛ مجاهدی، ۱۳۷۹ش: ۶۲ و ۶۳).

اشعار عطار نیشابوری درباره امام حسین (ع)، به‌وضوح نشان‌دهنده ارادت و محبت عمیق او به این شخصیت بزرگ تاریخ اسلام است. در این اشعار، عطار نیشابوری، حسین بن علی (ع) را از جنبه‌های مختلف ستایش کرده و او را نماد ارزش‌های والای انسانی و دینی معرفی می‌کند.

جنبه‌های ستایش و توصیف امام حسین (ع) در اشعار عطار نیشابوری:

۱. نماد حق و حقیقت

عطار حسین (ع) را «حق» و «پیغمبر» می‌داند و او را آفتابِ آسمانِ معرفت معرفی می‌کند. این توصیف، نشان‌دهنده جایگاه والای امام حسین (ع) در دین اسلام و نقش او در تبیین حقایق دینی است.

۲. فداکاری و ایثار

با اشاره به سرنوشت امام حسین (ع) در کربلا، عطار به فداکاری او در راه حق و حفظ دین اشاره می‌کند. او به «تشنگی» و «شهادت امام حسین (ع)» پرداخته و این مظلومیت را به‌عنوان یک نماد از ایثار و فداکاری در راه خداوند معرفی می‌کند.

۳. نسبت به اهل بیت (ع)

عطار به نسبت امام حسین (ع) با پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) اشاره می‌کند و او را جگر گوشه پیغمبر می‌نامد. این بیان، نشان‌دهنده مقام والای اهل بیت (ع) در دین اسلام است.

۴. مبارزه با کفر و ظلم

عطار به کفر و ظلمی که بر امام حسین علیه السلام رفته است، اشاره کرده و آن را محکوم می‌کند. او با بیان اینکه «کفر آید هر که این را دین شمرد»، به بی‌عدالتی‌هایی که در کربلا رخ داده، اعتراض می‌کند.

۵. عشق و ارادت

در پایان اشعار، عطار خود را به‌عنوان «سگ هندوی او» معرفی می‌کند که نشان‌دهنده‌ی عشق و ارادت عمیق او به امام حسین علیه السلام است این بیان، نشان‌دهنده‌ی تواضع و فروتنی شاعر در برابر مقام امام حسین علیه السلام است.

در مجموع، عطار نیشابوری با اشعار خود، امام حسین علیه السلام را نماد حق، حقیقت، فداکاری، ایثار و مبارزه با ظلم معرفی می‌کند. او به‌وضوح نشان می‌دهد که قیام عاشورا نه تنها یک واقعه تاریخی، بلکه یک منبع الهام برای مبارزه با ظلم و احیای ارزش‌های انسانی و دینی است.

نتایج

اشعار اهل سنت به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی مقام والای امام حسین علیه السلام در ادبیات اهل سنت هستند. شعرای بزرگ فارسی و عربی زبان در آثار خود، شخصیت امام حسین علیه السلام را با ابعاد مختلف و از زوایای گوناگون به تصویر کشیده‌اند. این تصویرسازی‌ها شامل ویژگی‌های انسانی، روحانی، اخلاقی و اجتماعی امام حسین علیه السلام است و معمولاً بر اساس واقعه عاشورا و پیام‌های آن شکل می‌گیرد.

شعرای بزرگ با تأکید بر مبارزات امام حسین علیه السلام علیه ظلم و فساد و مقام والای شهادت وی، او را نماد آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی می‌دانند و به‌عنوان یک قهرمان ملی و دینی معرفی می‌کنند که جان خود را در راه حق، فدای اصول انسانی و اسلامی کرد. همچنین شاعران اهل سنت با استفاده از زبان شعر، احساسات عمیق خود نسبت به امام حسین علیه السلام را به شکلی زیبا و مؤثر بیان کرده‌اند. آن‌ها با تأکید بر ویژگی‌های انسانی، اخلاقی و اجتماعی او، تلاش کرده‌اند تا مقام والای این شخصیت بزرگ اسلامی را گرمی بدارند و پیام عاشورا را به نسل‌های آینده منتقل کنند. این اشعار نه تنها به ترویج محبت و احترام نسبت به امام حسین علیه السلام کمک کرده، بلکه نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اسلامی و فرهنگی جامعه داشته است. این اشعار می‌توانند الهام‌بخش

جامعه باشند و پیام‌های عاشورا را به نسل‌های آینده منتقل کنند. در نهایت، اشعار شاعران اهل سنت درباره امام حسین (ع)، نه تنها به توصیف شخصیت ایشان می‌پردازند، بلکه پیام‌های عمیق اخلاقی و اجتماعی را نیز منتقل می‌کنند که همچنان در زندگی روزمره‌ی مسلمانان و دیگر انسان‌ها قابل استفاده است. این تحلیل‌ها می‌تواند به فهم بهتر جایگاه امام حسین (ع) در تاریخ اسلام و فرهنگ عمومی مسلمانان کمک کند.

سخن آخر

سخن آخر این است که امام حسین (ع) نه تنها به عنوان یک شخصیت مذهبی، بلکه به عنوان نمادی از ایستادگی در برابر ظلم و فداکاری برای اصول انسانی شناخته می‌شود. او نه تنها در تاریخ اسلام، بلکه در تاریخ بشریت جایگاه ویژه‌ای دارد. اشعار شاعران اهل سنت درباره ایشان، با بیان احساسات، روایت‌ها و پیام‌های اخلاقی، می‌تواند به ما کمک کند تا عمق فداکاری‌ها و آموزه‌های ایشان را بهتر درک کنیم و این ارزش‌ها را در زندگی خود به کار گیریم. با یادآوری و گرامیداشت یاد امام حسین (ع) می‌توانیم به تقویت همدلی، احترام متقابل و تعهد به اصول انسانی در جامعه‌مان بپردازیم. این پیام‌ها باید همواره در قلب و ذهن ما زنده بمانند، تا بتوانیم دنیایی بهتر و عادلانه‌تر بسازیم. در نهایت، باید همواره تلاش کنیم تا آموزه‌های امام حسین (ع) را در زندگی روزمره خود پیاده کنیم و از آن‌ها الهام بگیریم. این امر نه تنها به رشد فردی ما کمک می‌کند، بلکه می‌تواند تأثیر مثبتی بر جامعه و دنیای اطرافمان داشته باشد. بیایید با هم در راستای تحقق این ارزش‌ها گام برداریم.

منابع

۱. ابن الصباغ (۱۴۲۲ق)، الفصول المهمه، تحقيق: سامی الغریزی، دارالحديث.
۲. ابن عبدالبر، الاستيعاب (۱۴۱۲ق)، تحقيق: علی محمد البجاوی، دار الجبل، بیروت.
۳. احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۷۹ش)، اشک خون، به نقل از: امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت، نشر ویستا، تهران.
۴. اقبال لاهوری، محمد (۱۳۸۴ش)، کلیات اشعار فارسی، تصحیح: احمد سروش، رموز بیخودی، انتشارات الهام.
۵. اورامی، شاهرخ (۱۳۸۹ش)، ولای حسین، مجموعه اشعار شعرای کرد اهل سنت، اشک یاس، قم.
۶. بخاری، ابو عبدالله (۱۸۶۳م)، صحیح بخاری، تحقيق: نواف الجراح، دار الصادر بیروت.
۷. بلخی (مولوی)، مولانا جلال الدین محمد (۱۳۸۴ش)، کلیات شمس تبریزی، مصحح: بدیع الزمان فروزان فر، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، تهران.
۸. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۴۲۲ق)، مستدرک الصحيحین، تحقيق: دکتر محمود مطرجی، الطبعة الاولى، دارالفکر، بیروت.
۹. حلوانی، حسین محمد (۱۴۰۸ق)، نزهه الناظره، قم، مدرسه الامام المهدی.
۱۰. الزرنندی حنفی، محمد بن یوسف (بی تا)، معارج الوصول، تحقيق: ماجد بن احمد عطیه.
۱۱. طالبانی، شیخ رضا (۱۹۴۶م)، دیوان شیخ الرضا طالبانی، سایت ویکی فقه، ۱۳۸۹ش، دانشنامه کلام و عقاید، برگرفته از مقاله «اشعار اهل سنت در سوگ امام حسین علیه السلام».
۱۲. مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۹ش)، شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی، چاپ اول، نشر پیک جلال.
۱۳. المصطاوی، عبدالرحمن (۱۴۲۵ق)، دیوان الامام الشافعی، دارالمعرفه، لبنان، بیروت.
۱۴. نیشابوری، فریدالدین عطار، مصیبت نامه، بخش ۱۶، فی فضیله حسین رضی الله عنه.

۱۵. الهیثمی، علی بن ابی بکر (۱۴۰۸ق)، مجمع الزوائد، تحقیق: محمد عبدالقادر احمد عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت.

سایت

۱۶. الصفار، محمد، الإمام الحسین فی الشعر المصری، ۲۳/۰۲/۲۰۱۵، قابل دسترسی در:

<https://imamhussain.org/arabic/6964>.

محبت اهل سنت نسبت به خاندان پیامبر به‌ویژه امام حسین علیه السلام

علی افروخته^۱

چکیده

اهل سنت نسبت به خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، به‌ویژه امام حسین علیه السلام، احترام ویژه‌ای قائل هستند. امام حسین علیه السلام در تاریخ اسلام به‌عنوان سمبل ایستادگی و فداکاری در برابر ظلم شناخته می‌شود و واقعه عاشورا که به شهادت امام حسین علیه السلام منجر شد، تأثیر عمیق و ماندگاری در فرهنگ و تاریخ مسلمانان - اعم از شیعه و سنی - داشته است. اهل سنت نیز به‌خوبی از ابعاد مختلف شخصیت امام حسین علیه السلام آگاهی دارند. آن‌ها به‌عنوان یک شخصیت مبارز و انسانی که برای حق و عدالت جان خود را فدای اهداف بزرگ کرد، او را می‌ستایند. در کتاب‌های تاریخی و مذهبی اهل سنت، همچون «تاریخ طبری» و «مناقب آل ابی‌طالب»، به زوایای مختلف زندگی و فداکاری‌های امام حسین علیه السلام اشاره شده است.

احترام اهل سنت به خاندان پیامبر نه‌تنها به امام حسین علیه السلام محدود نمی‌شود، بلکه شامل سایر اهل‌بیت نیز می‌شود. در مراسم‌ها و مناسبت‌هایی مانند عاشورا، اهل سنت نیز با برگزاری مجالس و ذکر فضائل امام حسین علیه السلام، ارادت خود را به وی نشان می‌دهند. این نشان‌دهنده آن است که هر دو گروه مسلمان، به ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی که امام حسین علیه السلام در پی گسترش آن‌ها بود، اعتقاد دارند.

از نظر اجتماعی نیز اهل سنت و شیعه در بسیاری از کشورها - به‌ویژه در ایران و عراق - با برگزاری مراسم‌های مشترک عاشورا و سایر مناسبت‌های مذهبی، محبت و همبستگی خود نسبت به امام حسین علیه السلام و خاندان ایشان را نشان می‌دهند.

کلیدواژگان: محبت، احترام، فداکاری، عدالت، اهل‌بیت، عاشورا.

۱. ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد بندرعباس. alirezaafrookhteh1400@gmail.com

در سپهر تاریخ اسلام، شخصیت‌هایی انگشت‌شمار با چنان تابش و درخششی ظاهر شده‌اند که نام و یادشان فراتر از زمان و مکان، در قلب و جان مسلمانان و حتی غیرمسلمانان حک شده است. امام حسین علیه السلام، نوه گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سید جوانان اهل بهشت، یکی از این چهره‌های بی‌بدیل است. شخصیتی که با قیام خود در کربلا، نه تنها تاریخ اسلام، بلکه وجدان بشریت را نیز تحت تأثیر قرار داد. اگرچه واقعه عاشورا و شهادت مظلومانه امام حسین علیه السلام به عنوان محوری‌ترین رویداد در مذهب تشیع شناخته می‌شود، اما جایگاه و منزلت این شخصیت والا، فراتر از مرزهای مذهبی، در قلب و ذهن بسیاری از مسلمانان اهل سنت نیز ریشه دوانده است. این ارادت و محبت، نه صرفاً یک احترام گذرا، بلکه بر پایه‌های مستحکم آموزه‌های اصیل اسلامی و تجلیل از خاندان نبوت استوار است (ابن کثیر، ۱۹۹۹م: ۱۶۱/۸).

مقاله حاضر، با هدف بررسی عمیق و دقیق این موضوع مهم، به کاوشی پژوهشگرانه در منابع و متون معتبر اهل سنت می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش، نمایاندن این حقیقت است که محبت و ارادت به امام حسین علیه السلام در میان اهل سنت، نه تنها پدیده‌ای اتفاقی یا صرفاً واکنشی احساسی، بلکه بازتابی از احترام و تجلیل از جایگاه والای ایشان در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است. این بررسی، با استناد به منابع دست اول تاریخی (طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۱/۵)، روایات حدیثی معتبر (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۳/۱۳۸۰؛ مسلم، ۱۴۱۵ق: ۷/۱۲۰) و دیدگاه‌های فقهی علمای برجسته اهل سنت (غزالی، ۱۴۱۷ق: ۱/۱۲۳؛ قرطبی، ۱۴۰۸ق: ۱۸/۲۶۶)، سعی در ارائه تصویری جامع و مستند از جایگاه امام حسین علیه السلام در باورها و فرهنگ اهل سنت دارد. علاوه بر این، مقاله به بررسی مظاهر و مصادیق عملی این محبت و ارادت در آداب و رسوم، ادبیات و فرهنگ عامه مسلمانان اهل سنت خواهد پرداخت.

اهمیت این پژوهش در عصر حاضر که شاهد چالش‌های فراوانی در جهان اسلام هستیم، دوچندان می‌شود. در دورانی که تفرقه‌افکنی و تعصبات مذهبی به ابزاری برای ایجاد اختلاف و خشونت تبدیل شده‌اند، تأکید بر نقاط مشترک میان مذاهب اسلامی، از جمله محبت به اهل بیت علیهم السلام، امری ضروری است. این مقاله، با رویکردی وحدت‌گرا و مبتنی بر مستندات تاریخی و دینی، به دنبال تبیین این حقیقت است که عشق و

احترام به امام حسین (ع)، می‌تواند پلی محکم برای ایجاد تفاهم و همدلی بین مسلمانان باشد و راه را برای غلبه بر اختلافات مذهبی هموار سازد (نک: ابن تیمیه، ۱۴۱۸ق: ۳۲۱/۴).

در این پژوهش، تلاش خواهیم کرد تا به سؤالات زیر پاسخ دهیم: جایگاه و منزلت امام حسین (ع) در منابع معتبر اهل سنت، به‌ویژه در قرآن، حدیث و تاریخ، چگونه توصیف شده است؟ چه روایات و نقل‌هایی در خصوص فضائل و مناقب امام حسین (ع) در کتب معتبر اهل سنت وجود دارد؟ مظاهر محبت و ارادت اهل سنت به امام حسین (ع)، در عمل چگونه تجلی می‌یابد؟ چه عواملی سبب شده است که امام حسین (ع) در میان اهل سنت نیز مورد احترام و تجلیل قرار گیرد؟ و در نهایت، چگونه می‌توان از این وجه اشتراک برای تقویت وحدت و همبستگی در جهان اسلام بهره برد.

پیشینه تحقیق

بسیاری از علما و دانشمندان اهل سنت به تمجید از فضایل و کرامات امام حسین (ع) پرداخته‌اند و روایات وارده در حق ایشان توسط رسول اکرم (ص) را نقل کرده و قیام آن حضرت را عامل احیای مجدد اسلام محمدی می‌دانند. فضایل و اصول اخلاقی ایشان علی‌رغم تعریف جایگاه در بین شیعیان، در بسیاری از مذاهب دیگر اسلامی و حتی ادیان دیگر، به‌عنوان الگو و اسوه شمرده می‌شود. فضایل حسین بن علی (ع) چنان در منابع اهل سنت ذکر شده است که اشاره به تمام آن‌ها، کتاب جداگانه‌ای می‌طلبد. در این مختصر تنها به گوشه‌ای از این فضایل اشاره می‌شود.

حسین بن علی (ع) بیست‌وپنج مرتبه پیاده حج گذاشت. ایشان پس از شهادت حسن (ع)، هرساله از مدینه به قصد حج با پای پیاده به مکه می‌رفت. بسیار اهل نماز، روزه، حج و دادن صدقات بود. از ابوهریره و او هم از پیامبر نقل کرده است: «ایشان دست حسین را در دست می‌گرفت و او را روی پاها و سینه خود بلند می‌کرد و می‌فرمود: ای کوتاه‌پا، بیا بالا ای چشم‌پشه، خدایا من او را دوست دارم تو هم او را دوست بدار».

ابن اثیر، حسین بن علی (ع) را این‌گونه خطاب می‌کند: «از بزرگان و بلندمرتبه‌گان عرب»، لقب سید جوانان اهل بهشت و پنجم آل کسا، از معروف‌ترین عباراتی است که در منابع اهل سنت از زبان پیامبر اسلام درباره حسین بن علی (ع) صادر شده است. یا شخص پیامبر، حسنین (ع) را ریحانه خود در دنیا معرفی کرده است (ابن اثیر، ۱۴۱۴ق:

ابو احمد عسکری از اوزاعی در خصوص حدیث آل کسا نقل می‌کند: «در مورد هیچ شخصی غیر از پیامبر، علی، فاطمه، حسنین این فضیلت را نشنیده‌ام» (ابن کثیر، ۱۹۹۹م: ۲۰۰/۸-۲۱۰). وی وقایع تاریخی اسلام و به‌ویژه قیام عاشورا را بررسی کرده و تجلیل و محبت به امام حسین علیه السلام را در کلام صحابه و اهل بیت علیهم السلام به تصویر کشیده است. او به بررسی روایات معتبر و تأثیر قیام عاشورا بر تاریخ اسلام پرداخته و علاقه اهل سنت به امام حسین علیه السلام را به‌عنوان حقیقتی غیرقابل انکار بیان کرده است.

طبری در کتاب «تاریخ الأمم و الملوک» به تفصیل، به وقایع تاریخی اسلام و به‌ویژه قیام امام حسین علیه السلام و رویدادهای کربلا پرداخته است. او روایات مختلف از اهل سنت و شیعه را ثبت کرده و به تأثیرات این قیام در وحدت اسلامی و باورهای دینی اشاره کرده است (طبری، ۱۳۸۷: ۳۳۸/۵-۴۶۷).

بخاری در «صحیح البخاری» که به‌عنوان یکی از معتبرترین منابع احادیث اسلامی نزد اهل سنت شناخته می‌شود، روایاتی در مورد فضائل و مناقب امام حسین علیه السلام آورده است. بخاری با استناد به شواهد قوی، جایگاه امام حسین علیه السلام را در تاریخ اسلام و میان مسلمانان اهل سنت مورد تأکید قرار داده است (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۲۱۹/۴-۲۲۱). مسلم نیز در کتاب «صحیح مسلم» احادیث و روایاتی معتبر در زمینه فضائل امام حسین علیه السلام و وقایع عاشورا آورده است (مسلم نیشابوری، ۱۴۱۵ق: ۱۸۸۳/۴-۱۸۸۵).

غزالی در «احیاء علوم الدین»، به مباحث فرهنگی و اجتماعی مسلمانان و فضائل اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه امام حسین علیه السلام - پرداخته است (غزالی، ۱۴۱۷ق: ۴۸۷/۴-۴۹۰). قرطبی در «الجامع لأحكام القرآن» با استناد به آیات و احادیث، به جایگاه امام حسین علیه السلام در قرآن و تأثیر آن بر جامعه اسلامی اشاره کرده است (قرطبی، ۱۴۰۸ق: ۱۳۲/۱۶-۱۳۵).

این موارد، تنها بخشی از منابع و نقل‌قول‌های معتبر در خصوص امام حسین علیه السلام در میان اهل سنت است. محبت و احترام به امام حسین علیه السلام نه تنها به‌عنوان یک شخصیت تاریخی، بلکه به‌عنوان یک نماد اخلاقی و دینی در میان اهل سنت مطرح است.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر با هدف بررسی محبت اهل سنت به امام حسین علیه السلام و تحلیل تأثیرات آن در تاریخ و فرهنگ اسلامی انجام می‌شود. برای جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل

داده‌ها، از روش تحقیق کیفی و توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در ادامه، مراحل مختلف روش تحقیق به تفصیل شرح داده می‌شود:

مبانی تاریخی و فرهنگی: عشق و ارادت به اهل بیت علیهم‌السلام، به‌ویژه امام حسین علیه‌السلام، بخش جدانشدنی از فرهنگ اسلامی است. چندین محقق در این زمینه بر این نکته تأکید دارند که حادثه عاشورا نه تنها یک رویداد تاریخی، بلکه یک نماد فرهنگی و اجتماعی برای مسلمانان به حساب می‌آید. ابن کثیر به‌خوبی این مسئله را توضیح داده است. به همین دلیل، بسیاری از پژوهشگران به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی این واقعه در تاریخ اسلام پرداخته‌اند (ابن کثیر، همان: ۲۰۰/۸-۲۱۲).

روایات و احادیث: بسیاری از احادیث موجود در کتب معتبر اهل سنت، به فضائل و مناقب امام حسین علیه‌السلام اشاره دارند. به‌عنوان مثال، در صحیح بخاری و صحیح مسلم، به نقل از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «حسین از من است و من از حسینم» (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۴؛ مسلم نیشابوری، ۱۴۱۵ق: ۱۸۸۴/۴). این احادیث نشان‌دهنده احترام عمیق پیامبر به امام حسین علیه‌السلام و تأثیر این ارادت بر پیروان اوست. پژوهشگران با بررسی چنین روایاتی به تحلیل جایگاه امام حسین علیه‌السلام در تفکر اهل سنت پرداخته‌اند.

نظرات علمای اهل سنت: علمای اهل سنت نیز با محوریت احترام به اهل بیت علیهم‌السلام، به‌ویژه امام حسین علیه‌السلام، نظراتی ارزنده بیان کرده‌اند. ابن تیمیه در «مجموعه الفتاوی» به این نکته اشاره دارد که محبت به اهل بیت علیهم‌السلام از جمله امام حسین علیه‌السلام، نه تنها یک فضیلت، بلکه وظیفه‌ای دینی و اجتماعی محسوب می‌شود (ابن تیمیه، ۱۴۱۸: ۴۶۶/۴-۴۶۸). این رویکرد می‌تواند به‌عنوان یک بستر فکری مهم برای بررسی محبت اهل سنت به امام حسین علیه‌السلام، مورد استفاده قرار گیرد.

تحلیل‌های اجتماعی و روان‌شناختی: برخی از پژوهشگران به تحلیل‌های اجتماعی و روان‌شناختی در زمینه محبت اهل سنت به امام حسین علیه‌السلام نگاهی ویژه داشته‌اند. در این راستا، مطالعه رفتارها و مراسم مربوط به عاشورا و تأثیرات آن بر همبستگی اجتماعی مسلمانان از منظرهای مختلف بررسی شده است (غزالی، همان: ۴۸۷/۴-۴۹۰). این تحلیل‌ها به‌خوبی نشان می‌دهند که محبت به امام حسین علیه‌السلام در شکل‌گیری هویت و فرهنگ عمومی مسلمانان نقش اساسی دارد.

نسخه‌های ادبی و شعری: شعرا و نویسندگان اهل سنت نیز با سرودن اشعار و نوشتن متون ادبی در مدح امام حسین علیه‌السلام، نشان داده‌اند که این محبت تنها محدود به

کلام نبوده و به یک پدیده گسترده فرهنگی تبدیل شده است. اشعار و نوشتارهای ادبی به عنوان ابزاری برای انتقال احساسات و باورهای مذهبی به نسل‌های بعدی عمل کرده و نشان‌دهنده ارادت عمیق اهل سنت به امام حسین (ع) هستند (قرطبی، همان: ۱۳۲/۱۶-۱۳۵).

در مجموع، ادبیات تحقیق نشان‌دهنده وجود چارچوبی متنوع و غنی برای درک و تحلیل محبت اهل سنت به امام حسین (ع) است. پژوهشگران و نویسندگان از منظرهای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، دینی و ادبی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند و نتایج به‌دست‌آمده، بسترهای مناسبی برای پژوهش‌های آینده در این زمینه فراهم می‌آورد. این ادبیات همچنین تأکید بر ضرورت همبستگی بین مذاهب اسلامی و اهمیت اتحاد مسلمانان در برابر چالش‌های جهانی دارد.

تحلیل عمیق‌تر دیدگاه علمای اهل سنت

در بررسی آراء علمای اهل سنت، مشخص شد که محبت به اهل بیت (ع) نه تنها یک امر عاطفی، بلکه یک وظیفه شرعی است. ابن تیمیه در «مجموعه الفتاوی» به صراحت بیان می‌کند که محبت به اهل بیت (ع) -از جمله امام حسین (ع)- جزئی از ایمان است و کسانی که این محبت را در دل ندارند، در دین خود نقصان دارند (ابن تیمیه، ۱۴۱۸ق). این دیدگاه توسط بسیاری از علمای دیگر اهل سنت نیز تأیید شده است. علمای اهل سنت با استناد به آیات قرآن و احادیث نبوی تأکید می‌کنند که محبت به اهل بیت (ع)، از جمله ارکان ایمان است و همگان باید به این امر مقید باشند. از سوی دیگر، آن‌ها به شدت از هرگونه اهانت و بی‌احترامی به اهل بیت (ع) بر حذر داشته‌اند.

بازتاب‌های فرهنگی و اجتماعی گسترده‌تر

محبت اهل سنت به امام حسین (ع) فراتر از ابراز احساسات مذهبی در مناسبت‌های خاص، در تمامی ابعاد فرهنگی و اجتماعی آنان ریشه دوانده است. در ادبیات و شعر، اشعار و قصائد فراوانی در مدح و منقبت امام حسین (ع) سروده شده است. این اشعار نه تنها بیانگر عشق و ارادت به ایشان، بلکه نمادی از فرهنگ مقاومت در برابر ظلم و استبداد است. در هنر، هنرمندان مسلمان اهل سنت با الهام از حماسه عاشورا، آثار هنری خلق کرده‌اند که نشان‌دهنده تأثیر این واقعه بر روح و روان آنان است. در فرهنگ عامه نیز نام «حسین» به عنوان یک نام پربرکت و مورد احترام، به وفور استفاده

می‌شود و در مراسم‌های مختلف از جمله مولودی‌ها و عزاداری‌ها، به یاد ایشان گرمی داشته می‌شود.

واکاوی نقش امام حسین (ع) در ایجاد وحدت اسلامی

واقعۀ عاشورا، با وجود تراژدی‌های فراوان، به یک نقطه مشترک و وحدت‌بخش برای مسلمانان تبدیل شده است. امام حسین (ع) نه تنها به‌عنوان یک شهید مظلوم، بلکه به‌عنوان نماد مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی در طول تاریخ مورد احترام قرار گرفته است. مسلمانان -فارغ از مذهب و قومیت-، در عشق به امام حسین (ع) اشتراک نظر دارند و این امر به تقویت همبستگی و برادری بین آنان کمک می‌کند. مراسم‌های عزاداری برای امام حسین (ع) که در بسیاری از مناطق با مشارکت اهل سنت برگزار می‌شود، به نمادی از وحدت امت اسلامی تبدیل شده است. این مراسم‌ها فرصتی برای یادآوری ارزش‌های انسانی و اسلامی است که امام حسین (ع) جان خود را برای آن‌ها فدا کرد.

بررسی چالش‌ها و محدودیت‌های تحقیق با دیدی بازتر

در این پژوهش، با چالش‌ها و محدودیت‌های خاصی روبرو بودیم. یکی از چالش‌های مهم، محدودیت در دسترسی به منابع دست‌اول و متون قدیمی بود که گاهی اوقات باعث می‌شد تا تفسیرها و تحلیل‌ها با احتیاط بیشتری صورت گیرد. همچنین، وجود برخی دیدگاه‌های متفاوت در میان علمای اهل سنت در مورد جزئیات تاریخی و فقهی، ایجاد می‌کرد تا از رویکردی چندوجهی و جامع برای تحلیل داده‌ها استفاده شود. تلاش شد تا با بررسی دقیق و بی‌طرفانه منابع، یک تصویر روشن و جامع از موضوع ارائه شود.

نتیجۀ گیری

محبت اهل سنت نسبت به خاندان پیامبر (ص) به‌ویژه امام حسین (ع)، نشان‌دهنده عمق ارتباط تاریخی و فرهنگی میان مذاهب مختلف اسلامی است. امام حسین (ع) به‌عنوان نماد ایستادگی، فداکاری و مبارزه در برابر ظلم و بی‌عدالتی، در تاریخ اسلام جایگاهی ویژه دارد که احترام و ارادت به ایشان را در میان اهل سنت نیز تقویت می‌کند.

این تحقیق با مرور منابع معتبر اهل سنت نشان می‌دهد که احترام به امام حسین (ع) تنها به‌عنوان یک شخص تاریخی مطرح نیست، بلکه بخشی از اعتقادات و فرهنگ اسلامی را تشکیل می‌دهد. علمای اهل سنت با بیان فضایل و کرامات امام

حسین (ع) و نقل روایات پیامبر اسلام (ص) در مورد ایشان، به تقویت این ارتباط معنوی پرداخته‌اند.

در مراسم‌ها و مناسبت‌های مذهبی مشترک، اهل سنت با برگزاری مجالس و ذکر فضایل امام حسین (ع)، ارادت خود را به وی نشان می‌دهند. این مراسم‌ها نمادی از وحدت و همبستگی میان مسلمانان است و به تقویت روحیه همکاری و تفاهم میان مذاهب اسلامی کمک می‌کند.

در نهایت، محبت اهل سنت نسبت به خاندان پیامبر (ص) به‌ویژه امام حسین (ع)، نمایانگر احترام عمیق به ارزش‌های اسلامی چون ایستادگی در برابر ظلم، عدالت‌خواهی و فداکاری برای حق است. این محبت می‌تواند به‌عنوان یک پل ارتباطی میان مذاهب مختلف اسلامی عمل کند و به تقویت وحدت و همبستگی مسلمانان در مواجهه با چالش‌های جهانی کمک کند.

منابع

کتاب‌ها

۱. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۱۴ق)، اسد الغابۃ فی معرفۃ الصحابۃ، دار الفکر، بیروت.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۱ق)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم، دار الکتب العلمیۃ.
۳. ابن کثیر، اسماعیل (۱۹۹۷)، البدایۃ والنہایۃ، بیروت: دار الفکر.
۴. ابن کثیر، اسماعیل (۱۹۹۹م)، البدایۃ والنہایۃ، دار ابن کثیر.
۵. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۸ق)، مجموعۃ الفتاوی، دار الوفاء.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق)، صحیح البخاری، دار طوق النجاء.
۷. ذہبی، شمس‌الدین (۱۹۸۱)، سیر أعلام النبلاء، بیروت: مؤسسۃ الرسالۃ.
۸. شهیدی، سید جعفر (۱۳۹۰)، زندگانی فاطمه زهرا علیہا السلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. طبری، (۱۳۸۷)، دارالتراث، بیروت.
۱۰. عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۳۸۵)، الصحیح من سیرۃ النبی الاعظم، قم: مرکز الاسلامی للدراسات.
۱۱. غزالی، محمد بن محمد (۱۴۱۷ هـ)، احیاء علوم الدین، دار المعرفۃ، بیروت.
۱۲. قرضاوی، یوسف (۲۰۱۴)، اهل البيت، فی حب اهل السنه، قاهره: دار الشروق.
۱۳. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۸ق)، الجامع لأحكام القرآن، دار الکتب المصریۃ.
۱۴. مدرسی، سید محمدتقی (۱۳۸۷)، اهل بیت در قرآن و حدیث، تهران: انتشارات محبان الحسین.
۱۵. مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۱۵ق)، صحیح مسلم، دار إحياء التراث العربی.

مقالات

۱۶. بهرامیان مسعود (۱۴۰۲)، سیمای امام حسین علیه السلام از منظر اهل سنت.
۱۷. صادقی، محمد (۱۳۹۶)، بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری محبت به اهل بیت علیهم السلام در بین اهل سنت، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی،

۱۸. عقیلی، سید احمد و ریگی، ثریا، قیام عاشورا از دیدگاه منابع تاریخی اهل سنت (با تکیه بر آثار بخاری، طبری و ذهبی)، پژوهشنامه معارف حسینی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۱۵-۱۳۸.

۱۹. کوثری، احمد، امام حسین علیه السلام در نگاه اهل سنت، اسلام و مطالعات اجتماعی، سال دوم، شماره ۴، ۱۴۰۳، ص ۹-۱۸.

۲۰. محمدی، احمد و رحیمی، رضا (۱۴۰۰)، مطالعه تطبیقی دیدگاه شیعه و سنی درباره امام حسین علیه السلام، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۱۲ (۲۳)، ۱۱۲-۱۳۴.

۲۱. موسوی، سیدعلی (۱۳۹۸)، نقش امام حسین علیه السلام در ایجاد وحدت اسلامی، مجله پژوهش‌های علوم اسلامی، ۱۵ (۲)، ۷۵-۹۲.

۲۲. نوری، ابراهیم (۱۳۹۹)، جایگاه اهل بیت علیهم السلام در منابع اهل سنت، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآنی، ۱۰ (۳۸)، ۴۵-۶۸.

23. Magiran: (n.d.). www.magiran.com
24. Noormags: (n.d.). www.noormags.Ir
25. Google Scholar: (n.d.). scholar.google.com
26. SID: (n.d.). www.sid.Ir

قیام عاشورا از منظر علمای اهل سنت،

با تأکید بر نقش امام حسین (ع)

رشیده عالیان^۱

چکیده

تمدن اسلامی منشأ تحولات بزرگ در حوزه‌های مختلف علمی، اجتماعی و سیاسی است. در تمدن اسلامی مکاتب مختلف فقهی، کلامی، فلسفی، تفسیری، و مکاتب ادبی و...، جنبش‌ها، نهضت‌ها و گروه‌های گوناگون در رشد و تعالی تمدن اسلامی نقش داشته‌اند. اما در این میان، نهضت عاشورا توسط عزیزترین فرزند خاندان نبوت رقم خورد و این جریان در امتداد تاریخ، به یک نهضت آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی تبدیل شد که انقلاب‌ها و جنبش‌های فکری مسلمانان، از آن به‌عنوان رمز و راه ماندگاری و جاودانگی مدد می‌گیرند. بازخوانی آموزه‌های بزرگ قیام عاشورا و نهضت کربلا با محوریت سرور و سالار شهیدان (ع)، از هر زمان دیگر، ضروری‌تر و حیاتی‌تر جلوه می‌نماید و همه می‌دانیم که جان‌مایه اصلی نهضت عاشورا، تحقق عدالت اجتماعی، مقابله با فساد و ستم، ایستادن در برابر قساوت و آدم‌کشی و بالاخره تحقق امنیت و آسایش انسان و پرستش خدای یکتا در فضای عاری از رعب، ستم، تبعیض و گرسنگی بوده است. حماسه کربلا نهضتی ناب از جنس ایشار، آزادگی و سرچشمه‌ای ابدی است؛ جنبشی ماندگار از باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و راهبردی ایدئال برای تمامی آزاداندیشان دنیا.

کلیدواژه‌گان: امام حسین (ع)، عاشورا، اهل سنت، کربلا، اسلام.

۱. پژوهشگر و نویسنده اهل سنت، بستک هرمزگان.

در تاریخ اندیشه سیاسی اسلام، نهضت عاشورا یک حادثه مهم است که با شهادت اسطوره اسلام و نبوت به پایان رسید. اکنون بیش از چهارده قرن از این واقعه خونبار سپری می‌شود، اما این جریان هنوز به شکلی پویا و زنده، در صحنه حیات بشری حضور دارد. واقعه عاشورا از همان ابتدا، موضوع بحث اندیشمندان مسلمانان تا امروز بوده است و تاکنون اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان، نظریات بسیار متنوعی در تحلیل قیام عاشورا ارائه داده‌اند و هر دانشمندی این صحیفه را با توجه به اطلاعات خود، مورد ارزیابی قرار داده است. با اینکه سالیان متمادی از حادثه خونین کربلا می‌گذرد، اما این رخداد عظیم، هر روز بیش از پیش، درس‌های ناب و بی تکرار برای جوامع بشری به ارمغان می‌آورد.

عاشورا و در صدر آن، وجود مقدس سیدالشهدا^{علیه السلام}، درخشش و تلاکونی خاص دارد و همواره مشوق و مبنای جنبش‌رهایی در سراسر جهان محسوب می‌گردد. یکی از مؤلفه‌های بسیار مهمی که در نهضت عاشورا مورد توجه قرار می‌گیرد، مقاومت و پایداری است که در طول این نهضت باشکوه، به ظهور رسید. جلوه‌ای تمام‌نما از مکتب اسلام ناب محمدی^{صلی الله علیه و آله} که آثار آن بلافاصله پس از واقعه کربلا نمایان گشت و در طول تاریخ، انقلاب‌های بسیاری از آن الهام گرفت که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به انقلاب اسلامی در ایران، نهضت حزب‌الله در لبنان، جنبش حماس در فلسطین و... اشاره کرد. حضرت حسین(رضی الله عنه) تن به ذلت بیعت اجباری یزید نداد و با یزید بیعت نکرد تا مشروعیت سلطنت و حکومت یزید را زیر سؤال ببرد، عمر اقامت حکومت و دوام سلطنت بر کوفه و شام را کوتاه نماید و با درک عمیق و آگاهی از عصر و آینده جامعه اسلامی، از میان دو انتخابی که پیش رویش قرار داشت، انتخاب حماسه‌سازی را رقم زد، با آنکه طبق برخی روایت‌های تاریخی، یزید تلاش مداوم و پیگیری را برای کسب بیعت اجباری از امام حسین^{علیه السلام} داشت، ولی ایشان خواست که با خون رنگین خود، صحت حکومت یزید را زیر سؤال ببرد. طبق روایات تاریخی، تمام تلاش‌های یزیدیان برای گرفتن بیعت اجباری مؤثر واقع نشد، در نتیجه امام حسین^{علیه السلام} به همراه ۷۲ تن از یاران باوفایش، در دشت کربلا به شهادت رسیدند.

شخصیت و جایگاه امام حسین علیه السلام در میان علمای اهل سنت

حضرت امام حسین علیه السلام در روز سوم ماه شعبان سال چهارم هجری، در شهر مدینه به دنیا آمد. ابوعبدالله، کنیه و «سید شباب اهل الجنة، سبط النبی، مبارک و سیدالشهدا» از لقب‌ها و عناوینی هستند که به آن حضرت تعلق دارند. بنا بر گزارش‌های تاریخی شیعه و اهل سنت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام تولد او از شهادتش خبر داد و نام «حسین» را برای او برگزید. رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسن و امام حسین علیهما السلام را بسیار دوست می‌داشت و همه را به دوست داشتن آن دو سفارش می‌کرد (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰ق: ۱۷۷/۳). روایت‌های متعددی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله در فضیلت امام حسین علیه السلام نقل شده است؛ از جمله آنکه «حسن و حسین سرور جوانان بهشت‌اند» و: «حسین، چراغ هدایت و کشتی نجات است».

دوره امامت حسین بن علی علیهما السلام با حکومت معاویه بن ابی سفیان هم‌زمان بود. بنا بر گزارش‌های تاریخی، امام حسین علیه السلام در مواردی به عملکرد معاویه سخت اعتراض کرده است؛ از جمله پس از کشته شدن خُجر بن عدی، نامه‌ای توبیخ‌آمیز برای او نوشت و در ماجرای ولایتعهدی یزید نیز از پذیرش بیعت خودداری کرد و در سخنانی در حضور معاویه و دیگران، این اقدام معاویه را نکوهید و یزید را فردی نالایق خواند و خود را سزاوار خلافت دانست. خطبه امام حسین علیه السلام در منا را نیز موضعی سیاسی در برابر امویان به شمار آورده‌اند.

پس از مرگ معاویه، امام حسین علیه السلام بیعت با یزید را مشروع ندانست و با توجه به فرمان یزید برای کشتن او در صورت خودداری از بیعت، در ۲۸ رجب سال ۶۰ قمری، از مدینه به مکه رفت. در مدت چهار ماه حضور در مکه، نامه‌های فراوانی از سوی مردم کوفه برای پذیرش زمامداری دریافت کرد و پس از آنکه فرستاده‌اش «مسلم بن عقیل»، هم‌دلی کوفیان را تأیید کرد، در هشتم ذی‌الحجه، پیش از آنکه از پیمان‌شکنی بعدی کوفیان و شهادت مسلم باخبر شود، به سمت کوفه حرکت کرد. آن حضرت در ایمان به هدف و مقصد قیام خود، مانند جدش بود. او هدف خود را احیای حق و آشکار کردن بطلان حکومت امویان می‌دانست و برنامه‌هایی را که اجرا کرد، سبب نجات اسلام و مسلمین تشخیص داد و تنها راه منحصربه‌فرد مبارزه با نقشه‌های خائنان بنی‌امیه را، قیام علیه آنان و خودداری از بیعت و تسلیم دانست.

او یقین داشت راهی را که انتخاب کرده، موافق با رضای خداست. به همین دلیل

صادقانه و قاطعانه، مخالفتش را با زمامداری یزید اعلام کرد. مطالعه تاریخ کربلا نشان می‌دهد که در همه جای آن، ایمان استوار امام، خاندان و اصحابش به چشم می‌خورد. در سخنانی که از آن حضرت باقی مانده، مقامات اخلاقی و تربیتی الهی ایشان به‌خوبی روشن است. دعای عرفه امام حسین علیه السلام، از بزرگ‌ترین، ژرف‌ترین و گران‌مایه‌ترین معارف در طول تاریخ انسان است. این دعا ابعاد وسیع شناخت و اعتقادات اسلامی و تعلیمات روحی را حفظ، تعلیم و رواج می‌بخشد. از عالی‌ترین مسائل شناختی توحید، تا موضع انسان در جهان وجود و تحول و ابدیت و ده‌ها اصل مهم دیگر، همه و همه در این دعای عظیم ذکر شده است.

امام در بخشی از این دعا می‌فرماید: «خدای من! اشتیاق به شهود جمال و جلالت دارم و به خداوندی تو گواهی می‌دهم و به ربوبیت تو اقرار می‌کنم و اعتراف به رجوع به‌سوی تو می‌نمایم. آن‌کس که اشتیاق به دیدار تو در نهادش نیست، از نفس خود بهره‌ای نخواهد برد. آن‌کس که میل و کششی به بارگاه تو ندارد، هیچ حقیقتی نتواند او را به خود جذب کند».

امام حسین علیه السلام فانی محض در اراده و رضای خداست. این توکل و تفویض امر به خدای تعالی، مثل آئینه در تمام زندگانی آن حضرت حضور جدی و تعیین کننده دارد. ایشان در آغاز قیام و هنگام حرکت به مکه، بر سر مزار رسول الله صلی الله علیه و آله از خداوند می خواهد آنچه برای پیش می آید، موجب رضای او باشد. تکیه گاه اصلی امام حسین علیه السلام، رضای خداوند و تفویض امر به او بود. وقتی عبیدالله بن زیاد -والی کوفه- از حرکت حسین علیه السلام به سمت کوفه باخبر شد، لشکری به سوی او فرستاد و پس از آنکه سپاهیان خُر بن ریاحی راه را بر او بستند، چاره ای نداشت جز آنکه مسیر خود را به سمت کربلا تغییر دهد. در روز عاشورا میان امام حسین علیه السلام و یارانش با لشکر کوفه به فرماندهی عمر بن سعد، جنگی در گرفت که به شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش انجامید.

حسین بن علی علیه السلام افزون بر جایگاهی که در میان شیعیان به عنوان سومین امام و سرور شهیدان دارد، نزد اهل سنت نیز به سبب فضایی که از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او نقل شده و همچنین به دلیل ایستادگی اش در برابر یزید، گرامی داشته می شود (نک: بیهقی، ۱۴۲۴).

یکی از ویژگی‌های خاص امام حسین علیه السلام، حس نوع‌دوستی و کمک به محرومان و نیازمندان بود. او این اخلاق والا را در کودکی از پدر و مادر خود آموخته بود. او در

خانواده‌ای بزرگ شده بود که همگی مظهر جود و کرم بودند، تا آنجا که سوره دهر در شأن آنان نازل شد؛ از این رو، کرم داشتن و یاری رساندن به محرومان، جزو ویژگی‌های آن حضرت بود (ابوداود سجستانی، ۱۴۱۰: ۳۷۶/۱). به همین جهت، وی هیچ‌گاه نیازمندی را از خود دور نمی‌کرد و گاه نیز برای آنکه به کسی کمک کند، به دنبال بهانه‌ای می‌گشت تا با حفظ آبروی نیازمند، به او کمک مادی کند. زید بن حرمه می‌گوید: «شخص فقیری از اطراف به مدینه آمده بود. درحالی که قدم می‌زد، خود را به خانه حسین بن علی علیه السلام رسانید. حلقه در را به صدا درآورد و به گفتن شعر پرداخت: «آن کس که به در خانه‌ات درآید و حلقه آن را به صدا درآورد، محروم باز نمی‌گردد؛ چراکه تو اهل جود و معدن بخشش و پدرت، قاتل بدکاران بود». امام حسین علیه السلام که به نماز ایستاده بود با شنیدن صدای وی، نماز را کوتاه کرد و خود را به مرد عرب رسانید و فقر و ناتوانی را در چهره‌اش مشاهده نمود. پس قنبر را صدا زد و از وی پرسید: «از پول مخارج خانه چقدر نزد تو موجود است؟» قنبر گفت: ای فرزند رسول خدا! دویست درهم باقی مانده که آن‌هم به امر شما می‌بایست بین افراد خانواده شما تقسیم کنم. حضرت فرمود: «آن را نزد من بیاور تا به آنکه از دیگران سزاوارتر است بپردازیم». به این ترتیب هرچه بود، به شخص فقیر بخشید (ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵: ۱۸۵/۱۴).

اهل سنت حسین بن علی علیه السلام را سروری مهربان می‌دانند که عذر را می‌پذیرفت؛ عذرآورنده، محق بود یا مقصر. در همین زمینه شیعیان به آن حضرت، چنین سلام می‌دهند: «سلام بر آن کسی که خداوند شفا را در خاک قبر او قرار داد؛ سلام بر آن کسی که (محل) اجابت دعا در زیر بارگاه اوست». منابع اهل سنت، حسین بن علی علیه السلام را هم‌سفره بینوایان و میزبان مسکینان می‌دانند و شیعیان، او را «رَبِّیعِ الْاَیَّام» می‌خوانند. شیعیان در زیارت ناحیه مقدسه، خصلت «حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی» امام حسین علیه السلام را چنین توصیف می‌کنند: «تا آنکه جور و ستم، دست تعدی دراز نمود و ظلم و سرکشی، نقاب از چهره برکشید و ضلالت و گمراهی، پیروان خویش را فراخواند... و بر تو لازم گشت با بدکاران رویارویی و جهاد کنی؛ بنابراین در میان فرزندان و خانواده‌ات، پیروان و دوستان روانه شدی و حق و برهان را آشکار نمودی و با حکمت و پند و اندرز نیکو، (مردم را) به سوی خدا فرا خواندی و به برپاداری حدود الهی و طاعت معبود، امر نمودی. پس تو نیز با آنان به جهاد برخاستی پس از آنکه (حق را) به آنان گوشزد نمودی و حجت را بر آنان مؤکد فرمودی... و سر مقدست، بر نیزه بالا

رفت؛ اهل و عیالت چون بردگان، به اسیری رفتند و در غل و زنجیر آهنین بر فراز شتران، در بند شدند. گرمای (آفتاب) چهره‌هایشان را می‌سوزاند، در صحراها و بیابان‌ها کشیده می‌شدند، دستانشان به گردن‌ها زنجیر شده، در میان بازارها گردانده می‌شدند. ای‌وای بر این سرکشان گناهکار».

یکی از مباحث مهم در قیام امام حسین علیه السلام، شخصیت ایشان است. می‌دانیم که رفتار آدمی از شخصیت او برمی‌خیزد، از این رو قیام اباعبدالله الحسین و عملکرد آن حضرت در این ماجرای عظیم، برخاسته از شخصیت بی‌بدیل ایشان است. هر یک از رخداد‌های حادثه عاشورا و قیام اباعبدالله، نشئت گرفته از یک یا چند خصیصه شخصیتی آن حضرت است. بدین ترتیب از هر یک از رفتارهای ایشان می‌توانیم به برخی از خصوصیت‌های شخصیتی ایشان پی ببریم. یکی از بزرگان اهل سنت، اهل بیت علیهم السلام را این گونه توصیف می‌کند: «اهل بیت جامع تمام فضایل بودند: علم، حلم، فصاحت، ذکاوت، بدیهه‌گویی، جود، شجاعت و... دانش‌های آن‌ها تحصیلی و از آموختن نبود، بلکه بخشش و موهبت الهی بود. هر کس بخواهد فضایلشان را بشناسد، مثل کسی است که بخواهد آفتاب را بشناسد. هیچ کس از آن‌ها سؤال نکرد که آن‌ها در جواب عاجز شوند. هیچ کس با آن‌ها در مقام معارضه و هم‌ترازی برنیامد، مگر آنکه مغلوب شد. چه بسیار سختی‌ها و مصائب که هنگام جهاد و قتال به آن‌ها رسید و با صبر جمیل، آن‌ها را تحمل کردند و سستی و ناتوانی در آن‌ها پیدا نشد. وقتی صدایشان به سخن بلند شود، همه صداها خاموش می‌گردد و همه گوش‌ها برای شنیدن سخنانشان آماده می‌شود. فضایل و خصلت‌هایی است که خداوند، ایشان را به آن مخصوص گردانیده است (به نقل از صافی گلپایگانی، ۱۳۹۵: ۱۸۱).

«شبرای» (شیخ اسبق جامع الازهر) نیز در توصیف امام حسین علیه السلام می‌گوید: «امام حسین علیه السلام در اوج صفات عالیه قرار گرفت و علو مرتبه او به حدی است که ثریا از رسیدن به معنای آن فرومایه و حقیر است و در آن بازاری که غنیمت‌های مجد و بزرگی را قسمت کردند، سهم وافرتر و نصیب بیشتر، مخصوص او گردید و مجسمه عزت بیت رسالت و خاندان نبوت، در او و برادرش حسن انحصار یافته بود. خصال مجد و فضیلت آن‌ها مورد اتفاق است و چرا چنین نباشد! و حال آنکه آن دو بزرگوار، فرزندان فاطمه بتول و مقبول حضرت رسول بودند».

در منابع اصلی اهل سنت (صحاح شش‌گانه)، احادیث متنوع و فراوانی در فضیلت

امام حسین علیه السلام و برادرش امام حسن مجتبی علیه السلام از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که نشان‌دهنده مقام برجسته آن حضرت، در منظر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. ازجمله مباحث موجود در این منابع، باب نام‌گذاری آن بزرگواران از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله، به اسم فرزندان هارون، یعنی شبر و شبیر است. باب دیگر، اذان گفتن پیامبر صلی الله علیه و آله در گوش حسنین علیهما السلام، هنگام ولادت آنان، نمونه دیگری از منزلت و تقرب آن حضرات را در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌نمایاند (رک: حسینی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۶۹/۳-۱۷۳).

علاوه بر این، احادیثی نیز درباره فضیلت ویژه امام حسین علیه السلام در منابع اهل سنت موجود است، چنانچه ابن کثیر می‌نویسد: امام احمد می‌گوید: وکیع از ربیع بن سعد از ابوسابط برای ما روایت کرد: «حسین بن علی علیه السلام وارد مسجد شد. در این هنگام جابر بن عبدالله گفت: هر که دوست دارد سرور جوانان اهل بهشت را ببیند، به او نگاه کند. من این موضوع را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم» (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۸/۲۲۵). در روایتی دیگر، از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است: «حسین علیه السلام از من است و من از حسین علیه السلام هستم. خداوند دوستدار حسین علیه السلام را دوست می‌دارد. حسین علیه السلام امتی از امت‌ها است» (ترمذی، بی‌تا: ۳۲۴/۵).

محمد بن طلحه شافعی در توصیف شخصیت اخلاقی امام حسین علیه السلام چنین روایت کرده است: «مشهور است که امام حسین علیه السلام، مهمان را احترام می‌گذاشت، به جوینده می‌بخشید، با خویشان‌دان رابطه برقرار می‌کرد، به نیازمند بخشش می‌کرد، به سائل یاری می‌رسانید، برهنه را می‌پوشانید، گرسنه را سیر می‌کرد، بدهکار را عطا می‌نمود، از ناتوان حمایت می‌کرد، به یتیم مهربانی نشان می‌داد، نیازمند را کمک می‌کرد و کمتر اتفاق می‌افتاد که مالی به دست او برسد و آن را میان مردم توزیع نکند (ابن طلحه شافعی، ۱۴۱۹: ۲۵۴-۲۵).

نقل شده است که وقتی معاویه به مکه آمد، اموال بسیار، جامه‌های فراوان و پوشاک زیادی را به امام حسین علیه السلام پیشکش کرد. امام از او نپذیرفت و همه آن‌ها را برگرداند. این است طبیعت جواد، سرشت کریم، ویژگی بخشنده و خصوصیت کسی که از اخلاق والا برخوردار است؛ زیرا اعمالش گواه کرامت و گویای عادت‌های نیکوی اوست (ابن صباغ، ۱۴۳۲: ۲۶۷-۲۶۸).

در منابع تاریخی، روایات بسیاری به چشم می‌خورد که به‌نوعی از صفات امام حسین علیه السلام و عملکرد اجتماعی ایشان یاد کرده‌اند. صفاتی چون: «فصاحت و بلاغت،

حضرت می نویسد: انس می گوید: خدمت حسین علیه السلام بودم که کنیزکی آمد و با خود دسته گلی آورد و به امام هدیه کرد. امام فرمود: «برو، تو در راه خدا آزاد هستی». پس به او عرض کردم: او که کار مهمی انجام نداده و چنین پاداشی دریافت کرد؟! فرمود: «آیا نشنیده‌ای سخن خدای تعالی را که «و اذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها» (نساء: ۸۶)؛ چون شما را احترام کردند، به درودی بهتر پاسخ دهید» (ابن صباغ، فصول المهمه، به نقل از شوشتری: ۴۴۴/۱۱).

عباس محمود عقاد مصری، نویسنده کتاب «الحسین ابوالشهداء» می گوید: «شجاعت حسین علیه السلام صفتی است که از شخصی مانند حسین علیه السلام تعجب آور نیست؛ زیرا شجاعت از او مثل ظهور طلا از معدن آن است. یعنی حسین علیه السلام معدن شجاعت است و این، فضیلتی است که آن را از پدران و نیاکان به ارث برده و به فرزندان خود به ارث گذاشته است. البته در میان فرزندان آدم، کسی در شجاعت قلب و قوت روحی، شجاع تر از حسین علیه السلام در مقایسه با آنچه او در کربلا بدان اقدام کرد، پیدا نمی شود. برای او همین بس که در طول صدها سال تاریخ دنیا، او همچنان شهید، فرزند شهید و پدر شهیدان باقی مانده است» عقاد، بی تا: ۲۸۰-۱۹۵).

ابن روزبهان می گوید: «اوست که به قدرت غیرت، هر کافر متمریدی را از بیخ و بن بر می کند. اوست که در مقام بندگی الهی، به وظیفه ذکر پاکی حق تعالی و بزرگی او - جل و علا - قیام به سزا فرمود. او به واسطه طی منازل قرب الهی، به اقصی مرتبه توحید رسیده بود» (ابن روزبهان، بی تا: ۱۶۱).

شیخ محمد عبده، از دانشمندان اهل سنت و از مصلحان بزرگ، می نویسد: «هنگامی که در دنیا حکومت عادلانه وجود دارد و هدفش اقامه شرع و حدود الهی و در برابر آن، حکومتی ستمگر است که می خواهد حکومت عدل را تعطیل کند، بر هر مسلمانی یاری و مساعدت «حکومت عدل» واجب است و در همین باب، انقلاب امام حسین علیه السلام است که در برابر حکومت یزید، ایستاد» (رشید رضا، بی تا: ۳۶۷/۱ و: ۱۸۳/۲). توجه به ابعاد شخصیت امام حسین علیه السلام به ویژه در شرایط حساس اجتماعی و سیاسی امروز، می تواند به عنوان یک منبع الهام بخش برای مسلمانان - به ویژه جوانان - عمل کند. بی توجهی به آموزه های ایشان می تواند منجر به غفلت از ارزش های انسانی، اجتماعی و دینی شود که در جامعه امروز بسیار حائز اهمیت است. شخصیت امام حسین (رض) از منظر اهل سنت نیز به عنوان نمادی از حق طلبی، عزت خواهی و ایثارگری در برابر ستم

و فساد شناخته می‌شود. این جنبه‌های متنوع شخصیت امام حسین علیه السلام، می‌تواند منجر به توسعه درک عمیق‌تری از تاریخ اسلام و آموزه‌های آن گردد و راه ایجاد همبستگی میان مسلمانان در جهات مختلف را هموار کند.

علمای اهل سنت در مسئله قیام عاشورا اعم از اصل قیام، خاستگاه، همچنین علل و اسباب و اهداف مترتب بر آن، دیدگاه یکسانی ندارند. این اختلاف علاوه بر آنکه می‌تواند ناشی و متأثر از نقل‌های منابع متعدد تاریخ و نزاع بر سر نحوه پیدایی و اعتبار آن‌ها باشد، ریشه در مبانی کلامی و حدیث دارد که بر اندیشه‌های متفکران و مورخان آنان، قرن‌ها حاکم بوده است. همچنین میزان وابستگی ایشان به حکومت‌های وقت، در کنار شرایط حاکم بر زمان و مکان زیست ایشان، موجبات این اختلاف‌ها را فراهم آورده است، اختلافی که آثار وضعی آن در گزارش‌ها و منابع تاریخی اهل سنت نیز ملموس است. به‌عنوان نمونه، در سیر تطور عاشورانگاری در منابع اهل سنت مشاهده می‌شود که هرچه از آغاز نگارش و تدوین این متون در دوره نخست یعنی از قرن دوم تا قرن هفتم می‌گذرد، عاشورانگاری از حیث محتوا، ساختار حتی به لحاظ روش و مستندات، دستخوش تغییرات جدی قرار گرفته و اختلاف دیدگاه متفکران اهل سنت در مقوله قیام عاشورا، پررنگ‌تر می‌شود که عمدتاً در سه رویکرد مخالف قیام، موافق و رویکرد خنثی، قابل طبقه‌بندی است (نک: مسئله‌گو، ۱۴۰۲).

نهضت امام حسین علیه السلام از دیدگاه اهل سنت

قیام امام حسین علیه السلام در دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری، نقطه عطفی در تاریخ اسلام است که بازتاب‌های گسترده‌ای در میان مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، داشته است. درحالی‌که شیعیان این واقعه را به‌عنوان اوج ایثار و فداکاری در راه حفظ دین و احیای ارزش‌های اسلامی می‌دانند، دیدگاه‌های مختلفی در میان اهل سنت درباره این واقعه وجود دارد. نهضت امام حسین علیه السلام از نادرترین رخدادهایی است که تفکر انسان‌ها را به خود معطوف داشته است و در تاریخ اسلام، ارزش والایی دارد. شهادت حسین بن علی علیه السلام حیات تازه‌ای به اسلام بخشیده، خون‌ها را به جوشش آورد و تن‌ها را از رخوت خارج ساخت. حرکت امام حسین علیه السلام، حرکتی است مستمر برای همه نسل‌ها و همه عصرها است. این نهضت ماندگار جهان اسلام، انعکاس و مجذوبیتی فراگیر را در برداشت که در ادامه به بیان برخی از دیدگاه‌های علمای اهل سنت پیرامون نهضت سیدالشهدا (رض) خواهیم پرداخت.

ابوالحسن اشعری می‌نویسد: «چون ستمگری یزید از حد گذشت، امام حسین علیه السلام با یاران خود علیه بیداد او قیام کرد و در کربلا به شهادت رسید».

ابوفلاح حنبلی می‌نویسد: «شانزده تن از اهل بیت امام حسین علیه السلام که در آن روزگار کسی همانند آن‌ها نبود، همراه او به شهادت رسیدند».

ابن خلدون می‌نویسد: «این عمل یزید یکی از اعمالی است که فسق او را تأکید و تأیید می‌کند و حسین علیه السلام در این واقعه، شهید و در نزد خدا مأجور است و عمل او بر حق و از روی اجتهاد است». ابن خلدون یزید را ظالم و قیام امام حسین علیه السلام را قیام علیه ظلم معرفی می‌کند.

ابن خلدون، مورخ قرن نهم اهل سنت در اندلس، با تأکید بر شرط بودن وجود امام عادل برای جنگ با ستمکاران، حسین علیه السلام را عادل‌ترین فرد در زمان خود برای این جنگ برشمرده و گفته است که وقتی فاسق بودن یزید بر همگان آشکار شد، حسین بر خود واجب دید که علیه او قیام کند، چون خود را دارای اهلیت و قدرت برای این کار می‌دانست.

ابوعبدالله محمد بن عبدالله قضاعی (۵۹۵-۶۵۸ق) نویسنده، تاریخ‌نگار، محدث، ادیب و سیاستمدار منصف و آزاداندیش اهل سنت می‌نویسد: «دلیل اینکه فرزندان علی علیه السلام و در اینجا امام حسین علیه السلام با وجود دارا بودن بیشترین کمالات، از حکومت این دنیا محروم شدند، تنها این است که پدرشان امام علی علیه السلام دنیا را سه‌طلاق کرده بود و معلوم است که همسر مطلقه پدر را، پسر نمی‌تواند به عقد خود درآورد (ابن ابار اندلسی، ۱۴۰۷: ۱۲۴). وی با این بیان زیبا و رسایی که با تضمین سخنی متواتر از امام علی علیه السلام همسو شده است، گویی می‌خواهد بگوید: کسانی که حسین بن علی علیه السلام را خارجی خوانده، قیام او را برای دنیا و قبضه کردن قدرت قلمداد کرده‌اند، چگونه و چرا فراموش کرده‌اند که او فرزند علی علیه السلام بود (صحتی سردرودی، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

زمخشری از علمای بزرگ اهل سنت، در کتاب «ربیع الأبرار» نقل می‌کند: فاطمه علیها السلام با فرزندان حسن و حسین علیهما السلام خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده و عرض کرد: «یا رسول الله! هدیه‌ای به این‌ها بده». حضرت فرمود: «پدرت فدایت، من مالی ندارم تا هدیه کنم». سپس حسن علیه السلام را بغل کرده، بوسید و روی پای راست خود قرار داد و فرمود: «به این فرزندم، اخلاق و هیبت خود را هدیه می‌کنم و حسین علیه السلام را نیز بغل کرد و بوسید و بر روی پای چپ خود نهاد و فرمود: شجاعت وجود خود را بدو می‌بخشم» (زمخشری،

بی تا: ۵۱۳، به نقل از شوشتری، همان).

آموزه‌های قیام عاشورا

عاشورا، سراسر مدرسه عشق است؛ هراندازه که انسان‌ها با درس‌های نهفته در آن حرکت خونین و ژرف که بشریت را با ارزش‌های متعالی و مفهوم حیات هدفدار آشنا ساخت، بیشتر آشنا گردند، به همان میزان عزّتمند خواهند زیست و پایه‌های حکومت طاغوت‌ها را خواهند لرزاند. درس‌هایی که از عاشورا می‌توان گرفت، در گفتار و کردار امام حسین (ع) و یارانش دیده می‌شود و کسی که به‌دقت در مجموعه این واقعه بنگرد و آن را فرا راه خود قرار دهد، با این درس‌های انسان‌ساز آشنا می‌گردد. در این ادامه برخی از این درس‌ها را برمی‌شمایم.

۱- توکل

قیام خونین عاشورا، سرشار از این آموزه نیک الهی است که فرجامی جز پیروی حق بر باطل را نوید نبخشید. امام حسین (ع) گرچه به استناد دعوت‌نامه‌های کوفیان به سمت آنان حرکت کرد، ولی توکل آن حضرت به خداوند متعال بود. به همین دلیل، وقتی میان راه، خبر بی‌وفایی مردم و شهادت مسلم بن عقیل (ع) را شنید، تصمیم خویش را تغییر نداد و برای انجام تکلیف، با توکل به خدا، راه خود را ادامه داد.

۲- رضا و تسلیم

یکی از آموزه‌های کربلا، راضی بودن به رضای الهی است. هدف امام حسین (ع) فقط خشنودی خدا و پیامبر او بود. اگر در آن قیام خونین، جان عزیزش را نثار کرد، اگر سخت‌ترین مصیبت‌ها را به جان خرید و اگر خاندان گرامی‌اش را به دست اسارت سپرد، هدفی جز کسب رضای الهی نداشت. امام حسین (ع) هنگامی که می‌خواست از مکه به سمت عراق خارج شود، خود در خطبه‌ای به این ویژگی اشاره فرموده است: «ما اهل بیت به آنچه خدا راضی است، راضی و خشنودیم. در مقابل بلا و امتحان او، صبر و استقامت می‌ورزیم. او اجر صبر کنندگان را به ما عنایت خواهد فرمود».

۳- عمل به تکلیف

از آموزه‌های ارزشمند کربلا، عمل به تکلیف است. هنگامی که دعوت‌نامه‌های پیاپی

مردم کوفه به امام حسین علیه السلام رسید، ایشان هرچند از سست عهدی کوفیان آگاه بود، ولی آن اعلام حمایت‌ها را تکلیف‌آور دانست و به‌سوی آنان حرکت کرد. امام خمینی (ره) که خود سال‌ها بعد با همین انگیزه، قیامی عزت‌آفرین را پایه ریخت، در سخنانی درباره این آموزه عاشورایی می‌فرماید: «این که حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام قیام کرد با تعداد کم، برای این که گفتند تکلیف من این است که نهی از منکر کنم. حضرت سیدالشهدا علیه السلام تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند و محو کنند آثار معاویه و پسرش را. لکن تکلیف بود که قیام نماید و خودش را بدهد تا این که ملت را اصلاح کند و غلم یزید را بخواهاند» (خمینی، بی‌تا: ۸/۴۲۰).

۴- آزادگی

عاشورا، نماد آزادگی است و حضرت سیدالشهدا علیه السلام سرور آزادگان؛ همو که در پاسخ کسانی که بیعت با یزید را از ایشان می‌خواستند تا در امان بماند، می‌فرمود: «آگاه باشید! ناپاک‌زاده فرزند ناپاک‌زاده، مرا میان دو چیز مجبور کرده است: بین مرگ و ذلت، ولی هیئات که ما ذلت و خواری را بپذیریم. خداوند پذیرش ذلت را بر ما و بر پیامبر و مؤمنان روا نداشته است و دامن‌های پاک و دارای اصالت و شرف و خاندان دارای همت والا و عزت نفس ما، هرگز اجازه نمی‌دهد اطاعت فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح دهیم»

۵- اخلاص

اخلاص سیدالشهدا علیه السلام و یاران آن حضرت، مهم‌ترین عامل جاودانگی قیام حسینی است. از زمانی که حضرت از مدینه حرکت کرد، تا مکه و سپس کربلا، بسیار کسان مدّعی با ایشان همراه شدند و به‌ظاهر خود را حسینی نشان دادند، ولی هیچ‌کدام بر حرف خود نایستادند و در نهایت، سرور شهیدان را تنها رها کردند. در روز عاشورا و صحنه نبرد کربلا نیز، تنها خون بود و شمشیر و زخم و درد و شهادت و از مدال و پول و امتیازهای اجتماعی و مقام‌های دنیوی خبری نبود. از این‌رو، ماندگان و مقاومتان، تنها با نیروی اخلاص به جهاد در راه حضرت دوست ادامه می‌دادند و یکی‌یکی شربت شهادت می‌نوشیدند.

۶- ایثار

از بارزترین درس‌های عاشورای حسینی، ایثار و مقدّم داشتن دیگری بر خود است. در صحنه کربلا، نخستین ایثارگر، خود سیدالشهدا (ع) بود که حاضر شد خود و خاندانش را فدای دین خدا کند و رضای او را بر همه چیز برگزیند. حتی زمانی که یاران حضرت به شهادت رسیدند و نوبت به جان فشانی بنی‌هاشم رسید، امام حسین (ع) ابتدا فرزند دلبندشان، علی اکبر (ع) را برای شهادت در راه خدا فراخواند. جلوه دیگر ایثار در کربلا، کار زیبای حضرت ابوالفضل (ع) بود. آن حضرت که با لب تشنه وارد فرات شد، چون خواست آب بنوشد، یاد لب‌های تشنه امام حسین (ع) و کودکان تشنه‌کامش افتاد و به خود نهیب زد که: «آیا آب می‌نوشی، درحالی که برادر و مولایت حسین (ع) تشنه و در آستانه شهادت است؟» پس آب را ننوشید و بازگشت و لب تشنه به شهادت رسید.

۷- امر به معروف و نهی از منکر

از آموزه‌های ارزنده نهضت حسینی، توجه به دو فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر است. امام حسین (ع) در وصیت‌نامه‌ای که هنگام خروج از مدینه و در زمان وداع با برادرش محمد بن حنفیه برای وی نوشت، هدف از حرکت خویش را چنین برشمرد: «من نه از روی سرمستی و گستاخی و نه برای فساد و ستمگری حرکت کردم، بلکه تنها برای طلب اصلاح در امت جدم حرکت کردم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم و پدرم علی بن ابی‌طالب عمل نمایم» حضرت سیدالشهدا (ع) در جای دیگری نیز فرموده بودند: «بار خدایا! من به معروف اشتیاق و از منکر تنفر دارم».

۸- نفی نژادپرستی

شهید، شهید است، چه تفاوت دارد که از چه نژاد و رنگ و زبانی باشد؛ سفید و سیاه، عرب و عجم، رومی یا زنگی. ملاک ارزش در اسلام، عقیده و ایمان است. شهادت‌کده کربلا، بزمگاه عشق است و همه گونه شهیدی دارد؛ جوان، پیر، خردسال، شیرخوار، سیاه، سفید، عرب و عجم. آنجا، یگانگی است و از نابرابری نژادی اثری نیست. پیشوای شهیدان، حسین (ع) در صحنه نبرد، این آموزش دینی و انسانی را به کار گرفت و سپاس و ستایشی همسان به همه یارانش، از پیرمرد تا نوجوان و از رئیس قبیله تا غلام سیاه روا می‌دارد.

۹- پابندی به اصول انسانی و اخلاقی

نهضت عاشورا، مظهر ارزش‌گذاری به حقوق انسانی است. یاران امام حسین (ع) در بین راه کربلا، با لشکریان حرّ بن یزید ریاحی برخوردند که راه را بر آن حضرت و یارانش بستند. برخی از یاران امام پیشنهاد مبارزه و نابودی آن‌ها را دادند و دلیل آوردند که قدرت نبرد با ایشان را داریم. ولی امام مدارا کرد و یاران را به صبر دعوت فرمود. همچنین صبح عاشورا که شمر جلو آمد و به آن حضرت اهانت کرد، مسلم بن عوسجه، از یاران امام خواست با تیری او را از پای درآورد که حضرت مانع شد.

هدف اصلی قیام امام حسین (ع)

نهضت امام حسین (ع) پدیده‌ای عمیق، چند ماهیتی و چندلایه است که اندیشمندان و صاحب‌نظران، اهداف و انگیزه‌های متعددی را در به وجود آمدن آن دخیل می‌دانند. در نگاهی دقیق‌تر، می‌توان بعضی از آن‌ها را در موارد زیر نیز جستجو کرد:

۱- بیعت خواهی یزید و امتناع حضرت از بیعت

یزید به والی خود در مدینه نوشت: «حسین (ع) و عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر را احضار نموده و از آن‌ها بیعت بگیر و اگر بیعت نکردند، آن‌ها را گردن بزن و سرشان را برای من به شام بفرست». امام در جواب این هتاک، شجاعانه فرمود: «هنگامی که امت اسلامی به پیشوایی مثل یزید گرفتار گردد، باید فاتحه اسلام را خواند» و بدین جهت از بیعت با یزید امتناع ورزید.

۲- امر به معروف و نهی از منکر

امام حسین (ع) در بیان هدف قیامشان می‌فرماید: «منظورم (از این قیام)، امر به معروف و نهی از منکر است».

۳- اصلاح امت و مبارزه با فساد

چنان که خود حضرت فرمود: «انگیزه‌ام از قیام، اصلاح امت جدم رسول خدا (ص) است».

به عبارت دیگر: یکی از علل قیام امام حسین (ع)، زنده کردن ارزش‌های اسلامی بود. ارزش‌هایی همچون وحدت امت اسلامی، حریت (آزادی و آزادگی)، اخلاق اسلامی و انسانی، زنده کردن معارف حق و از بین بردن بدعت‌ها و... این هدف آن چنان عالی است که امام می‌فرماید: «مگر نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری

نمی‌گردد. (اگر برای تغییر این وضعیت)، مؤمن مشتاق دیدار پروردگارش باشد (و جان خود را فدا کند) شایسته است».

۴- دعوت کوفیان و تشکیل حکومت

وظیفه امام این است که در صورت آماده بودن زمینه، در جامعه اسلامی حکومت حقه اسلامی را تشکیل دهد و به حسب ظاهر، چنین زمینه‌ای آماده بود، چون مردم کوفه با ارسال حدود ۱۲ هزار نامه برای امام علیه السلام، آمادگی خود را برای کمک به امام با لشکر صدهزارنفری اعلان نمودند. معلوم است که اگر امام اجابت نمی‌فرمود، چه‌بسا در برابر خدا و امت اسلامی و تاریخ مسئول بوده و مواخذه می‌گردید.

اهداف تحقیق

هدف از تهیه و تدوین این مقاله بررسی، قیام عاشورا از منظر علمای اهل سنت است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به تشریح دیدگاه‌های مختلف علمای اهل سنت در مورد نهضت کربلا و چگونگی این رخداد، با تأکید بر نقش امام حسین علیه السلام می‌پردازد. این مقاله سعی دارد ضمن بیان دیدگاه‌های بزرگان و علمای اهل سنت پیرامون نهضت کربلا، ابعاد شخصیتی و جایگاه اجتماعی امام حسین علیه السلام را نیز مورد بررسی و تبیین قرار دهد.

روش‌شناسی

در این پژوهش سعی شده اولاً: هریک از این رویکردها به روش توصیفی - تحلیلی، داده‌های تاریخی مبتنی بر منابع معتبر کتابخانه‌ای تبیین گردد و ثانیاً: دلایل حاکم بر آن تحلیل و طرفداران شاخص هر رویکرد معرفی شوند. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد اصول حاکم بر اندیشه علما و اندیشمندان اهل سنت، مشروعیت قیام عاشورا به دلیل جایگاه رهبری آن که علاوه بر صحابه، از اهل بیت علیهم السلام است را به‌عنوان یک استثناء پذیرفته و آن را محکوم نکرده‌اند.

نتیجه‌گیری

واقعۀ کربلا را می‌توان یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ دانست که تنها با اسلام ارتباط ندارد، بلکه مربوط به کل جوامع و ادیان مختلف است؛ زیرا درس‌های زیادی می‌توان از این حادثه بزرگ گرفت. به همین دلیل است که حتی برخی از بزرگان و عالمان ادیان مختلف، به دنبال اکتشاف رازهای این حادثه و نتایج و پیامدهای پس‌از آن هستند. قیام و

نهضت عاشورا آثار و نتایج بزرگی داشت. این رخداد عظیم، هدفمند بود و ایشان اهداف مهمی را از برپایی این قیام دنبال می‌کرد که قطعاً اگر دستیابی به آن اهداف بدون این قیام امکان داشت، حضرت هرگز قیام نمی‌کردند.

به عبارتی، امام حسین (ع) اهداف بزرگی را در پس این قیام می‌دیدند، همچون امر به معروف و نهی از منکر، برگرداندن جامعه اسلامی به مسیر درست خودش و جلوگیری از انحرافات موجود و اهداف بزرگ دیگری که در این مقاله به صورت مختصر به آن پرداخته شد. بر این اساس، شناخت صحیح واقعه کربلا و عظمت این قیام بزرگ، نیازمند تلاش و ممارست زیاد دارد و این در توان و علم هر شخصی نیست.

در این پژوهش، پس از بررسی منابع متقدم و متأخر علما و صاحب نظران اهل سنت، مشخص شد آنچه ایشان درباره شخصیت اخلاقی و قیام اباعبدالله الحسین (ع) بر جریده تاریخ ثبت نموده‌اند، مبتن همان صفاتی است که عدالت و آزادی خواهی بر آن تأکید می‌ورزد. علمای اهل سنت، امام حسین (ع) را سروری عاشق عبادت و بی رغبت به دنیا، پارسا، شایسته، خیر خواه و خوش خو معرفی می‌کنند و او را سروری کریم می‌دانند که عملش، مؤید سخنش بود و مایحتاج خانه خود را نیز به فقرا و مستحقان می‌بخشید. منابع اهل سنت معتقدند حسین بن علی (ع)، علیه بیداد و ستم یزید و یزیدیان و در راه امر و به معروف و نهی از منکر قیام نمود و صبر و تحمل آن حضرت در این راه و در نهایت، شهادت ایشان، موجب عزت دین اسلام شد.

بنا بر مطالب فوق، عموم اهل سنت، محب امام حسین (ع) هستند و آن حضرت را به عنوان الگوی برجسته اخلاقی قبول دارند؛ اگرچه ممکن است به برخی از کمالات آن حضرت قائل نباشند. پس بر مسلمانان لازم است که بر اساس اشتراکات موجود در منظومه فکری شیعه و سنی، پیشوای عزت و آزادی، رهبر جهاد و شهادت و فداکاری، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را اسوه اخلاقی خود قرار دهند.

منابع

۱. ابن خلدون (۱۳۹۲)، مقدمه، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران مرکز انتشارات علمی فرهنگی، چاپ ۴.
۲. ابن روزبهان، فضل الله (۱۳۷۵)، وسیله الخادم إلى المخدم، قم: انصاریان.
۳. ابن صباغ، علی بن محمد (۱۴۳۲ق)، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.
۴. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینة دمشق، بیروت: دار الفکر.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸ق)، البدایة و النهایة، بیروت: دار الفکر.
۶. حکمت الرحمة (۱۳۹۲)، امامان اهل بیت در کتب اهل سنت، مترجم: خزائی، آیت الله، نشر مشعر.
۷. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، بیروت: دار المعرفة.
۸. خمینی، روح الله (بی تا)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران.
۹. درزی، عبدالله، نهضت حسینی در دو اثر منظوم اهل سنت: حدیقه الحقیقه و دیوان شمس، نشریه معارف حسینی، بهار ۱۴۰۰.
۱۰. شکیبا، هادی، نتایج قیام عاشورا، پژوهش های مطالعات اسلامی معاصر، سال دوم، شماره ۱۴، مرداد ۱۴۰۳.
۱۱. شیخ محمد، بن محمد مخلوف مالکی (۱۹۳۲م)، طبقات مالکیه، قاهره.
۱۲. الزمخشري، ابوالقاسم محمود بن عمر (۱۴۱۲ق)، ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۳. علوی علی آبادی، فاطمه سادات، شخصیت اخلاقی امام حسین (ع) در منابع اهل سنت، فصلنامه معارف حسینی، دوره ۹، زمستان ۱۴۰۳.
۱۴. قادری، حمید، بررسی شاخص های شخصیتی و سیاسی و جریانی امام حسین (ع) در نگاه اندیشمندان اهل سنت، هفتمین همایش بین المللی قیام تاریخی عاشورا از دیدگاه اهل سنت، ۱۳۹۹.

۱۵. مسئله‌گو، سید جعفر (۱۴۰۲)، تحلیل دیدگاه متفکران اهل سنت درباره قیام عاشورا، رساله دکتری، دانشکده شیعه شناسی.

گزارش کتاب مقتل ابومخنف از دی کوفی (مقتل الحسین)

سید کرّم حسین حسینی^۱

چکیده

سنت مقتل نویسی، جایگاه ویژه‌ای در منابع اسلامی دارد و از موضوعاتی است که بیشترین توجه را در میان تاریخ‌نگاران و محدثان به خود جلب کرده است. نخستین و بارزترین گزارش مکتوب کهن که مورد اهتمام منابع اصیل تاریخی قرار گرفته و به دست ما رسیده، مقتل ابومخنف است که «لوط بن ابی یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم آزدی کوفی» (۱۵۷ - ۹۰) در قرن دوم گرد آورده است. نام او به سبب تألیف آثار مربوط به عراق، تداعی‌گر مسائلی همچون جنگ جمل، صفین، واقعه کربلا، قیام مختار و... است. مهم‌ترین اثر ابومخنف «مقتل الحسین علیه السلام» است که مورد توجه محافل علمی متقدمان و متأخران بوده است. در این مقتل، واقعه کربلا به رشته تحریر در آمده است. از ویژگی‌های این نثر که ذیل حوادث سال ۶۱ در تاریخ طبری ثبت شده است، نقل سند به روش محدثان و مقبولیت متن آن و بهره‌مندی از اطلاعات دست اول است. از آنجایی که این متن جزو معتمدترین مقاتل در بین بزرگان و تاریخ‌نگاران شیعه و اهل سنت است، پرداختن به آن حائز اهمیت است. در این مقاله سعی شده است که به بررسی و تبیین جایگاه این اثر و مؤلف آن، اعتبار این اثر نزد بزرگان فریقین و در پایان به ویژگی‌هایی که موجب برجستگی و اعتبار آن شده است پرداخته شود تا اعتبار ابومخنف و نیز ارزش علمی اثر او هرچه بیشتر روشن گردد.

کلیدواژگان: مقتل، ابومخنف، تاریخ‌نگاری، امام حسین علیه السلام، کربلا.

مقتل‌نگاری و پیشینه آن

بیش از هزار اثر در زمینه مقتل نویسی وجود دارد که توسط نویسندگان شیعه و سنی، به زبان‌های مختلف عربی، فارسی و... نگاشته شده‌اند. اکثر این مقاتل به واقعه غمبار کربلا و مصیبت‌های طاقت‌فرسای امام حسین (ع) و یاران و خانواده‌اش پرداخته‌اند.

مقتل‌نگاری کربلا عبارت است از: ثبت و ضبط روایات و واقعیات واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش که همراه توصیف واقعه حزن‌انگیز کربلا، به منظور تبیین و تداوم درس‌ها و عبرت‌های کربلا برای مسلمانان و آزادگان جهان می‌باشد. مقتل‌خوانی، مرثیه‌خوانی، عزاداری، گریستن و گریاندن و به سوگ نشستن برای آن بزرگوار هم عبارت است از: بیان این فاجعه دردناک به خاطر اهداف مقدس آن قیام الهی.

تاریخ مقتل‌نگاری هم‌زمان با ظهور واقعه کربلا شروع شده و همچنان ادامه دارد. شیخ الطایفه «محمد بن حسن طوسی» (متوفی ۴۶۰ هـ) در کتاب الفهرست، از کتابی به نام «مقتل الحسین (ع)» خبر می‌دهد که توسط «اصبغ بن نباته» که از خواص اصحاب حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) بوده است و بعد از آن حضرت هم در قید حیات بوده، تألیف شده است (طوسی، ۱۲۷۱ق). اسماعیل پاشا بغدادی از: مقتل الحسین (ع) تألیف جابر بن یزید جعفی (متوفی ۱۲۸ هـ) نام برده است (بغدادی، بی تا: ۵۴۰/۲). ابن ندیم از چهار کتاب به نام «مقتل الحسین (ع)» به این شرح یاد کرده است:

* مقتل ابومخنف از لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم ازدی. جد ابومخنف یعنی مخنف بن سلیم از اصحاب حضرت علی (ع) بوده و از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده است؛

* مقتل الحسین بن علی (ع) تألیف ابوالفضل نصر بن مزاحم منقری (متوفی ۱۵۷ هـ)؛

* مقتل الحسین (ع) تألیف ابوعبدالله محمد بن عمر واقدی شیعی متوفی ۲۰۷ هـ؛
* مقتل الحسین بن علی (ع) ابوعبدالله محمد بن زکریا بن دینار غلابی (ندیم، ۱۳۵۰ش: ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۲۱).

شیخ طوسی علاوه بر آنچه ذکر شد، نام نه کتاب دیگر را به عنوان مقتل الحسین (ع) ذکر کرده است و خود نیز کتابی تألیف داشته موسوم به مقتل الحسین (ع) (طوسی، ۱۲۷۱ق: ۱۷ و ۳۰ و ۳۳ و ۳۴ و ۱۹۴ و ۱۵۸ و ۲۲۸).

شیخ منتخب‌الدین (قرن پنجم) از «مقتل الحسین (ع)» نام می‌برد که تألیف «سید نجم‌الدین محمد بن امیر کآبن ابی‌الفضل جعفری قوسبینی» است (منتجب‌الدین رازی، ۱۴۰۶ق: ۴۵۷). در قرن ششم هجری یکی از شاگردان جاراالله زمخشری موسوم به ابوالمؤید موفق خوارزمی (متوفی ۵۶۸ هـ.ق)، مقتل خوارزمی را نوشت (مشار، ۱۳۴۴ش: ۸۹۰). ابی‌القاسم محمودبن مبارک (متوفی ۵۹۲ هـ.ق) مقتل الامام الحسین بن علی (ع) را نوشت (بغدادی: بی‌تا: ۵۴۰/۲).

تا این‌که در قرن دهم هجری به روزگار سلطنت «سلطان حسین بایقرا» در هرات، ملاحسین واعظ کاشفی (متوفی ۹۱۰ هـ.ق) گویا اولین مقتل به نام «روضه الشهداء» را به زبان فارسی نوشت (نفیسی، ۱۳۴۴ش: ۲۴۶/۱). در سال ۹۰۸ هجری قمری، میرزا مرشدالدین عبدالله نوه دختری سلطان حسین میرزا و پس از او محمد بن سلیمان بغدادی متخلص به «فضولی» (متوفی ۹۶۸ هـ.ق)، کتاب روضه الشهداء را به زبان ترکی ترجمه کرد و به نام «حدیقه السعداء» مرسوم داشت (نفیسی، همان: ۴۳۷/۱).

صاحب ریاض العلماء در قرن دوازدهم هجری از شش کتاب بنام «مقتل الحسین (ع)» یاد کرده است (افندی، ۱۴۰۱ق: ۷۷/۱ و ۴۲۶/۴ و ۵۱۲/۵ و ۲۲۹/۵ و ۱۷۶/۵ و ۳۵/۵ و ۲۵۴/۴) و سید اعجاز حسین کنتوری، تعداد نه کتاب را که موسوم به مقتل الحسین (ع) می‌باشد، در فهرست خود آورده است (کنتوری نیشابوری، ۱۴۰۹ق: ۵۴۴ و ۵۴۵) و صاحب ذریعه بالغ بر هفتاد «مقتل ابی‌عبدالله الحسین» را معرفی کرده است (تهرانی، ۱۳۹۳ق: ۲۲-۲۹).

معرفی مقتل الحسین ابومخنف و اعتبار آن

«مَقْتَلُ الْحُسَيْنِ» نخستین مقتل درباره واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) است که توسط ابومخنف (متوفی ۱۵۷ق) نوشته شده است. این کتاب دو نسل پس از واقعه عاشورا نگاشته شده و به جهت شهرت گردآورنده آن، به «مقتل ابومخنف»، شهرت یافته است. این مقتل تا قرن چهارم موجود و در اختیار مورخانی چون طبری و ابن اعثم بوده است، اما در قرون بعدی مانند دیگر آثار ابومخنف، از میان رفته است.

این مقتل، شامل روایات مفصلی درباره واقعه کربلاست؛ از بررسی زمینه‌های آن تا خروج امام حسین (ع) از مدینه، فعالیت شیعیان در کوفه و مقابله با عبیدالله بن زیاد، جنگ سپاه شام با امام، قیام کوفیان و قیام مختار را ذکر کرده و به تمامی زوایای واقعه کربلا اشاره کرده است. علامه مجلسی نام مقتل ابومخنف را در جلد ۱۰ بحارالانوار

آورده و به آن اشاره کرده است. مقتل ابومخنف از نخستین و مهم‌ترین مقتل‌های موجود بوده و از منابع دست اول و مورد اعتماد در این زمینه است و مقتل‌نویسان متأخر از آن بهره برده‌اند.

درباره زمان و چگونگی این نوشتار، منابع قابل اعتماد تقریباً اتفاق دارند که برای اولین بار در اوایل سده دوم هجری، ابومخنف لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم ازدی کوفی (م ۱۵۸ق)، گزارش‌های مربوط به واقعه کربلا را در کتابی که آن را «مقتل الحسین (ع)» نامید، گرد آورد. قرائن تاریخی نشان می‌دهد که ابومخنف کتاب مقتل خود را در حدود دهه سوم از سده دوم هجری تألیف کرده است؛ زیرا هنگامی که وی در این کتاب به خبر ورود مسلم بن عقیل به کوفه و اقامت او در خانه مختار بن ابی عبید ثقفی اشاره می‌کند، چنین می‌افزاید: «خانه‌ای که امروز به خانه مسلم بن مسیب شهرت دارد». از این اشاره ابومخنف می‌توان دریافت که هنگامی که او مشغول تألیف کتاب مقتل بوده، خانه مذکور به مسلم بن مسیب تعلق داشته و بنا بر روایت طبری، مسلم تا سال ۱۲۸ هجری قمری زنده بوده است. از این رو، می‌توان با ظن قریب به یقین گفت که کتاب مقتل الحسین در سال‌های پایانی دهه سوم سده دوم هجری، یعنی بین سال‌های ۱۲۷ تا ۱۳۰ که دوره ضعف امویان و مقارن با آغاز دعوت عباسیان است، تدوین شده است (طبری: بی‌تا: ۳۵۵/۵) و به گفته برخی از محققان، هیچ استبعاد ندارد که این تألیف از سوی امام یا داعیان عباسی به ابومخنف پیشنهاد شده باشد تا از این گزارش‌های هولناک تاریخی که لکه ننگی بر دامن خاندان اموی بوده، در تبلیغ و پیشبرد نهضت خود بر ضد امویان و سقوط آنان بهره گیرند، چنان‌که عملاً نیز چنین کردند و به نوشته مورخان، یکی از دلایل سقوط امویان، نهضت سیدالشهدا (ع) و فاجعه دردناک کربلا بود (یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۳۲۶/۲).

نقل طبری از مقتل ابومخنف، به روشنی استحکام این مقتل را در مورد نقل حادثه عاشورا از دیدگاه تاریخ‌نگار نامی اهل سنت، نشان می‌دهد؛ هرچند نمی‌توان به درستی درک کرد که آنچه او نقل می‌کند، همه مقتل ابومخنف بوده باشد و برخی گزارش‌ها و مطالب را طبق عادت معمولش و با رویکرد گزینشی، از قلم نینداخته یا احیاناً تلخیص نکرده باشد.

بنابراین می‌توان گفت که مقتل ابومخنف تقریباً همزمان با مقتل جابر بن یزید جعفری نگاشته شده است. متأسفانه این مقتل در گذر زمان مفقود شد و اگر

گزارش‌هایی از آن در منابعی همچون تاریخ طبری، مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی، ارشاد شیخ مفید و تذکره الخواص سبط ابن جوزی منعکس نمی‌شد، امروزه از این مقتل نیز همچون بسیاری دیگر، جز نامی باقی نبود. البته ممکن است علت اصلی از بین رفتن چنین مقتلی، اقدام هشام بن محمد، شاگرد ابومخنف در انعکاس تمام یا بیشتر اخبار مقتل استادش در کتاب مقتل الحسین خود باشد که این امر، سبب شد مورخان و مقتل‌نویسان قرون بعدی، رفته‌رفته مقتل ابومخنف را به فراموشی بسپارند.

بازسازی کتاب

متأسفانه کتاب «مقتل الحسین» ابومخنف، در گذر زمان مفقود شده و در دست نیست. ظاهراً کامل‌ترین متنی که اکنون در دست می‌باشد، در کتاب «تاریخ طبری» درج شده است، هرچند که ممکن است محمد بن جریر طبری به طور کامل همه مطالب را ذکر نکرده باشد. کتابی که امروزه با نام «مقتل ابومخنف» شهرت دارد، کتابی مجعول است. مقتل ابی مخنف موجود، غیر از کتاب لوط بن یحیی است و در آن مطالب سست و بی‌پایه، فراوان آمده و لذا بر آن اعتماد نشاید. محدث قمی در این باره می‌نویسد: «ولکن الاسف انه فقد و لا لوجد منه نسخه و اما المقتل الذی بایدینا و ینسب الیه فلیس له» (قمی، بی‌تا: ۱/۱۵۵).

برخی از پژوهشگران تلاش کرده‌اند از طریق گردآوری و تدوین نقل‌قول‌هایی که طبری در تاریخش از کتاب ابومخنف داشته است، مقتل ابومخنف را بازسازی کنند. از آن جمله: کتاب وقعه الطف لأبی مخنف، به تحقیق محمدهادی یوسفی غروی (قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷ش). این کتاب توسط جواد سلیمانی با عنوان «نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا» (قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی) و توسط محمدصادق روحانی با عنوان «ترجمه وقعه الطف، بازسازی مقتل الحسین ابومخنف» (قم: انتشارات طه) به فارسی ترجمه شده است.

آقای شیخ محمدهادی یوسفی غروی در کتاب با ارزش «وقعه الطف» به جمع‌آوری، تدوین و تنظیم مجدد روایات و گزارش‌های ابومخنف (در کتاب مقتل الحسین مفقود او) پرداخته و بر پایه منابع معتبری که پیش از این از آن‌ها سخن گفتیم، نظیر کتب طبری و شیخ مفید و نیز مقایسه و مقابله آن‌ها با کتاب‌های قابل اعتماد دیگر، مانند مقتل خوارزمی، «مروج الذهب» مسعودی، «تاریخ یعقوبی»، «وقعه الصفین» نصر بن مزاحم

منقروی و غیره، در واقع این کتاب را بازسازی و تجدید تألیف کرده‌اند.
 کتاب دیگری که با انگیزه بازسازی مقتل ابومخنف نگاشته شده است، کتاب مقتل
 الحسین (ع) با تعلیق حسن عباسی، کتاب مقتل الحسین، به کوشش حسن غفاری (قم):
 چاپخانه علمیه، ۱۳۹۸ ق) است.

معرفی نویسنده

«لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم غامدی ازدی» معروف به ابومخنف، در
 کوفه از تیره غامد و از قبیله اُزد برخاست (ابن ندیم، ۱۳۹۳ ق: ۱۰۵). مخنف بن سلیم پدر
 جد ابومخنف (عسقلانی، ۱۴۰۴ ق: ۷۰/۱۰) از صحابیان شیعی رسول اکرم (ع) (ابن سعد،
 ۱۴۰۵ ق: ۳۵/۶) و از اصحاب امام علی (ع) (طوسی، ۱۴۱۵ ق: ۸۱) و پرچم‌دار قبیله
 ازد در جنگ جمل بود (طبری، ۱۳۶۲ ش: ۵۲۱/۲) که از سوی آن حضرت والی شهر
 همدان و اصفهان گشت (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۷ ش: ۱۸۹). پدرش یحیی بن سعید نیز از
 اصحاب امام علی (ع) بود (ابن شهر آشوب: ۱۳۴۰ ش: ۹۳) برادران ابومخنف در جنگ
 جمل به شهادت رسیدند (تاریخ الامم والملوک، ۱۳۶۲ ش: ۵۲۱/۲). ابومخنف در کوفه به
 تحصیل و فراگیری دانش پرداخته و از امام صادق (ع) (ذهبی، ۱۹۶۳ م: ۴۲/۳) و جابر
 جعفی، مجالد بن سعید و صعقب بن زبیر استفاده نموده است (ذهبی، ۲۰۰۶ م: ۳۱۰/۷).
 تاریخ ولادت و وفات ابومخنف معلوم نیست. «ولهازن» او را متولد سال ۷۵ ق
 (ولهاوزن، ۲۰۰۸ م: ۲) و «سزگین» در حدود سال ۷۰ قمری دانسته است
 (سزگین، ۱۴۱۲ ق: ۱۲۷/۲). «حموی» تاریخ وفات ابومخنف را سال ۱۵۷ ق (یا قوت حموی،
 ۱۴۰۰ ق: ۱۴۱/۷) و «ذهبی» سال ۱۷۰ قمری ذکر کرده است (ذهبی، ۱۴۰۸ ق: ۴۲۰/۳).

از جمله امتیازات ابومخنف، جامعیت علمی و برجستگی دودمانی اوست. وی دارای
 مقام علمی در حدیث‌پژوهی بوده است؛ چنان‌که او را شیخ محدثین کوفه دانسته‌اند.
 بعضی هم ابومخنف را از فقهای قرن دوم دانسته و برجستگی خانوادگی او را ستوده‌اند.
 همان‌طور که گفته شد، جد او «مخنف» از یاران رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و
 امیرمؤمنان (ع) بود. او در حوادث زمان خود، از طایفه‌اش نمایندگی می‌کرد و رئیس
 طایفه «ازد» به شمار می‌رفت. این ویژگی‌ها نمی‌تواند در اتقان آثار و ژرف‌نگری و
 پشتوانه علمی وی بی‌تأثیر باشد (یوسفی غروی، ۱۳۶۷ ش: ۸).

مذهب ابومخنف

ابومخنف کوفی از اهل سنت محب اهل‌بیت (ع) بود. به عبارت دیگر، ابومخنف در

خانواده‌ای با پیشینه «شیعی عام» به معنای تشیع سیاسی و دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام رشد و نمو کرده، ولی تشیع خود او ثابت نشده است. نجاشی -رجالی شهیر شیعی- در اثر رجالی خود، از وی با عنوان شیخ اصحاب الاخبار بالكوفه و وجههم، یعنی استاد و چهره بزرگ اصحاب اخبار در کوفه (و نه شیخ اصحابنا) یاد می‌کند که دلالتی بر تشیع وی ندارد (نجاشی، ۱۳۶۴ش: ۳۲۰).

برخی از محققان، قرینه دیگری بر عدم تشیع او (به معنای تشیع اعتقادی) بیان کرده‌اند و آن اینکه رجالیان غیر شیعی، او را متهم به «رافضی بودن» نکرده‌اند؛ اصطلاحی که آنان معمولاً برای توصیف شیعیان اعتقادی به کار می‌برند (ابومختف، ۱۴۲۷ق: ۱۹). ابن ابی الحدید نیز به شیعه نبودن او تصریح کرده است (ابن ابی الحدید، ۱۹۵۹م: ۱۴۷/۱).

او اهل کوفه بوده است که عموماً به اهل بیت علیهم‌السلام گرایش داشته‌اند. البته این گرایش به اهل بیت در کوفه به معنای شیعه اصطلاحی امروزی که معتقد به امامت باشد نیست، بلکه نوعی جانبداری سیاسی و اعتقادی است. رسول جعفریان در کتاب «تأملی در نهضت عاشورا» می‌گوید:

«می‌توان پذیرفت که وی نوعی عقیده به تشیع دارد، در همان حدی که در کوفه رایج بوده است، یعنی راجع به خلیفه اول و خلیفه دوم اثباتاً و نفیاً حرفی نداشتند، ولی نسبت به خلیفه سوم انتقادهای تندی می‌شده و معاویه را اصلاً نمی‌پذیرفتند» (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۳).

برخی دیگر از رجالیان، معتقد به تشیع او هستند. دلیل آن‌ها این است که برخی از رجالیان اهل سنت او را متهم به تشیع کرده‌اند. به هر حال، صرف نظر از مذهب او، با توجه به مدح نجاشی از وی، با جمله: «و کان یسکن الی ما یرویه؛ آنچه را نقل می‌کرد، مورد اعتماد و پذیرش بود»، وثاقت او اثبات شدنی است (نجاشی، ۱۳۶۴ش: ۳۲۰).

هرچند درباره مذهب ابومختف اتفاق نظر وجود ندارد، ولی کتاب باقی‌مانده از وی، یعنی مقتل الحسین، مورد مراجعه و اعتماد تاریخ‌نگاران و پژوهشگران مذاهب و نحله‌های گوناگون، از جمله اهل سنت است (ابن ابی الحدید، ۱۹۵۹م: ۱۶۷/۱).

آنان هنگامی که به موضوع خلافت یزید بن معاویه، به ویژه جنایت وی در کربلا و شهادت حسین بن علی رسیده‌اند، به کتاب ابومختف استناد کرده‌اند. نامی‌ترین تاریخ‌نگار اهل سنت، محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰)، بیشترین استفاده را از مقتل ابومختف در بیان واقعه سترگ کربلا نموده، حدود ۹۷ روایت را با بیان سند از آن

گزارش کرده است. این مفصل‌ترین نقلی است که از این مقتل در دست داریم.

آثار علمی ابومخنف

نزدیک به ۵۰ اثر در موضوعات مغازی، فتوح، رده و تکنگاری‌هایی در مقتل و شرح حال افراد از لوط ابن ابی یحیی فهرست شده است مانند فتوح خراسان، قتل عثمان، کتاب الجمل، مقتل محمد بن ابی بکر، اخبار الحجاج، اخبار شیبب الخارجی. وی که از تاریخ‌نگاران قرن دوم است در موضوعات مختلفی چون سقیفه، رده، شورا، جمل، صفین حره، محاصره ابن زبیر در مکه، اقدام سپاه یزید به سوزاندن کعبه و حوادث قبل از آن مانند مقتل حجر بن عدی و مرگ معاویه و دیگر مطالب، تکنگاری‌های ارزشمندی نوشته که متأسفانه از بین رفته است. مهم‌ترین و تنها اثر باقی‌مانده از او، مقتل الحسین است که آن نیز به صورت مقتل باقی نمانده، بلکه نقل‌هایی از آن در منابع تاریخی ثبت شده و در دسترس ما قرار گرفته است (طوسی، ۱۲۷۱ق: ۱۰۵ و ۱۵۵؛ نجاشی، ۱۳۶۴ش: ۳۲۰).

۱۱۲ حسین‌المتین راویان و گزارش‌گران ابومخنف

ابومخنف در نقل حوادث عاشورا و رخدادهای پیرامون آن، با بی‌طرفی و دقت علمی فراوان عمل کرده است. او عمدتاً با یک واسطه، از شاهدان حادثه و راویان متعدد در هر رخداد که در آگاهی و گزارش‌دهی آن حادثه بیشترین اطلاع را داشته‌اند، بهره برده است. یکی از راویان وی، عقبه بن سمعان، غلام رباب، همسر امام حسین علیه السلام بوده است که از مدینه تا شهادت آن حضرت، همراه وی بود و از معدود همراهان همیشگی سیدالشهدا شمرده می‌شود. او زنده ماند و به اسارت گرفته شد و سپس آزاد گردید.

ابومخنف، رویداد مدینه را با یک واسطه، از عقبه بن سمعان گزارش می‌کند. حوادث کوفه و رخدادهای زمان حضور مسلم بن عقیل در آن شهر و روند تحولات پس از شهادت او را از دوازده راوی که در میان هواداران وی در کوفه بوده‌اند، گزارش کرده است. این عده، عمدتاً شاهدان صحنه بوده‌اند و مشاهدات و اطلاعات دست اول خود را نقل کرده‌اند.

او در مورد حرکت امام حسین علیه السلام و تلاش‌های گوناگون آن حضرت در مناطق مختلف نیز با دقت، وسواس علمی و بی‌طرفی، به نقل اخبار و گزارش رویدادهای مربوطه پرداخته است. برای مثال، رخدادهای مکه را از شش نفر از کسانی که همراه امام بوده‌اند، ثبت کرده است و رویدادهای بین مکه و کربلا را، از دوازده راوی مختلف

که در سپاه امام حضور داشته‌اند، گزارش می‌کند. مهم‌ترین بخش مقتل ابومخنف، شرح حوادث روز عاشورا و رخداد‌های کربلاست که وی وقایع آن را در مجموع از ۲۸ نفر شنیده و اخبار آن را گزارش کرده است. از شمار افراد یادشده، حدود ۲۴ نفر به سپاه عمر بن سعد تعلق داشته‌اند و دیگر روایات، از امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام است.

ویژگی‌ها و امتیازات مقتل الحسین و مؤلف آن

مقتل ابومخنف از ابعاد گوناگون قابل بررسی و ارزیابی است و در مجموع می‌توان گفت با توجه به معیارهای علمی و شاخص‌های مطرح در واقع‌نگاری و تاریخ‌پژوهی، امتیازات و برجستگی‌های متعددی دارد (جعفریان، ۱۳۷۶ش: ۱۱۱؛ تاری، ۱۳۸۲ش: ۴۸). برخی از این ویژگی‌ها از این قرار است:

۱. کتابی با یک واسطه

نسخه اصلی کتاب ابومخنف به دست ما نرسیده است؛ زیرا برای سال صد هجری است، اما با یک واسطه این کتاب به دست ما رسیده است که این واسطه «هشام بن محمد بن صائب کلبی» بوده است. وی هم‌عصر امام رضا علیه السلام بوده و در کوفه نزد ابومخنف شاگردی کرده بود و به نقل از او، طبری این مقتل را نقل کرده است.

۲. جایگاه ابومخنف نزد رجالین

جایگاه مؤلف که به تعبیر نجاشی، شیخ اصحاب الاخبار بالكوفه بوده و در تألیف تک‌نگاری‌های تاریخی، ید طولایی داشته است. نجاشی وقتی به لوط بن یحیی، یعنی ابومخنف رسیده او را این‌طور معرفی کرده که او شیخ اصحاب کوفه بود؛ یعنی کسی بوده که اخبارش در دست متخصصین اخبار تاریخی، به عنوان اخبار قابل اعتماد شناخته می‌شده است.

۳. قرب زمانی مؤلف

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ابومخنف این است که مقتل خود را به روش محدثان و با ذکر سند (روش نقلی) نگاشته است؛ یعنی همه مطالب به صورت روایت مستند و از حاضران در صحنه نقل شده است. ابومخنف در سال‌های ۹۰ تا ۱۵۷ می‌زیست که با زمان وقوع فاجعه کربلا (سال ۶۱) فاصله زیادی نداشته است. ابومخنف، روایات این کتاب را گاه از شاهدان عینی و گاه با یک یا دو واسطه نقل کرده که نسبت به مقتل‌های تدوین شده در ادوار بعدی، امتیاز ویژه‌ای است. ارزش تاریخی مقتل

ابومخنف از این جهت است که خود او حوادث را از نزدیک دیده و یا از زبان مشاهده‌کننده، به طور مستقیم نقل می‌کند. در آثار ابن ندیم و نجاشی به کتاب مقتل ابومخنف اشاره شده و طبری در تاریخ خود و شیخ مفید در ارشاد، مطالب و منقولات او را آورده و اخیراً در کتاب جداگانه‌ای، منقولات او جمع‌آوری و تحقیق شده است.

۴. ادبیات غیرجانبدارانه

در مقتل ابومخنف عمدتاً با گزارش راویان و گفته خبرنگاران سروکار داریم. او گفته خبرنگاران را که به دو لشکر متخاصم تعلق داشته و در موضوع موردنظر دارای آگاهی و اطمینان بودند، نقل می‌کند و کمترین قضاوت و واکنش مثبت یا منفی از خود نشان نمی‌دهد. ابومخنف در مورد افراد درگیر در حادثه بزرگ عاشورا نیز به قضاوت، نکوهش یا ستایش نمی‌پردازد. او هرچه را شنیده و اطمینان پیدا کرده، گزارش می‌کند و دآوری، تمجید و تقبیح‌ها را به خوانندگان می‌سپارد؛ چنان‌که نوع گزارش و قلم به کار رفته در مقتل نیز هرگز جانب‌داری یا ستیزه‌جویی را نشان نمی‌دهد.

۵. حفظ امانت و بی‌طرفی

طبیعی است در مورد یک رخداد، گزارش‌ها و نقل‌های متعدد و چه‌بسا متناقضی وجود داشته باشد. ابومخنف به نقل یک گزارش و گزینش یکی از نقل‌ها اقدام نکرده است، بلکه به نقل اخبار گوناگون می‌پردازد و حتی یکی را بر دیگری ترجیح نمی‌دهد؛ به‌طوری‌که این امر، مذهب او را مورد تردید قرار داده است و برخی بر تشیع و شماری به تردید یا انتساب وی به اهل تسنن روی آورده‌اند. جالب این‌که هردو طایفه در نقل‌ها، او را مورد قبول و قابل اعتماد دانسته‌اند. برای نمونه، او گزارش نامه ابن سعد را به ابن زیاد مبنی بر سه پیشنهاد امام حسین علیه السلام که:

۱. به حجاز برگردد؛

۲. با یزید بیعت کند و دست در دست شخص او بگذارد؛

۳. به یکی از مرزهای جهان اسلام برود، نقل می‌کند و سپس به گزارش دوم در این موضوع، چنین می‌پردازد: عبدالرحمان بن جندب، از عقبه بن سمعان روایت می‌کند که: «من همراه حسین به بودم، از هنگامی که از مدینه خارج شد به سوی مکه و از آنجا به کربلا رفت و هیچ‌گاه از او جدا نشدم تا آن لحظه که کشته شد و هیچ سخنی از او در این مدت سر نزد که من آن را نشنیده باشم. به خدا سوگند آنچه مردم گمان می‌کنند که حسین گفته است [حاضر]م دستم را در دست یزید بگذارم یا مرا به یکی

از مرزهای اسلامی بفرستید، صحیح نیست؛ بلی، او گفت بگذارید در این سرزمین گسترده بروم تا ببینم کار مردم به کجا می‌انجامد» (طبری: ۱۳۶۲ش: ۴/۳۱۶). موارد دیگری نیز در مقتل ابومخنف مشاهده می‌شود که به نظر یک محقق، نقل‌هایی متناقض می‌نماید و یکی از گزارش‌ها جعلی به نظر می‌رسد، اما او برای حفظ امانت و رعایت بی‌طرفی، آن‌ها را نقل کرده است.

۶. اتخاذ شیوه تخصصی

او با آن‌که از تاریخ‌نگاران عراق است و در زمینه مسائل این منطقه تخصص دارد، در مورد حوادث کربلا، تنها به نقل اقوال یا حتی گزارش گفته‌های حاضران فاجعه عاشورا اکتفا نمی‌کند، بلکه این رخداد سترگ را به بخش‌های گوناگون تقسیم کرده، در هر مورد به شاهدان عینی و آگاهان برتر اعتماد ورزیده و از آن‌ها برای بیان حقایق، سود جسته است. برای مثال در مورد حوادث زمان مسلم بن عقیل در کوفه، از گزارشگران همراه و حاضر در رکاب وی، در مورد فعل و انفعالات لشکر عمر بن سعد و سخنان، نامه‌ها، خطبه‌ها و اقدامات وی، به شاهدان و حاضران در رکاب او و در مورد سخنان، مواضع و اقدامات سیدالشهدا، به نزدیک‌ترین شاهدان و خبرنگاران آن حضرت رو آورده، به دریافت اخبار و ثبت نقل‌ها پرداخته است.

۷. حفظ شیوه تاریخ‌نگاری

در موضوع انقلاب حسینی، گزارش‌ها و سخنان گوناگونی وجود دارد و نویسندگان و سخنوران، فراوان درباره آن، کتاب یا رساله و مقاله نوشته‌اند. در این میان، شماری موضوع یادشده را بهانه‌ای برای بیان مسائل عرفانی با بیان گزاره‌های کلامی قرار داده‌اند و آن‌ها را در قالب تاریخ‌نگاری و مقتل‌نگاری عرضه داشته‌اند. جمعی حتی پا را فراتر نهاده‌اند و به بیان مطالبی پرداخته‌اند که برخی قابل اثبات نبوده و شماری از آن‌ها، با منزلت آل پیامبر (صلی الله علیه وآله) ناسازگار است و به خرافات می‌ماند.

یکی از ویژگی‌های مقتل ابومخنف، اتخاذ شیوه علمی در تاریخ‌نگاری و رعایت عقلانیت در نقل حوادث است؛ به گونه‌ای که از آغاز تا پایان آن، با همه تفصیلی که دارد، نمی‌توان مطالب و نکاتی غیرطبیعی و دور از عقل در آن مشاهده کرد. البته این امر به مفهوم نفی کرامات نیست و ابومخنف گزارش‌هایی را که حاکی از کرامات حسین (ع) است را نقل می‌کند. از جمله در بیان علت مرگ «عبدالله بن حوزة تمیمی»

می‌نویسد: «او در روز عاشورا پس از توهین به امام حسین علیه السلام، مورد نفرین آن حضرت قرار گرفت و بر اثر رم کردن اسبش، در جا کشته شد»؛ اما این نقل‌ها که راویان مختلف و با گونه‌های به ظاهر متفاوت نقل کرده‌اند، هیچ استبعاد عقلی نداشت و او همه نقل‌ها و مشاهدات را نقل کرده است. این گزارش‌ها، با بعضی نقل‌ها که نویسندگان پسین شیعه و سنی درباره حوادث غیرطبیعی عاشورا گزارش کرده‌اند، خیلی تفاوت دارد (نک: ناصری داوددی، ۱۳۹۰ ش).

۸. عدم افسانه‌سرایی

در سراسر گزارش ابومخنف اثری از افسانه‌سرایی وجود ندارد.

۹. اعتبار نزد مورخین دیگر

توجه مورخان بعدی - اعم از شیعه و سنی - به این اثر و نقل تمام یا بیشتر روایات آن، از جمله توسط شاگردش هشام بن محمد کلبی (۲۰۴ یا ۲۰۶ ق) و سپس محمد بن جریر طبری (۳۱۰ ق)، ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶ ق)، شیخ مفید (۴۱۳ ق) و سبط بن جوزی (۶۵۴ ق)، از نکات قابل توجه ابومخنف و اثر اوست. در این میان، طبری به ابومخنف توجه خاصی داشته است. طبری، حوادث کربلا را از طرق مختلف نقل کرده است، اما بیشترین کسی که مورد توجه و اعتماد وی بوده است، ابومخنف است که به واسطه شاگرد ابومخنف، این اخبار توسط طبری دریافت شده و در تاریخش آورده است.

۱۰. رعایت ترتیب زمانی واقعه در سیر نوشتار

ویژگی دیگر این مقتل، تفصیلی بودن، تنظیم و ترتیب دقیق (از حیث زمانی) وقایع است. تمام خطبه‌های امام حسین علیه السلام، متن نامه‌ها و گفتگوهای ایشان که در مدینه، مکه، مسیر راه تا کربلا و در کربلا صورت گرفته، روایت شده و تاریخ از این حیث، مدیون وی است.

جمع‌بندی

۱. کهن‌ترین و مستندترین کتاب یا نوشتاری که مشتمل بر اخبار صحیح عاشورای امام حسین علیه السلام باشد، «مقتل ابی‌مخنف» نوشته «لوط ابن یحیی بن سعید سالم ازدی قامدی کوفی» است که در گذر تاریخ، به دو مقتل ابی‌مخنف صحیح و مستند و مقتل ابی‌مخنف تحریف شده، تبدیل شده است.

۲. مقتلی که به اسم ابومخنف در دسترس است، نسخه محرف آن است. برخی از پژوهشگران تلاش کرده‌اند از طریق گردآوری و تدوین نقل‌قول‌هایی بر پایه منابع معتبری، نظیر کتب طبری و شیخ مفید و نیز مقایسه و مقابله آن‌ها با کتاب‌های قابل اعتماد دیگر، مانند «مقتل خوارزمی»، «مروج الذهب» مسعودی، «تاریخ یعقوبی»، «وقعة الصفین» نصر بن مزاحم منقری و غیره، در واقع این کتاب را بازسازی و تجدید تألیف کنند. این اثر با نام وقعة الطف (مقتل ابی مخنف)، با تحقیق محمدهادی یوسفی غروی به چاپ رسیده است.

۳. مقتل ابومخنف از جمله اولین آثاری است که در خصوص قیام عاشورا نگاشته شده است. این اثر دارای امتیازهای متعددی از جمله: وجود سند راویان و محتوایی نزدیک به واقعیت و حقیقت است که مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است. این اثر به لحاظ محتوا، نسبت به هم‌عصران خود، به اصول علمی بیشتر پایبند بوده است.

۴. با ارزیابی و مقایسه مطالب ابومخنف و تاریخ‌نگاران بعد از وی، همچون طبری، یعقوبی، مسعودی، دینوری و بلاذری، به دست می‌آید که این منابع در کل هماهنگ‌اند و تفاوت چندانی در بیان رخداد بزرگ عاشورای حسینی ندارند.

۵. تاریخ ابومخنف از همان ابتدا مقبولیت عام یافت و مورد توجه و استناد مورخین و بزرگان اهل سنت و شیعه قرار گرفت.

۶. درباره مذهب ابومخنف، بیشتر اهل فن بر این باورند که ابومخنف در خانواده‌ای با پیشینه شیعی عام به معنای تشیع سیاسی و دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام رشد و نمو کرده است؛ زیرا او اهل کوفه بوده است که عموماً به اهل بیت علیهم‌السلام گرایش داشته‌اند. البته این به معنای شیعه اصطلاحی که معتقد به امامت باشد نیست، بلکه نوعی جانبداری سیاسی و اعتقادی است.

۷. از جمله ویژگی‌هایی که موجب برجستگی و اعتبار مقتل الحسین و مؤلف آن شده است، این است که این اثر با یک واسطه نگارش و عرضه شده است. همچنین نویسنده مورد اعتنا و تأیید بزرگانی از رجال یون و مورخان مشهور شیعه و سنی می‌باشد. نیز ادبیات غیرجانبدارانه، حفظ امانت‌داری در نقل اقوال، پرهیز از داستان‌سرایی و خرافه‌گویی، رعایت نظم و ترتیب زمانی در نقل حوادث و رعایت اصول علمی تاریخ‌نگاری، از امتیازات این نوشتار است.

- اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۷. افندی، میرزا عبدالله اصفهانی (۱۴۰۱ ق)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قم، مکتبه آیت الله مرعشی.
۱۸. بغدادی، اسماعیل پاشا بن محمد امین (قرن ۱۴ق)، ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۹. پیشوایی، مهدی (۱۳۸۹ش)، مقتل جامع سیدالشهدا، چاپ اول، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره).
۲۰. جعفریان، رسول (۱۳۸۶ش)، تأملی در نهضت عاشورا، چاپ اول، قم، نشر انصاریان.
۲۱. _____ (۱۳۷۶ش)، منابع تاریخ اسلام، قم، نشر انصاریان.
۲۲. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۹۳ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، تهران، اسلامیه.
۲۳. تاری، جلیل (۱۳۸۲ش)، ویژه‌نامه تاریخ، مجله معرفت، شماره ۷۵، سال دوازدهم.
۲۴. ذهبی، شمس الدین (۱۴۰۸ق)، تاریخ الاسلام، چاپ اول، قاهره، مطبعه عیسی البابی الحلبی و شرکاء.
۲۵. _____ (۱۴۰۱ق)، سیر اعلام النبلاء، چاپ اول، بیروت، انتشارات موسسه الرساله.
۲۶. _____ (۱۴۱۶ق)، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۷. سزگین، فؤاد (۱۴۱۲ق)، تاریخ التراث العربیه، چاپ ۲، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۲۸. طبری، محمد بن جریر (قرن ۳ق)، تاریخ الطبری یا تاریخ الامم والملوک، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، رجال الطوسی، قم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. _____ (۱۲۷۱ق)، الفهرست، با تحقیق: اسپرنگر و مولوی عبدالحق، هند.
۳۱. _____ (۱۲۷۱ق)، تحقیق: سیدمحمد صادق بحر العلوم،

- (۱۳۵۶ق)، نجف، انتشارات حیدریه.
۳۲. عسقلانی، احمد بن علب (۱۳۵۲ق)، تهذیب التهذیب، چاپ اول، بیروت، دار الصادر.
۳۳. قمی، عباس (۱۳۹۷ق)، الکنی واللقاب، تهران، کتابخانه صدر.
۳۴. نیشابوری کنتوری، سیداعجاز حسین (۱۴۰۹ق)، کشف الحجب والاستار عن اسماء الکتب والاسفار، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳۵. مشار، خانبابا (۱۳۴۴ش) فهرست کتابهای چاپی عربی ایران، چاپ اول، تهران، مؤلف.
۳۶. منتجب الدین، علی بن عبیدالله رازی (۱۴۰۶ق)، فهرست اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم، بیروت، دارالاضواء.
۳۷. ناصری داوودی، عبدالمجید (۱۳۹۰ش)، انقلاب کربلا از دیدگاه اهل سنت، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۸. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۴ش)، رجال نجاشی، محقق: سیدموسی شبیری زنجانی، قم، نشر اسلامی.
۳۹. نفیسی، سعید (۱۳۴۴ش)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، کتابفروشی فروغی.
۴۰. ولهازون، یولیوس (۲۰۰۸م)، تاریخ الدوله العربیه، پاریس فرانسه، دار بیبلون.
۴۱. حموی، یاقوت (۱۴۰۰ق)، معجم الادباء، قاهره، چاپخانه هندیه.
۴۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م)، تاریخ یعقوبی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.